

## ایران:

## سرکوب آزادی، زندان، شکنجه، اعدام ...

## سیاست دولتی اختناق

دسامبر ۲۰۱۱ (آذر ۱۳۹۰) شماره ۵۸۰a

ماده ۱: تمام افراد بشر آزاد زاده می شوند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه برادری رفتار کنند. ماده ۲: هر کس می تواند بی هیچ گونه تمایزی، به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگری، و همچنین منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همه آزادی های ذکر شده در این اعلامیه بهره مند گردد. به علاوه نباید هیچ تبعیضی به عمل آید که مبتنی بر وضع سیاسی، قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور یا سرزمین مستقل، تحت قیمومت یا غیر خودمختار باشد، یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد. ماده ۳: هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد. ۴: هیچ کس را نباید در برده گی یا بنده گی نگاه داشت. برده گی و دادوستد برده گان به هر شکلی که باشد، ممنوع است.



عکس روی جلد: نسرین ستوده، وکیل حقوق بشری در بند

وزارت امور خارجهی فنلاند به این پروژه کمک کرده و بودجهی آن را تأمین نموده است.

ایران:

## سرکوب آزادی، زندان، شکنجه، اعدام...

### سیاست دولتی اختناق

- پیش درآمد ..... ۴
- ۱ - چارچوب قوانین اساسی و عادی ایران در سازگاری با میثاق ..... ۶
- ۲ - نفی حق برابری زنان ..... ۸
- ۳ - نفی حق زندگی ..... ۱۴
- ۴ - محاکمه‌های ناعادلانه، نفی حقوق قضایی و قانونی ..... ۲۱
- ۵ - منع شکنجه و مجازات‌ها و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز ..... ۲۳
- ۶ - محرومیت از حقوق بر پایه‌ی تبعیض مذهبی ..... ۳۱
- ۷ - منع آزادی بیان ..... ۳۴
- ۸ - منع آزادی گردهم‌آیی و تشکل ..... ۴۳
- ۹ - محرومیت از حقوق به خاطر منشا قومی ..... ۵۱
- پیوست ۱: فهرست ناکاملی از ۷۳ زندانی عقیدتی زن ..... ۵۳
- پیوست ۲: فهرست ناکاملی از ۴۳ روزنامه‌نگار و وبلاگ‌نگار زندانی ..... ۵۷
- پیوست ۳: ملاحظات پایانی کمیته‌ی حقوق بشر ..... ۶۰

## پیش‌درآمد

ابعاد نقض فاحش حقوق بشر در ایران از هر جهت فراتر از حد تصور و هر روز روبه‌گسترش است. فهرست انواع نقض حقوق بشر بسیار طولانی است: شکنجه و دیگر مجازات‌های ظالمانه و غیرانسانی، بازداشت‌های خودسرانه و اغلب بسیار طولانی پیش از آغاز محاکمه که آن هم پیوسته بر اساس اتهام‌های مبهم حتماً برای صدور و اجرای حکم اعدام صورت می‌گیرد، اعدام مخالفان و نوجوانان و استفاده از مجازات اعدام برای «جرایم» غیرمهم، تبعیض شدید و روبه‌افزایش علیه زنان و مدافعان حقوق زن، تمام اقلیت‌ها و گروه‌های مذهبی و جوامع قومی، سرکوب هرگونه مخالفت و انتقاد، درهم‌کوبیدن شدید گروه‌های جامعه‌ی مدنی و فعالان و سازمان‌های سیاسی از هر گرایشی، افزایش تعداد زندانیان سیاسی و فشارهای شدید بر آن‌ها، نفی آزادی‌گردهم‌آیی، تشکل، بیان و مطبوعات، سانسور کتاب‌ها و مسدودکردن وبگاه‌ها و بلاگ‌ها...

در چنین شرایطی، طرح اول گزارش حاضر را با نگاه به گزارش جمهوری اسلامی ایران به کمیته‌ی حقوق بشر، ابتدا در مارچ ۲۰۱۱ (فروردین ۱۳۹۰) به نشست اولیه‌ی کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل در نیویورک ارائه کردیم و پیشنهادهایی برای طرح پرسش از جمهوری اسلامی به کمیته دادیم. سپس، کمیته‌ی حقوق بشر - شامل ۱۸ کارشناس مستقل - ۳۴ پرسش طرح کرد و جمهوری اسلامی ایران به آن‌ها پاسخ داد. پس از آن، گزارش مشترک فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر و جامعه‌ی دفاع از حقوق بشر در ایران را تکمیل و در ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۱ (۶ مهر ۱۳۹۰) به نشست ۱۰۳ کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل (۱۷ اکتبر - ۴ نوامبر ۲۰۱۱) در ژنو که برای رسیدگی به گزارش جمهوری اسلامی ایران و چند کشور دیگر تشکیل شد، تقدیم کردیم. درعین‌حال، گزارش مشترکی را در پایان آگوست ۲۰۱۱ (۸ شهریور ۱۳۹۰) در اختیار آقای احمد شهید، گزارشگر ویژه‌ی حقوق بشر برای ایران، قرار دادیم.

اکنون گزارش ارائه شده به کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل را مورد بازبینی کامل قرار داده و اطلاعات آن را تا پایان نوامبر ۲۰۱۱ (۹ آذر ۱۳۹۰) به‌روز کرده‌ایم. در این گزارش پژوهشی، بخش‌هایی از گزارش ادواری سوم جمهوری اسلامی ایران درباره‌ی اجرای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به کمیته‌ی حقوق بشر<sup>۱</sup>، پرسش‌های کمیته‌ی حقوق بشر از ایران<sup>۲</sup> و تعدادی از پاسخ‌های ایران به آن پرسش‌ها<sup>۳</sup> را نیز مورد بررسی قرار داده‌ایم.

جمهوری اسلامی ایران در گزارش سوم خود که ۱۸ سال پس از گزارش دوم خود ارائه کرده و نیز در پاسخ‌هایش به پرسش‌های کارشناسان کمیته‌ی حقوق بشر بدون هرگونه تردید در تمام موارد در کوشش برای نشان دادن پای‌بندی خود به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و رعایت اصول پایه‌ای آن شکست خورده است: از جمله در موارد مربوط به حق آزادی و برابری شهروندان به دور از هرگونه تبعیض، حق زندگی، آزادی اندیشه، عقیده، دین، آزادی بیان، گردهم‌آیی و تشکل، حق انتخاب و حق برخورداری از

<sup>۱</sup> گزارش ادواری سوم دولت‌های عضو: ایران؛ CCPR/C/IRN/3

<sup>۲</sup> «فهرست مسائلی که باید در رسیدگی به سومین گزارش جمهوری اسلامی ایران مطرح شود»؛ CCPR/C/IRN/Q/3

<sup>۳</sup> پاسخ‌های دولت جمهوری اسلامی ایران به فهرست مسایل؛ CCPR.C.IRN.Q.3.Add.1. هر سه سند پیش‌گفته در منبع زیر در دسترس عموم قرار دارد: <http://www.ccprcentre.org/en/home/25>

موازین قضایی و محاکمه‌ی عادلانه.

در گزارش حاضر نه تنها کوشیده‌ایم خودداری جمهوری اسلامی ایران از اجرای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را نشان دهیم، بلکه تلاش کرده‌ایم ترازنامه‌ای از بعضی جنبه‌های نقض فاحش حقوق بشر در جمهوری اسلامی به دست دهیم.<sup>۴</sup> باید تاکید کرد که با وجود کوشش‌های پیوسته سازمان‌های بااعتبار بین‌المللی حقوق بشر و تلاش‌های بی‌وقفه هزاران مدافع حقوق بشر، فعالان حقوق کارگری، سندیکایی و حقوق زنان، وکلای دادگستری، زندانیان سیاسی، فعالان سیاسی و دانش‌جویی و دیگران، گستره‌ی عظیم نقض حقوق بشر در ایران پرداختن به تمام موضوع‌ها و موارد مربوطه و حتا تمام جنبه‌های یک موضوع را در یک گزارش غیرممکن می‌سازد.

در اینجا، به جای ارائه توصیه، جمهوری اسلامی ایران را فرامی‌خوانیم که با توجه به ملاحظات کمیته‌ی حقوق بشر برای اجرای توصیه‌های آن بی‌درنگ به برنامه‌ریزی بپردازد.<sup>۵</sup>

در سال‌گشت تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و روز جهانی حقوق بشر (۱۰ دسامبر ۲۰۱۱ - ۱۹ آذر ۱۳۹۰) گزارش حاضر را به تمام کوشندگان راه حقوق بشر تقدیم می‌کنیم.

**فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر (FIDH)**

**جامعه‌ی دفاع از حقوق بشر در ایران (LDDHI)**

۱۹ آذر ۱۳۹۰ (۱۰ دسامبر ۲۰۱۱)

---

<sup>۴</sup> باید توجه داشت که در این گزارش به بحث مشروح در باره مجازات اعدام و تبعیض علیه اقلیت‌های دینی و جوامع قومی نپرداخته‌ایم، چون در باره این موضوع‌ها گزارش‌های مستقلی منتشر کرده‌ایم که در منابع زیر در دسترس قرار دارد:

[http://www.fidh.org/IMG/pdf/Death\\_Penalty\\_report-full062009.pdf](http://www.fidh.org/IMG/pdf/Death_Penalty_report-full062009.pdf);

[http://www.fidh.org/IMG/pdf/ReportIran\\_Congress\\_Farsi\\_.pdf](http://www.fidh.org/IMG/pdf/ReportIran_Congress_Farsi_.pdf);

[http://www.fidh.org/IMG/pdf/FIDH\\_LDDHI.pdf](http://www.fidh.org/IMG/pdf/FIDH_LDDHI.pdf)

<sup>۵</sup> نگاه کنید به: پیوست ۳: ملاحظات پایانی کمیته حقوق بشر

## ۱ - چارچوب قوانین اساسی و عادی ایران در سازگاری با میثاق

ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و  
پرسش ۱ کمیته‌ی حقوق بشر از جمهوری اسلامی ایران  
درباره‌ی قوانین و اصول قانون اساسی و تضاد آن‌ها با  
مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ظاهراً بسیاری از حقوق شهروندی از جمله آزادی بیان و مطبوعات، آزادی گردهم‌آیی و تشکل و حقوق زنان و غیره را به رسمیت شناخته است. اما با الزام به سازگاری این حقوق با موازین اسلام، آن‌ها را به شدت محدود و مشروط نموده است. از جمله اصول قانون اساسی که این شرط در آن‌ها تصریح شده عبارت هستند از: اصل ۴ (قوانین)، ۱۰ (خانواده)، ۱۴ (رفتار با غیرمسلمانان)، ۲۰ (برابری همه‌ی افراد ملت اعم از زن و مرد)، ۲۴ (آزادی مطبوعات و بیان)، ۲۶ (آزادی احزاب سیاسی)، ۲۷ (آزادی گردهم‌آیی و راه‌پیمایی) و ۲۸ (آزادی اشتغال). یکی از بدترین اصول قانون اساسی، اصل ۱۴ است که در آن حقوق انسانی کسانی «که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام» کنند نفی شده است.

این برخورد تبعیض‌آمیز در سراسر قانون اساسی و قوانین دیگر حاکم است. بر این اساس، نظام جمهوری اسلامی ایران یک نظام دین‌سالار تمام‌عیار استوار بر قانون الهی است. قانون الهی در این چارچوب برابر با تفسیر به شدت محدود گروه بسیار کوچکی از روحانیون پیرو شاخه‌ی اثنی‌عشری شیعه است که پیرو نظریه‌ی ولایت فقیه و ولی فقیه کنونی آیت الله خامنه‌ای هستند. بسیاری از محققان برجسته‌ی اسلامی از جمله محققان سرشناس شیعه منقد این نظریه هستند که پایه و اساس بسیاری از موارد نقض حقوق بشر در ایران به شمار می‌رود.

مذهب رسمی: قانون اساسی اسلام و «روایت اصیل» آن یعنی مذهب شیعه‌ی اثنی‌عشری را دین رسمی می‌داند. مذاهب اهل سنت هرچند درخور احترام هستند، اما این مساله تنها بر روی کاغذ باقی مانده است. قانون اساسی تنها سه اقلیت دینی دیگر را به رسمیت شناخته است: زرتشتی، کلیمی و مسیحی. جمهوری اسلامی با اشاره به «اقلیت‌های دینی رسمی» در سراسر گزارش خود و بیان این‌که افراد غیرشیعه نمی‌توانند رییس‌جمهور بشوند و غیرمسلمانان نمی‌توانند «بعضی سمت‌ها مثل قضاوت» (بند ۶۰۹ گزارش جمهوری اسلامی ایران به کمیته‌ی حقوق بشر) را به عهده بگیرند، به روشنی این تبعیض نهادینه را پذیرفته است.

به این ترتیب، جمهوری اسلامی به‌طور ضمنی پذیرفته که غیرمسلمانان در سمت‌های دیگری نیز نمی‌توانند

قرار بگیرند. در نتیجه، پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، حتا یک غیرشیعه به سمت وزیر، معاون وزیر، استاندار، سفیر یا حتا فرماندهی بالارترتبه‌ی پلیس یا ارتش منصوب نشده است.

شماری از دین‌ها و مذهب‌های دیگر، به‌ویژه آیین بهایی، شاخه‌های مختلف دراویش و حتا مکتب‌های مختلف شیعه غیررسمی به شمار می‌آیند و پیروان آن‌ها پیوسته و به‌سختی مورد آزار و تعقیب قرار دارند.

بی‌دینان و لامذهبان اساساً حق وجود ندارند. هر مسلمانی که دست از اعتقاد به اسلام بردارد مرتد<sup>۶</sup> است و ممکن است به مرگ محکوم شود. هر شخصی که دارای پدر و مادر مسلمان است خودبه‌خود مسلمان به حساب می‌آید و اگر دین دیگر یا بی‌دینی را برگزیند، مرتد خواهد بود. حاصل کار آزار و اذیت گسترده‌ی پیروان آیین بهایی، دراویش، مسیحیان (به‌ویژه کسانی که از اسلام به مسیحیت گرویده‌اند)، مسلمانان اهل سنت، گروه‌های شیعه منقد و بی‌دینان است.<sup>۷</sup>

---

<sup>۶</sup> نگاه کنید به دیگر جرایم مستوجب اعدام

<sup>۷</sup> برای گزارش مشروح در باره تبعیض علیه اقلیت‌های دینی و جوامع قومی در ایران، نگاه کنید به:

[http://www.fidh.org/IMG/pdf/FIDH\\_LDDHI.pdf](http://www.fidh.org/IMG/pdf/FIDH_LDDHI.pdf)

## ۲ - نفی حق برابری زنان

مواد ۲، ۳ و ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پرسش‌های ۲، ۳، ۴ و ۲۸ کمیته‌ی حقوق بشر از جمهوری اسلامی ایران درباره‌ی زنان، حقوق زنان و زنان زندانی است.

قوانین ایران زنان را از حقوق برابر با مردان محروم کرده‌اند. فهرست ناکاملی از مقررات تبعیض‌آمیز قانون‌های مختلف از جمله قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین به این شرح است:

- شوهر سرپرست خانواده است؛
- زنان در صورت عدم تمکین به وظایف زناشویی بدون دلایل شرعی، از حق نفقه برخوردار نیستند؛
- زنان برای درخواست طلاق از دادگاه باید شرایط مشخصی را به اثبات برسانند، اما مردان از هیچ محدودیتی برای طلاق برخوردار نیستند؛
- زنان برای سفر به خارج باید از شوهر خود اجازه بگیرند؛
- مردان می‌توانند زنان خود را از کار کردن منع کنند؛
- پدر و در غیاب او جد پدری ولی فرزندان است؛
- سهم فرزندان دختر از ارث نصف سهم پسران است؛
- سهم ارث زن از شوهر تنها یک‌هشتم از ماترک منقول و از بهای ماترک غیرمنقول شوهر است که در صورتی که شوهر فرزندی نداشته باشد به یک‌چهارم افزایش می‌یابد. باقی ماترک به خویشاوندان دور یا در نبود آن‌ها به دولت تعلق می‌گیرد. اما شوهر تمامی ماترک زن بدون فرزند یا یک‌چهارم زن دارای فرزند را به ارث می‌برد.
- زن مسلمان نمی‌تواند با مرد غیرمسلمان ازدواج کند؛ مرد مسلمان چنین محدودیتی ندارد.
- در اکثر موارد، شهادت دو زن در دادرسی برابر با شهادت یک مرد است.
- خون‌بهای زن نصف دیه‌ی مرد است.
- مردان از حق چندهمسری برخوردار هستند.

### گروه‌های زنان

مدافعان حقوق زن که برای الغا یا اصلاح این قوانین و کسب حقوق برابر فعالیت می‌کنند با آزارها و مجازات‌های جدی روبه‌رو می‌شوند. بسیاری از این زنان مورد آزار و تعقیب قرار گرفته‌اند و در بعضی موارد، اغلب به اتهام «امنیتی»



بازداشت یا از سفر به خارج منع شده‌اند.<sup>۸</sup> جمهوری اسلامی پیوسته مانع گردهم‌آیی آزاد زنان می‌شود و به‌ویژه ده‌ها عضو کمپین تغییر برای برابری (کمپین یک میلیون امضا) را که کمپینی عمومی برای الغای تبعیض جنسیتی در قوانین ایران است، به اتهام‌های واهی مثل «اقدام علیه امنیت» و «تبلیغ علیه نظام» به زندان انداخته است.

### کمپین یک میلیون امضا (کمپین تغییر برای برابری)

گروهی از زنان در مرداد ۱۳۸۵، این کمپین را برای جمع‌آوری امضا با هدف درخواست از مجلس برای تغییر و اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز جنسیتی به راه انداختند. از آن پس، فعالان کمپین با آزار دائمی و بازداشت روبه‌رو بوده و بسیاری از آن‌ها حکم‌های زندان دریافت کرده‌اند. ده‌ها تن از فعالان زن برای پرهیز از زندان ناگزیر در خارج از کشور پناه گرفته‌اند.

در اوایل آذر ۱۳۹۰، چندین عضو این کمپین در زندان بودند، از جمله: زینب بایزیدی، روناک صفازاده، عالیه اقدام‌دوست، بهاره هدایت، مریم بیدگلی، محبوبه کرمی، فرشته شیرازی.<sup>۹</sup>

### مادران عزادار

«مادران عزادار» زنانی هستند که فرزندانشان از اوایل دهه‌ی ۱۳۶۰ به بعد اعدام، کشته یا ناپدید شده‌اند. مادران عزادار پس از سرکوب خشن پسانتخاباتی در خرداد ۱۳۸۸ فعالیت خود را با گردهم‌آیی سکوت در روزهای شنبه در پارک لاله شروع کردند. این مادران و حامیان آن‌ها که از جمهوری اسلامی خواهان تأیید اعدام‌های گسترده‌ی پنهانی در زندان‌ها،<sup>۱۰</sup> حق اطلاع از محل دفن عزیزان خود، الغای مجازات اعدام و آزادی تمامی زندانیان سیاسی هستند، به‌صورت فزاینده‌ی با آزار، بازداشت و دستگیری خودسرانه روبه‌رو بوده‌اند.

ام‌البین ابراهیمی، الهام احسنی و نادر حسنی، ژیلا کرمزاده مکوندی و لیلا سیفالله‌ی و فاطمه رستگارنسب در تاریخ ۱۷ و ۱۹ بهمن ۱۳۸۸، خانه‌هایشان دستگیر شدند. فرزانه زینالی روز ۱۹ دی ۱۳۸۸ در پارک لاله دستگیر شد و همه‌ی آن‌ها به زندان اوین منتقل شدند. ژیلا کرمزاده مکوندی و لیلا سیفالله‌ی ۳۵ روز در بازداشت ماندند و با وثیقه آزاد شدند. ام‌البین ابراهیمی و الهام احسنی در حدود ۴۰ روز در بازداشت بودند.



لیلا سیفالله‌ی و ژیلا کرمزاده مکوندی در ۲۰ فروردین ۱۳۹۰ به چهار سال زندان محکوم شدند. در اواسط آبان ۱۳۹۰ آنها اطلاع پیدا کردند که حکم محکومیتشان به ۲ سال زندان تعزیری و ۲ سال تعلیقی کاهش یافته و برای گذراندن حکم به زندان اوین احضار شدند. پیش از این احضار، نتیجه درخواست تجدید نظر به وکلای آن‌ها ابلاغ نشده بود. نادر احسنی نیز اطلاع یافت که حکم ۲ سال زندان او تأیید شده و برای گذراندن آن به زندان اوین احضار شد. این سه نفر ۲۰ روز برای مراجعه به زندان مهلت داشتند و در صورت عدم مراجعه وثیقه‌شان ضبط می‌شود.

<sup>۸</sup> نیز نگاه کنید به گزارش دبیر کل سازمان ملل، وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، سند A/63/370 سازمان ملل، ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۰  
<sup>۹</sup> برای جزئیات بیشتر مربوط به پرسش ۲۸، نگاه کنید به: پیوست ۱: فهرست ناکاملی از زندانیان عقیدتی زن؛ نیز نگاه کنید به شیوا نظرآهاری در

مدافعان حقوق بشر

<sup>۱۰</sup> نگاه کنید به: [http://www.fidh.org/IMG/pdf/Death\\_Penalty\\_report-full062009.pdf](http://www.fidh.org/IMG/pdf/Death_Penalty_report-full062009.pdf)

منصوره بهکیش در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۹۰ در خیابان بازداشت و در ۱۸ تیر ۱۳۹۰ با وثیقه آزاد شد. او که شش عضو خانواده‌اش را در اعدام‌های زندانیان سیاسی در دهه‌ی ۱۳۶۰ از دست داده، چندین بار در سال‌های اخیر بازداشت شده است. او در تاریخ ۱۴ آبان مطلع شد که در ۴ دی ۱۳۹۰ در شعبه‌ی ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی محاکمه خواهد شد.

بعضی دیگر از حامیان این مادران نیز مورد آزار قرار گرفته‌اند. اکرم نقابی و ژیلا مهدویان در تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۸۹ بازداشت و پیش از محاکمه در ۸ آذر ۱۳۸۹، ۲/۵ ماه در سلول انفرادی ماندند. هر دو نفر در انتظار صدور حکم هستند که در ۹ آذر ۱۳۹۰ هنوز صادر نشده است.

### دیگر فعالان زن

شادی صدر و محبوبه عباسقلی‌زاده – دو تن از مؤسسان «کمپین قانون بدون سنگسار» – در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۹ غیابی به زندان و شلاق محکوم شدند: شادی صدر به شش سال و ۷۴ ضربه شلاق و محبوبه عباسقلی‌زاده به دو سال و نیم زندان و ۳۰ ضربه شلاق. این دو نفر برای پرهیز از زندان ایران را ترک کرده‌اند.

مریم ضیا – فعال حقوق کودک – در ۱۰ دی ۱۳۸۸ دستگیر شد و در پی اعتصاب غذا و انتقال به بیمارستان آزاد شد. او در ۱۸ شهریور ۱۳۸۹ به اتهام «تبلیغ علیه نظام» در شعبه‌ی ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی به یک سال زندان محکوم شد، اما در اوایل آذر ۱۳۹۰ هنوز آزاد بود.

هاله سحابی – عضو مادران صلح – در خرداد ۱۳۹۰ زمانی که برای شرکت در تشییع جنازه‌ی پدرش از زندان به مرخصی رفته بود، در اثر حمله‌ی ماموران امنیتی به مراسم درگذشت.

حداقل دو زندانی سیاسی زن در سال ۱۳۸۹ اعدام شدند.

- شیرین علم‌هولی، فعال سیاسی کُرد، به همراه چهار زندانی سیاسی دیگر، در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۹ اعدام شد. او در خرداد ۱۳۸۷ دستگیر و سپس به مرگ محکوم شده بود. او برای اعتراف تلویزیونی – که روش مرسوم رژیم ایران است – به ارتباط با گروه مخالف کُرد به نام پژاک زیر فشار و شکنجه قرار گرفته بود.

- زهرا بهرامی، یک زن ایرانی – هلندی، که در تظاهرات ضددولتی ۶ دی ۱۳۸۸ در تهران دستگیر شده بود، در ۹ بهمن ۱۳۸۹ به اتهام دراختیارداشتن ۵۰۰ گرم کوکائین اعدام شد. او در دادگاه این اتهام را رد کرد و گفت زیر «شکنجه‌ی جسمانی و روانی» در بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات در زندان اوین وادار به اقرار شده است. او از حق فرجام‌خواهی از حکم اعدام برخوردار نبود.<sup>۱۱</sup>

<sup>۱۱</sup> نگاه کنید به نفی حق فرجام‌خواهی از حکم اعدام

## حقوق زنان در کسب مقام‌های دولتی و خانواده

پرسش‌های ۲ و ۳ کمیته‌ی حقوق بشر از جمهوری اسلامی ایران درباره‌ی حقوق زنان برای نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری، داشتن پست‌های دولتی و در خانواده است.

مسائل متعددی در پاسخ‌های جمهوری اسلامی ایران به پرسش‌های ۲ و ۳ وجود دارد که باید مورد بررسی قرار داد.<sup>۱۲</sup>

یک - درباره‌ی امکان نامزدی زنان در انتخابات ریاست‌جمهوری، جمهوری اسلامی ایران در بند ۷ پاسخ‌ها مدعی شده است:

شورای نگهبان هیچ تفسیری از اصل ۱۱۵ قانون اساسی ارائه نکرده است.

اما سخنگوی شورای نگهبان در پاسخ به پرسشی درباره‌ی تفسیر واژه «رجال» در اصل ۱۱۵ قانون اساسی جواب کاملاً متفاوتی داده است:

تاکنون شورای نگهبان واژه‌ی مذکور را به عنوان مرد شناخته است و من هم در مذاکرات خود با اعضای مجلس خبرگان اول رهبری برداشت کردم که نظر مجلس خبرگان هم درباره‌ی این واژه توجه به جنس است تا مفهوم مجازی آن.<sup>۱۳</sup>

بر این اساس، زنان در عمل همواره از نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری محروم شده‌اند.

• اعظم طالقانی، فعال شناخته‌شده‌ی زن و نماینده‌ی پیشین مجلس، در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۸ برای شرکت در انتخابات ثبت نام کرد ولی شورای نگهبان هر دو بار صلاحیت او را رد کرد.

دو - جمهوری اسلامی ایران در بند ۸ پاسخ‌های خود به کمیته‌ی حقوق بشر می‌گوید:

طبق اصول ۹۰ و ۱۱۲ قانون اساسی برای عضویت در شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت، هیچ محدودیت جنسی وجود ندارد.<sup>۱۴</sup>

این اظهار درست است. با وجود این، جمهوری اسلامی ایران در بند ۱۲ پاسخ‌های خود آشکار کرده که زنان هرگز به عنوان فقیه یا حقوقدان به عضویت شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت منصوب نشده‌اند. زنان

<sup>۱۲</sup> CCPR.C.IRN.Q.3.Add.1

<sup>۱۳</sup> دکتر غلام‌حسین الهام، خبرگزاری فارس، ۲ آبان ۱۳۸۳ در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8308020109>. تمام

پیوندهای اینترنتی در تاریخ ۸ آذر ۱۳۹۰ مورد مراجعه قرار گرفته است.

<sup>۱۴</sup> این ارجاع جمهوری اسلامی ایران اشتباه است. اصل مورد نظر اصل ۹۱ است

هم‌چنین نمی‌توانند عضو مجلس خبرگان باشند.

سه - درباره‌ی الزام اجازه‌ی پدر برای ازدواج دختر، جمهوری اسلامی ایران در بند ۱۷ پاسخ‌ها به کمیته‌ی حقوق بشر اظهار می‌دارد:

*اولاً، اجازه‌ی پدر فقط برای دختر باکره شرط است. ثانیاً، این شرط فقط برای حفظ منافع آن دختر مقرر شده است.*

اما توضیح نمی‌دهد که چرا یک وضعیت جسمانی - یعنی بکارت - باید دختر را ناگزیر از دریافت اجازه‌ی پدر کند و در این صورت چرا «منافع آن دختر حفظ» می‌شود.

چهار - درباره‌ی ولایت فرزندان، جمهوری اسلامی ایران در بند ۲۰ پاسخ‌ها به کمیته‌ی حقوق بشر مدعی است:

*در صورت فوت پدر و نیاز به انتصاب ولی، نه تنها مانعی برای ولایت مادر نیست، بلکه مادر از اولویت برخوردار است.*

این ادعا در تناقض آشکار با قانون مدنی (مواد ۱۱۹۴ - ۱۱۸۰) درباره‌ی «ولایت قهری پدر و جد پدری» قرار دارد.

پنج - درباره‌ی اجازه‌ی سفر زن به خارج از کشور، جمهوری اسلامی ایران در بند ۲۳ پاسخ‌ها به کمیته‌ی حقوق بشر مدعی است:

*قانون صدور گذرنامه که اجازه‌ی شوهر برای مسافرت زن به خارج را الزامی کرده در مجلس شورای اسلامی تحت بررسی است.*

از بررسی چنین لایحه‌یی در مجلس اطلاعی در دست نیست و در بایگانی اینترنتی مجلس هیچ نشانه‌یی در تأیید این ادعا یافت نشد.

شش - جمهوری اسلامی ایران در بند ۲۴ پاسخ‌هایش به کمیته‌ی حقوق بشر به تحریف مقررات قانونی پرداخته که چندهمسری را مجاز می‌سازند:

*بر اساس ماده‌ی ۱۶ قانون حمایت از خانواده و ماده‌ی ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی، چند همسری در جمهوری اسلامی ایران منع شده است، اما امکان آن در شرایط ویژه‌یی از جمله جنون زن، محکومیت به حبس، ناباروری وجود دارد.*

درحقیقت قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳ چندهمسری را منع نکرده، بلکه اجازه‌ی دادگاه را برای این کار شرط نموده است و این اجازه در شرایط معینی صادر می‌شود. یکی از این شرطها عدم تمکین زن در برابر شوهر است. لایحه‌یی که درحال حاضر در کمیسیون‌های مجلس تحت رسیدگی است دارای مقررات مشابهی است. اما این لایحه دارای مقررات دیگری است که ازدواج موقت را بدون ثبت آن به شدت آسان

می‌کند.

هفت - دربند ۲۵ پاسخ‌ها به کمیته‌ی حقوق بشر درباره‌ی اختیار شوهر برای منع زن از اشتغال، جمهوری اسلامی ایران مدعی است که بر اساس ماده‌ی ۱۸ قانون حمایت خانواده، نه تنها شوهر می‌تواند زن را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند، بلکه زن نیز از حق برابر برای منع شوهر از اشتغال در این گونه مشاغل برخوردار است.

این ادعا نادرست است. بر پایه‌ی ماده‌ی ۱۱۱۷ قانون مدنی، حق شوهر برای منع زن از اشتغال بی‌قید و شرط است. در قانون حمایت خانواده نیز حقوق شوهر بیش از حقوق زن است.

هشت - درباره‌ی اختیار قانونی شوهر برای کشتن همسرش، جمهوری اسلامی ایران در بند ۴۰ پاسخ‌هایش به کمیته‌ی حقوق بشر ادعا می‌کند:

درباره‌ی سازگاری ماده‌ی ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی با مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، «وجود سوءظن» شرط تحقق نیست... تحقق شرایط آن بسیار سخت است. برای مثال، وقوع زنا باید بر اساس علم باشد و صرفاً سوءظن کافی نیست.

بر خلاف ادعای جمهوری اسلامی ایران، ماده‌ی ۶۳۰ دست شوهر را در قتل همسرش باز گذاشته است:

هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند.<sup>۱۵</sup>

---

<sup>۱۵</sup> نیز نگاه کنید به قتل با معافیت از مجازات

## ۳ - نفی حق زندگی

ماده‌ی ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پرسش‌های ۶، ۹، ۲۳ و ۲۵ کمیته‌ی حقوق بشر از جمهوری اسلامی ایران به حق زندگی می‌پردازند.

### استفاده از مجازات اعدام

برخلاف تصریح میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر محدودیت اجرای مجازات اعدام در کشورهای عضو به «مهم‌ترین جرایم» عمدی با پی‌آمدهای کشنده یا به‌شدت وخیم، جمهوری اسلامی این مجازات را در مورد جرایم متعددی به کار می‌گیرد که در ردیف «مهم‌ترین جرایم» قرار نمی‌گیرند.<sup>۱۶</sup> به علاوه، نکات ۵ - ۴ در بند ۲۷۳ گزارش ادواری سوم جمهوری اسلامی ایران به کمیته‌ی حقوق بشر به روابط جنسی ظاهراً رضایتی بین بزرگسالان می‌پردازند که در اسلام ممنوع است. جمهوری اسلامی ایران هرگز توضیح نداده است چرا این روابط در ردیف «مهم‌ترین جرایم» قرار می‌گیرند که باید با اعدام مجازات کرد.

به علاوه، همان بند از گزارش جمهوری اسلامی دیگر «جرایم» مستوجب اعدام را به‌عمد حذف کرده است. در نتیجه، جمهوری اسلامی در گزارش خود و نیز در پاسخ‌هایش به پرسش ۶ (بند ۴۳ به بعد) کمیته‌ی حقوق بشر توضیح نداده چرا این جرایم را از جمله «مهم‌ترین جرایم» می‌داند. نگاهی به دیگر جرایمی که در ایران مستوجب مجازات اعدام هستند در زیر نشان می‌دهد که آن‌ها اغلب در ردیف جرایم عمدی با پی‌آمدهای کشنده یا بسیار وخیم قرار ندارند.<sup>۱۷</sup>

### دیگر جرایم مستوجب مجازات اعدام

فهرست کوتاهی از این جرایم از این قرار است:

- محاربه<sup>۱۸</sup> و «افساد فی الارض» که جمهوری اسلامی در بند ۳۹ گزارش ادواری سوم خود بدون بیان مجازات مربوطه ذکر کرده، اما در بند ۲۷۳ آن‌ها را کاملاً حذف کرده است؛
- زنا و رابطه‌ی جنسی هم‌جنسان؛

<sup>۱۶</sup> بند ۲۷۳، نکات ۳ - ۱ و ۶ از گزارش جمهوری اسلامی ایران به کمیته حقوق بشر (CCPR/C/IRN/3)

<sup>۱۷</sup> برای اطلاعات مشروح در باره قوانین مربوطه و برخی موارد مشخص نگاه کنید به منابع زیر:

<http://www.fidh.org/spip.php?action=telecharger&arg=3513>

<http://www.fidh.org/spip.php?action=telecharger&arg=4134>

<sup>۱۸</sup> این اتهام، به رغم مفهوم آن، در اکثریت قریب به اتفاق موارد علیه زندانیان عقیدتی مطرح می‌شود که هیچ ارتباطی با اسلحه یا تروریسم ندارند. برای مثال در باره این گونه متهمان، نگاه کنید به متهمان محکوم به اعدام یا اعدام شده به اتهام محاربه؛ دانشجویان و پیوست ۱: فهرست ناکاملی از زندانیان عقیدتی زن

- تولید آثار مستهجن سمعی و بصری؛<sup>۱۹</sup>
- برخی موارد سرقت؛
- برخی موارد صرف مشروب الکلی؛
- ارتداد؛<sup>۲۰</sup>
- سب پیامبر؛
- اخلال در نظام پولی و ارزی.

تمام این «جرایم» یا به روابط جنسی، امور اقتصادی یا دینی مثل ارتداد و سب پیامبر مربوط هستند. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، ارتداد اتهامی است که معمولاً علیه افراد برگشته از اسلام مطرح می‌شود. نه ارتداد پی‌آمد کشنده یا به‌شدت وخیم دارد و نه سب پیامبر.

## قتل با معافیت از مجازات

پرسش ۸ کمیته‌ی حقوق بشر از جمهوری اسلامی درباره‌ی موضوع «مهدورالدم» یا قتل با معافیت از مجازات است.

جمهوری اسلامی ایران در بند ۶۰ پاسخ‌ها به کمیته‌ی حقوق بشر مدعی شده است:

در لایحه‌ی قانون مجازات اسلامی، واژه‌ی «مهدورالدم» حذف شده و هیچ‌کس مستحق مرگ نیست. برای تمام قتل‌ها مجازات‌هایی تعیین شده است. از سال ۲۰۰۸ به بعد هیچ موردی از این نوع وجود نداشته است.

حذف واژه «مهدورالدم» از لایحه‌ی قانون مجازات اسلامی واقعیت دارد، اما موضوع آن به‌قوت خود باقی است. ماده‌ی ۳۰۳ لایحه‌ی مذکور قتل بدون حکم قاضی را در مواردی مجاز دانسته است، از جمله «در صورتی که مقتولان (زانی و زانیه) در حال زنا باشند، «شوهر زانیه» مشمول مجازات قصاص نمی‌شود.<sup>۲۱</sup> علاوه بر این، شورای نگهبان در یکی از ایرادهایی که به این لایحه وارد ساخته، نوشته است:

... در این ماده [۳۰۳] حصر مهدورالدم به موارد مذکور در این ماده خلاف موازین شرع شناخته شد.<sup>۲۲</sup>

<sup>۱۹</sup> نگاه کنید به محکومیتِ طراحان و بگانه به اعدام

<sup>۲۰</sup> شگفت این که ارتداد در قانون مجازات اسلامی ذکر نشده، بلکه در قانون مطبوعات آمده است. گزارش جمهوری اسلامی ایران به کمیته حقوق بشر تایید می‌کند که قاضیان می‌توانند بر اساس «منابع معتبر فقهی» (بند ۵۲۶) حکم صادر کنند. این منابع فقهی مجازات مرتد را اعدام تعیین کرده‌اند.

<sup>۲۱</sup> نگاه کنید به بند ۴۰ پاسخ‌های جمهوری اسلامی و بحث مربوط به ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی در بالا

<sup>۲۲</sup> نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۷۰۲۳، ۱۹ دی ۱۳۸۸ در [http://rc.mailis.ir/fa/legal\\_draft/state/738534?fk\\_legal\\_draft\\_oid=720530](http://rc.mailis.ir/fa/legal_draft/state/738534?fk_legal_draft_oid=720530)

منظور شورای نگهبان این است که قتل در موارد دیگری هم مشمول عنوان مه‌دورالدم و از مجازات معاف خواهد بود.

## متهمان محکوم به اعدام یا اعدام‌شده به اتهام محاربه

جمهوری اسلامی از پاسخ مشخص به پرسش ۲۳ درباره‌ی متهمان به جرم‌های مبهم مثل محاربه طفره رفته و مدعی شده که اتهام محاربه علیه «تروریست‌ها» به کار می‌رود (بند ۹۳ پاسخ‌ها)

### محکومیتِ طراحان و بگاه به اعدام

بر پایه‌ی ماده‌ی ۳ «قانون نحوه‌ی مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند» در مورد مجرمانی که مفسد فی‌الارض تلقی می‌گردند، سعید ملک پور و وحید اصغری در بهمن ۱۳۸۹ گویا به اتهام طراحی و بگاه‌های هرزه‌نگار و ضداسلامی، به مجازات مرگ محکوم شدند. دیوان عالی کشور در خرداد ۱۳۹۰ حکم سعید ملک پور را نقض کرده و به شعبه‌ی دادگاه صادرکننده‌ی حکم بازگردانده است. اما دادگاه مذکور دوباره حکم اعدام را تأیید و در اوایل آبان ۱۳۹۰ به او ابلاغ کرده است. او پس از بازگشت از کانادا در سال ۱۳۸۷ در بازداشت بوده است. اصغری در نامه‌یی به تاریخ فروردین ۱۳۸۹ به مسئولان قضایی که مورد تأیید ملک‌پور و متهم دیگری به نام شهروز وزیری قرار گرفت شکنجه‌هایی را برشمرده که آن‌ها را وادار به اقرار به جرایم ناکرده نموده است.

### اعدام متهمان به اتهام محاربه

محاربه و افساد فی‌الارض اتهام‌های مبهمی هستند که به دل‌خواه علیه سارقان مسلح و گروه‌های سیاسی مسلح و نیز تمام مخالفان سیاسی به کار گرفته می‌شود حتا اگر اسلحه در اختیار نداشته باشند یا از آن استفاده نکرده باشند. چند تن از قربانیانی که در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ اعدام شدند به محاربه متهم شده بودند.

- در فروردین ۱۳۸۹، دادگاه تجدید نظر مجازات اعدام محمد امین ولیان، دانش‌جوی ۲۰ ساله، را به اتهام محاربه گویا به خاطر پرتاب سنگ در تظاهرات تأیید کرد، ولی این مجازات بعداً به زندان تبدیل شد.
- در اردیبهشت ۱۳۸۹، حداقل دو مرد جوان (برادران فتحی) به اتهام محاربه در اصفهان اعدام شدند.
- علی‌اکبر سیادت و علی صارمی<sup>۲۳</sup> در آذر ۱۳۸۹ و جعفر کاظمی و محمدعلی حاج‌آقایی در دی ۱۳۸۹ نیز به همین اتهام اعدام شدند. سیادت به جاسوسی برای اسرائیل و سه نفر دیگر به حمایت از

<sup>۲۳</sup> دادستان تهران در دی ۱۳۸۸ اعلام کرده بود که علی صارمی در ناآرامی‌های پس از انتخابات دستگیر شده است. صارمی که در حدود ۲۰ سال پیش و پس از انقلاب ۱۳۵۷ را در زندان سپری کرده بود در شهریور ۱۳۸۶ پس از سخنرانی در جمع خانواده‌های قربانیان کشتار سال ۱۳۶۷ زندانیان سیاسی بر سر مزار آن‌ها دستگیر شد.



گروه‌های مخالف در خارج متهم شده بودند. مقامات جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه مدرکی حاکی از شرکت این اشخاص در فعالیت‌های مسلحانه یا «اقدامات تروریستی» — که در پاسخ جمهوری اسلامی ایران به پرسش ۱۲ (بند ۶۵) ادعا شده — ارائه نکرد.

## نفی حق فرجام‌خواهی از حکم اعدام

به ادعای جمهوری اسلامی در بند ۲۷۷ گزارش ادواری سوم و بند ۴۶ پاسخ‌ها به کمیته‌ی حقوق بشر، محکومان به اعدام می‌توانند در دیوان عالی کشور فرجام بخواهند.

صرف‌نظر از تشریفاتی‌بودن این فرجام‌خواهی در بسیاری از موارد، مساله بسیار مهم این است که قانون مبارزه با قاچاق مواد مخدر محکومان به اعدام را از این حق به‌طور کامل محروم کرده است. حکم‌های اعدام بر اساس این قانون پس از تأیید رییس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور قطعی می‌گردد و تنها این دو مقام حق اعتراض به حکم اعدام را دارند<sup>۲۴</sup> یعنی همان مقامی که خواهان حکم اعدام می‌شود، می‌تواند به آن اعتراض کند! در عمل، تأیید اجرای این حکم‌ها به دادستان کل محول می‌گردد. این محرومیت از فرجام‌خواهی نقض فاحش مقررات ماده ۵ - ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و «اصول تضمین حمایت از حقوق افراد محکوم به اعدام» (قطع‌نامه‌ی ۱۹۸۴/۵۰ شورای اقتصادی و اجتماعی مصوب ۲۵ مه ۱۹۸۴) به شمار می‌رود.

اکثر حکم‌های اعدام برای قاچاقچیان مواد مخدر صادر می‌شود و تعداد این اعدام‌ها در چند سال گذشته رو به رشد بوده است. گزارش‌های معتبری به‌ویژه درباره‌ی اعدام ده‌ها نفر در زندان وکیل‌آباد مشهد در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ (۱۳۸۹ و ۱۳۹۰) منتشر شده است. پس از یک سال سکوت، دادستان مشهد سرانجام در ۱ تیر ۱۳۹۰ فاش کرد که «در سال جاری طی ۵ مرحله اجرای حکم اعدام داشته‌ایم»<sup>۲۵</sup> او تعداد این اعدام‌ها و اعدام‌های مخفی در سال پیش (۱۳۸۹) را اعلام نکرد.

دادستان تهران<sup>۲۶</sup> در تاریخ ۸ خرداد ۱۳۹۰ خبر داد که ۳۰۰ حکم اعدام برای متهمین مواد مخدر صادر شده که به‌زودی اجرا می‌شود.

بسیاری از حکم‌های اعدام در مناطق محل زندگی جوامع قومی اجرا شده است. برای مثال، در ماه اردیبهشت ۱۳۹۰، مقامات دولتی ۱۴ نفر را در استان‌های غربی — محل سکونت اقلیت‌های گُرد و آذری — و تعدادی از جمله چندین نفر از اقلیت عرب زبان را در استان جنوبی خوزستان اعدام کردند.

ایران پس از چین در رتبه‌ی دوم تعداد کل اعدام‌ها در جهان و در رتبه‌ی اول تعداد اعدام به نسبت جمعیت قرار دارد. تعداد اعدام‌ها پیوسته رو به رشد است. آمار رسمی نشان از ۳۱۷ مورد اعدام در ۲۰۰۷، ۳۴۶ مورد

<sup>۲۴</sup> قانون مبارزه با مواد مخدر، ماده ۳۲. برای مثال، نگاه کنید به مورد زهرا بهرامی در فعالان دیگر زن

<sup>۲۵</sup> یعنی در ظرف ۳ ماه اول سال از فروردین تا پایان خرداد ۱۳۹۰

<sup>۲۶</sup> عباس جعفری دولت‌آبادی در فهرست ناقضان حقوق بشر اتحادیه اروپا و امریکا قرار دارد.

در ۲۰۰۸، ۳۸۸ مورد در ۲۰۰۹ دارد. در سال ۲۰۱۰، با افزایش پنهان‌کاری در مورد اعدام‌ها، آمارهای رسمی حاکی از حداقل ۲۵۲ مورد اعدام و تعداد اعدام‌های اعلام نشده بیش از ۳۰۰ مورد بود.<sup>۲۷</sup> در سال ۲۰۱۱ تا اواخر سپتامبر (۶ مهر ۱۳۹۰) ۴۰۰ مورد اعدام اجرا شده بود که ۳۰ مورد آن‌ها در انظار عمومی بوده است.<sup>۲۸</sup> از آن پس، اجرای حکم اعدام شامل اعدام‌های دسته‌جمعی در شهرهای مختلف ادامه داشته است و این روند مداوم به احتمال خیلی زیاد تعداد اعدام‌ها را در سال ۲۰۱۱ به بیش از ۶۰۰ مورد افزایش خواهد داد. به این ترتیب سال ۲۰۱۱ در ظرف دو دهه‌ی گذشته، از سال ۱۹۹۱ به بعد، از این نگاه بدترین سال محسوب خواهد شد.<sup>۲۹</sup>

به اظهار تمام سازمان‌های معتبر حقوق بشری، آمار واقعی اعدام‌ها بیش‌تر از تعداد اعلام‌شده است. تاریخ و در غالب موارد اجرای اعدام از خانواده و وکیل زندانی و عموم مردم پنهان نگه داشته می‌شود.

## قتل‌های پس از انتخابات

پرسش ۹ کمیته‌ی حقوق بشر از جمهوری اسلامی ایران درباره‌ی «قتل‌ها، شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر در زمان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و پس از آن» بود.

جمهوری اسلامی ایران در پاسخ تنها یک اظهار نظر کلی کرده و از پاسخ صریح کاملاً طفره رفته است (بند ۶۱ پاسخ‌ها). بنابراین، توضیح در این زمینه ضروری است.

کمیته‌یی که دو تن از نامزدهای ریاست جمهوری، آقایان موسوی و کروبی، تشکیل داده بودند، در شهریور ۱۳۸۸ از کشته‌شدن ۷۲ نفر به دست ماموران امنیتی خبر داد.<sup>۳۰</sup> رسانه‌ها و منابع دولتی ارقام متفاوتی ارائه کرده‌اند. سردار جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران، در مرداد ۱۳۸۸ گفت ۲۹ نفر کشته شده‌اند که ۲۰ نفر از آن‌ها طرفدار دولت بوده‌اند.<sup>۳۱</sup> سردار سعید قاسمی، یکی از فرماندهان سپاه پاسداران، گفت تعداد کشته‌شدگان بیش از ۳۰ نفر بوده است.<sup>۳۲</sup> احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور، در مصاحبه‌ی مطبوعاتی خود در نیویورک به تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۹۰ گفت:

<sup>۲۷</sup> گزارش‌های سالانه عفو بین‌الملل

<sup>۲۸</sup> <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/iran-executes-teenager-accused-killing-%E2%80%99s-strongest-man%E2%80%9D-2011-09-21>

<sup>۲۹</sup> مجموع اعدام‌ها در سال ۱۹۹۱، ۷۷۵ مورد بود. نگاه کنید به:

[http://www.fidh.org/IMG/pdf/Death\\_Penalty\\_report-full062009.pdf](http://www.fidh.org/IMG/pdf/Death_Penalty_report-full062009.pdf)

<sup>۳۰</sup> نگاه کنید به فهرست در: [http://www.radiofarda.com/content/F8\\_LIST\\_KILLED\\_PEOPLE\\_NOROUZ/1814729.html](http://www.radiofarda.com/content/F8_LIST_KILLED_PEOPLE_NOROUZ/1814729.html)

<sup>۳۱</sup> [http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2009/08/090829\\_bd\\_jafari\\_guardes.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2009/08/090829_bd_jafari_guardes.shtml)

<sup>۳۲</sup> <http://www.youtube.com/watch?v=WnyelFTnRe8>

در مجموع ۳۳ نفر جان باختند. بیش از دوسوم کشته‌شدگان از نیروهای امنیتی و عابران بی‌گناه بودند. کم‌تر از یک‌سوم کسانی بودند که با نیروهای امنیتی و پلیس درگیر شده بودند.<sup>۳۳</sup>

به نظر می‌رسد ارقام اخیر بر اساس نام‌هایی باشد که یک وبگاه طرفدار جمهوری اسلامی منتشر کرده است.<sup>۳۴</sup> جمهوری اسلامی ایران از ارائه‌ی نام و مشخصات قربانیان یا تحقیق درباره‌ی قاتلان و اجرای عدالت درباره‌ی آن‌ها طفره رفته است و آن‌ها از مجازات معاف مانده‌اند.

خانم مسیح علی‌نژاد که روزنامه‌نگاری جست‌وجوگر و معتبر است، این موضوع را به‌دقت مورد پیگیری قرار داده و با خانواده‌های بسیاری از قربانیان پس از انتخابات مصاحبه کرده است. او در نامه‌ی سرگشاده‌یی به آقای احمد شهید، گزارشگر ویژه‌ی حقوق بشر برای ایران، در ۲۰ مرداد ۱۳۹۰ نوشت: تعداد کشته‌شدگان پس از شهریور ۱۳۸۸ به بیش از ۱۰۰ نفر افزایش یافته است. او نام ۴۷ تن<sup>۳۵</sup> از قربانیان را منتشر کرد و سپس در گزارش دیگری گفت خانواده‌ی ۵۳ تن از قربانیان تاکنون ترسشان را کنار گذاشته و با رسانه‌ها مصاحبه کرده‌اند.<sup>۳۶</sup> تنها دو خانواده گفته‌اند که فرزندانشان عضو بسیج و طرفدار دولت بوده‌اند.<sup>۳۷</sup>

## اعدام کودکان و نوجوانان

ماده‌ی (۵) ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بخش اول  
پرسش ۷ کمیته‌ی حقوق بشر از جمهوری اسلامی ایران درباره‌ی  
قوانین مربوط به اعدام نوجوانان در این باره است.

جمهوری اسلامی ایران در بند ۲۹۷ گزارش ادواری سوم خود پس از اشاره به تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۴۹ از قانون مجازات اسلامی درباره‌ی بلوغ شرعی اظهار کرده است:

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱/۹/۲۵ از تمام کودکان و نوجوانان  
زیر ۱۸ سال حمایت می‌کند. بر اساس عمل‌کرد حاکم بر دادگاه‌های اطفال در  
سال‌های اخیر، اشخاص زیر ۱۸ سال به اعدام محکوم نمی‌شوند.

و سپس در بند ۵۴ پاسخ‌ها به پرسش‌های کمیته‌ی حقوق بشر می‌گوید:

<sup>33</sup> [http://articles.cnn.com/2011-09-22/world/un.ahmadinejad\\_1\\_iranian-state-run-news-agency-iranian-prison-hijack/3?s=PM:WORLD](http://articles.cnn.com/2011-09-22/world/un.ahmadinejad_1_iranian-state-run-news-agency-iranian-prison-hijack/3?s=PM:WORLD)

<sup>34</sup> <http://shohadaye88.wordpress.com/2010/06/12/%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D9%85%DB%8C-33%DA%A9%D8%B4%D8%AA%D9%87-%D8%AD%D9%88%D8%A7%D8%AF%D8%AB-%D8%A7%D8%AE%DB%8C%D8%B1-%D8%AF%D8%B1%D8%B3%D8%A7%DB%8C%D8%AA-%D9%BE%D8%B1%DA%86%D9%85/>

<sup>35</sup> <http://www.rahesabz.net/story/41043/>

<sup>36</sup> <http://www.rahesabz.net/story/44375/>

بر اساس ماده‌ی ۸۷ لایحه‌ی قانون مجازات اسلامی، دادگاه درباره‌ی کودکان ۹ تا ۱۵ سال شمسی که مرتکب جرایم تعزیری می‌شوند بنا به مورد تصمیم خواهد گرفت.

اما ماده‌ی ۱۴۶ لایحه‌ی مذکور مقررات قانون مدنی (ماده‌ی ۱۲۱۰ - تبصره ۱) را درباره‌ی سن بلوغ پسران و دختران - ۱۵ سال و ۹ سال قمری - را تکرار می‌کند، یعنی بر اساس سال شمسی، پسران با ۱۴/۵ سال سن و دختران با ۸/۷ سال از مسئولیت کیفری برخوردار هستند و ممکن است حتی به مرگ محکوم شوند. به علاوه در «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» که گزارش جمهوری اسلامی به آن استناد کرده هیچ اشاره‌ی به مصونیت یا معافیت کودکان از مجازات اعدام نشده است.

برخلاف ادعای جمهوری اسلامی ایران در گزارش خود، «عملکرد حاکم بر دادگاه‌های اطفال در سال‌های اخیر» دوگانه بوده است. این دادگاه‌ها یا نوجوانان مجرم زیر ۱۸ سال را به اعدام محکوم کرده و حکم را سریع اجرا کرده‌اند؛ یا پس از محکومیت به اعدام آن‌ها را تا سن ۱۸ سالگی در زندان نگه داشته و سپس اعدام کرده‌اند.

دو نوجوان در فروردین ۱۳۹۰ در بندرعباس و یک نوجوان نیز گویا در اردیبهشت ۱۳۹۰ در خوزستان اعدام شدند. در ۳۰ شهریور ۱۳۹۰ نوجوان ۱۷ ساله‌ی به نام علی‌رضا ملاسلطانی به اتهام قتل مردی در حین نزاع در انتظار عمومی در کرج اعدام شد. او در دادگاه گفت از خودش دفاع کرده است. او که در ۲۵ تیر دستگیر شده بود، در ۲۹ مرداد به مرگ محکوم شد و دیوان عالی کشور در ۲۰ شهریور آن را تأیید کرد و اعدام در ۳۰ شهریور اجرا شد، یعنی در ظرف مدت کمی بیش از دو ماه.

بخش دوم پرسش ۷ کمیته‌ی حقوق بشر از جمهوری اسلامی ایران  
درباره‌ی تعداد متهمان نوجوان محکوم به اعدام است.

جمهوری اسلامی ایران در بند ۵۹ پاسخ‌هایش مدعی شده است:

بر اساس آمار موجود، در فروردین ۱۳۹۰، شش مجرم در انتظار اجرای حکم اعدام و ۱۳ نفر محکوم به قصاص بودند.

حال آن‌که گزارش‌ها و پژوهش‌های معتبر نشان می‌دهند که در حال حاضر بیش از ۱۴۰ نوجوان به اتهام جرایمی که در سن کم‌تر از ۱۸ سالگی مرتکب شده‌اند در انتظار اجرای حکم اعدام به سر می‌برند.<sup>۲۸</sup>

<sup>۲۸</sup> برای اطلاعات مشروح در باره موارد مشخص، نگاه کنید به:

<http://www.fidh.org/spip.php?action=telecharger&arg=3513>.

و <http://www.fidh.org/spip.php?action=telecharger&arg=4134>

<http://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE13/058/2011/en/0af66a12-ad41-478c-9d9c-db820cf85de7/mde130582011en.html>

## ۴ - محاکمه‌های ناعادلانه، نفی حقوق قضایی و قانونی

مواد ۹ و ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی درباره‌ی موازین قضایی و برابری در برابر دادگاه و پرسش‌های ۱۳ و ۱۵ کمیته‌ی حقوق بشر از جمهوری اسلامی ایران درباره‌ی برگ بازداشت کلی و سفید امضا و استناد به اقرارهای کسب‌شده در اثر شکنجه و بدرفتاری است.

بی‌توجهی جمهوری اسلامی به موازین قضایی و حق محاکمه‌ی عادلانه بر پایه‌ی موازین بین‌المللی در «محاکمه»های نمایشی دسته‌جمعی بازداشت‌شدگان پس از انتخابات در مرداد و شهریور ۱۳۸۸ به‌روشنی مشاهده شد. در یک جلسه دادگاه، در حدود ۱۰۰ تن از بازداشت‌شدگان شامل فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران، وکلا و مدافعان حقوق بشر مورد محاکمه قرار گرفتند. بسیاری از این عده وادار به «اعتراف» شده بودند و حتا پیش از شروع «محاکمه» در برنامه‌های تلویزیونی مجرم‌بودن خود را اعلام کردند.

رسانه‌های خارجی اجازه ورود به دادگاه‌های نمایشی را نیافتند. بنا به گزارش‌ها، بازداشت‌شدگان مورد شکنجه و بازجویی‌های خشونت‌آمیز قرار گرفته بودند.<sup>۳۹</sup> بازداشت بدون برگ بازداشت یا با برگ بازداشت سفید امضا، نشان‌دادن مدارک شناسایی یا برگ بازداشت در هنگام بازداشت، بازداشت طولانی دستگیرشدگان پیش از اعزام به نزد قاضی قاعده به شمار می‌روند نه استثنا. قاضیان در مواردی حکم‌های بازداشت گروهی صادر می‌کنند، مثل تابستان ۱۳۸۸ که صدها نفر دستگیر و به بازداشتگاه بدنام کهریزک اعزام شدند و چند تن از بازداشت‌شدگان آن در حبس درگذشتند.

بسیاری از قاضیان در جمهوری اسلامی ایران روحانیونی فاقد آموزش و مدارک تحصیلی قضایی هستند که بر اساس تحصیل حوزه‌یی و غیردانشگاهی به سمت خود منصوب شده‌اند. جمهوری اسلامی با دادن اختیار تصمیم‌گیری و صدور حکم اختیاری بر پایه‌ی «علم قاضی»<sup>۴۰</sup> قدرت وسیعی به آن‌ها داده است و آن‌ها پیوسته حتا برای صدور حکم اعدام در مورد قتل به «علم قاضی» استناد می‌کنند.

مقررات قانون اساسی (اصل ۲۱۴) و آیین دادرسی کیفری که در صورت فقدان قانون به قاضیان اجازه صدور حکم بر اساس منابع و فتوای معتبر فقهی می‌دهد، و جمهوری اسلامی در بند ۵۲۶ گزارش ادواری سوم خود به کمیته‌ی حقوق بشر آن را مورد تأیید قرار داده، در عمل باعث اغتشاش شده و قاضیان برای صدور حکم درباره‌ی «جرم مشابه» به منابع و فتوای معتبر متفاوت استناد می‌کنند.

<sup>۳۹</sup> نگاه کنید به منع شکنجه و مجازات‌ها و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز

<sup>۴۰</sup> برای مثال ماده‌های ۱۹۹ (اثبات دزدی) و ۲۳۱ (اثبات قتل) قانون مجازات اسلامی



Photo : Ali Rafiei

FARS NEWS AGENCY

### محاكمه‌ی دسته‌جمعی در تهران، مرداد ۱۳۸۸

## بی‌اعتنایی به موازین قضایی

بالاترین مقام‌های قضایی جمهوری اسلامی ایران در موارد مختلف بی‌اعتنایی کامل خود را به موازین قضایی نشان داده‌اند. برای مثال، در روز ۲۹ آذر ۱۳۸۸، تنها سه روز پس از تظاهراتی بسیار گسترده در تهران، دادستان کل کشور حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای گفت: «عزم دستگاه قضایی برای اعدام حداقل سه تن از بازداشت‌شدگان ظهر عاشورا که محارب شناخته شده‌اند جدی است.» مقام‌های بلندپایه‌ی دیگر نیز بارها از منبر نماز جمعه خواهان اعدام معترضان شده‌اند.

همین روش را آیت‌الله محسنی گرکانی، رییس دیوان عالی کشور، مورد تاکید قرار داد: «پرونده‌های رسیده از دادگاه کیفری با حکم اعدام در کمتر از ۱۰ روز در دیوان عالی کشور رسیدگی می‌شود... رسیدگی به پرونده‌هایی که حکم اعدام برای آن‌ها صادر شده بسیار آسان است... دفاع متهم یک ساعت یا چند ساعت است نه بیش‌تر چون جرم مجرمان خطرناک به‌وضوح روشن است.»<sup>۴۱</sup>

وضع محکومیت‌ها، صدور حکم و تجدیدنظر در حکم‌ها، به‌ویژه در پرونده‌های سیاسی، مثل بسیاری دیگر از امور قوه‌ی قضاییه، در وضعیت آشفته‌یی است. بسیاری از پرونده‌های مهم سیاسی به سه شعبه‌ی دادگاه انقلاب اسلامی (شعبه‌های ۱۵، ۲۶ و ۲۸) ارجاع می‌شود که به احتمال زیاد برای متهمان حکم‌های سنگین از جمله اعدام صادر می‌کنند. سپس، درخواست تجدیدنظر به شعبه‌های مشخصی از دادگاه تجدیدنظر (شعبه‌های ۳۶ و ۵۴) ارجاع می‌گردند که حکم‌های دادگاه بدوی را تأیید می‌نمایند. همین وضع در دیوان عالی کشور برقرار است که شعبه‌های خاصی حکم‌های اعدام را — به‌ویژه در پرونده‌های سیاسی و اتهام محاربه — در مدت بسیار کوتاهی مورد رسیدگی و تأیید قرار می‌دهند.

آیت‌الله محسنی گرکانی، رییس دیوان عالی کشور، نیز این موضوع را تأیید می‌کند: «سه شعبه‌ی آدیوان عالی کشور [ویژه‌ی رسیدگی به پرونده‌های اشرار، جنایتکاران، متجاوزان، محاربین، سارقان و مجرمان خطرناک است].»

<sup>۴۱</sup> خبرگزاری نیمه رسمی مهر، ۲۵ اسفند ۱۳۸۸

## ۵ - منع شکنجه و مجازات‌ها و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز

مواد ۷، ۹ و ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به شکنجه و مجازات‌ها و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز می‌پردازند. پرسش‌های ۹، ۱۱ و ۱۶ کمیته‌ی حقوق بشر از جمهوری اسلامی ایران درباره‌ی موارد شکنجه و بدرفتاری، تحقیق درباره‌ی ادعای شکنجه و شرایط در بازداشتگاه‌ها و بندهای مختلف زندان اوین هستند.

### شکنجه

تعدادی از زندانیان عقیدتی که پس از انتخابات ۱۳۸۸ دستگیر و به زندان‌های طولانی محکوم شدند، نامه‌هایی نوشته‌اند که در آن‌ها جزئیات شکنجه و بدرفتاری در دوران بازجویی و حتا پس از آن را شرح داده‌اند. در این جا تنها می‌توانیم نمونه‌هایی از انبوه اسناد موجود را ارائه کنیم.



عبدالله مومنی

عبدالله مومنی در نامه‌یی به تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۸۹ به رهبر جمهوری اسلامی از ضرب و جرح شدید، فشردن گلو تا حد نزدیک به خفگی و بیهوشی، و نگاه‌داشتن سر وی در کاسه‌ی توالت توسط بازجویانش، حبس در سلول انفرادی برای ۸۶ روز (در یک سلول ۱/۶ متر در ۲/۲ متری)، تهدید مکرر به اعدام، تهدید به آزار و اذیت جنسی، وادارشدن توسط بازجویانش برای تمرین اعترافات ساختگی قبل از جلسه‌ی دادگاه سخن گفت. وی همچنین اعلام کرد که صلواتی، قاضی پرونده‌ی او، و سایر مقامات قوه‌ی قضاییه فاقد استقلال بوده و بازجویان و ماموران اطلاعاتی در روند محاکمه‌ی وی نفوذ بی‌حد داشته‌اند.<sup>۴۲</sup>

حمزه کرمی، یک زندانی دیگر، از فرماندهان پیشین سپاه پاسداران و رییس دفتر سیاسی روسای جمهور پیشین رفسنجانی و خاتمی، در نامه‌یی به دادستان کل در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۸۹، به موارد زیر اشاره کرد: تهدید به اعدام و تجاوز، و بازداشت و زندانی کردن افراد خانواده، اجبار به خواندن متن ازپیش‌آماده در دادگاه، ضرب و شتم، محرومیت از مراقبت پزشکی، فشردن گلو تا حد بیهوشی، محرومیت از دسترسی به وکیل و

<sup>42</sup> <http://persian.iranhumanrights.org/1389/06/momeni-letter/print/>

در مورد حکم محکومیت و وضعیت او نگاه کنید به: سازمان دانش آموختگان در بخش احزاب و گروه‌های سیاسی

حقوق دیگر. او ۴ ماه و نیم در سلول انفرادی بود و اکنون حکم محکومیت ۱۱ سال زندان خود را می‌گذراند.<sup>۴۳</sup>

مهدی محمودیان، روزنامه‌نگار زندانی، و از اولین کسانی که در تابستان ۱۳۸۸ فجایع بازداشتگاه کهریزک را افشا کرد، نامه‌یی به رهبر جمهوری اسلامی نوشت که در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۰ منتشر شد. او در نامه‌اش در مورد هر دو دسته زندانیان عادی و سیاسی شهادت داد.

زندانیان عادی: مواد مخدر در سه زندانی که او در هریک مدتی را گذرانده است (اوین، رجایی‌شهر و کجویی) به‌راحتی در دسترس است. لواط و تجاوز مجرمان خطرناک و باسابقه به زندانیان جوان بی‌پناه با کمک زندانبانان در زندان رجایی شهر امری عادی است؛ ایدز و هیپاتیت و بیماری‌های دیگر رایج است.

زندانیان سیاسی: در بخش دیگری از نامه، او به شرح شکنجه‌ها و بدرفتاری‌هایی پرداخت که خود و بیش از ۲۰۰ نفر از زندانیان عقیدتی طرف‌گفت‌وگو با او در بندهای مختلف زندان‌های اوین و رجایی‌شهر از سر گذرانده‌اند. از جمله مواردی که او خاطرنشان کرده است: بستن چشم در هنگام بازجویی؛ فحاشی رکیک به زندانیان، تحقیر جنسی و روحی مثل انتظار برای بازجویی با لباس زیر و استفاده از باتوم و یا وسیله‌یی شبیه آن؛ دروغ، تهدید و نیرنگ برای کسب اعتراف غیرواقعی؛ تهدید به بازداشت اعضای خانواده؛ اقدام به بازداشت اعضای خانواده برای اجبار زندانیان به خواندن اعتراف‌نامه؛ صدور احکام دروغین اعدام؛ تماس با همسران زندانی برای وادار کردن آن‌ها به درخواست طلاق؛ تماس با همسران زندانیان برای مقاصد جنسی؛ استفاده از شوکر برقی بر روی آلت تناسلی زندانیان، ضرب و شتم و جرح ده‌ها زندانی با کابل و باتوم به دفعات متوالی به‌ویژه در بند ۲ الف اوین که در اختیار سپاه پاسداران است؛ دادن قرص‌های رنگی ناشناس به زندانیان که آن‌ها را از حالت عادی خارج کرده است و اثرات آن در بعضی افراد تا مدت‌ها باقی بوده است؛ رهاکردن متهمین ساعت‌ها در فضای باز در سرمای شب‌های زمستان صرفاً با لباس زیر برای تنبیه، زدن زندانی با سیلی، مشت و لگد. شخص محمودیان دو مورد اخیر را تجربه کرده است.<sup>۴۴</sup>

## دیگر مجازات‌ها و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز

با وجود این‌که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مجازات‌ها و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز را منع کرده است، حکم مجازات قطع عضو، شلاق و دیگر مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز پیوسته صادر می‌شود و به اجرا درمی‌آید.

## قطع عضو

ماده‌ی ۱۹۰ قانون مجازات اسلامی قطع دست راست و پای چپ را به عنوان یکی از مجازات‌های محاربه مقرر می‌دارد. ماده‌ی ۲۰۱ همان قانون قطع چهار انگشت دست راست دزد را در بار اول و پای چپ او را در بار

<sup>43</sup> <http://www.rahesabz.net/story/22084/>

<sup>44</sup> <http://www.rahesabz.net/story/36694/>

در مورد حکم محکومیت و وضعیت او نگاه کنید به: محرومیت زندانیان از رسیدگی پزشکی



دوم مقرر کرده است. در بیش تر موارد در سال‌های اخیر، این مجازات برای دزدان صادر شده و به اجرا درآمده است.

- در روز ۲ آبان ۱۳۸۹، دست یک دزد در زندان یزد قطع شد.<sup>۴۵</sup> بنا به گزارش‌ها در تاریخ ۱ آذر ۱۳۸۹ و ۲۰ مهر ۱۳۸۹، دست دو دزد در زندان مشهد قطع شد.<sup>۴۶</sup> روز ۱ مرداد ۱۳۸۹ دست پنج دزد دیگر در شهر کرمانشاه قطع شد.<sup>۴۷</sup> به گفته‌ی دادستان اهواز در مصاحبه‌ی مطبوعاتی در ماه بهمن ۱۳۸۸، در ظرف ۱۱ ماه اول این سال چهار مجازات قطع عضو در این شهر به اجرا درآمده است.<sup>۴۸</sup>

بنا به گزارش‌ها، در تاریخ ۷ آذر ۱۳۹۰، حکم قطع دست یک دزد در شعبه‌ی ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران تأیید شد و این حکم به‌زودی به اجرا درخواهد آمد.<sup>۴۹</sup>

### شلاق

دادگاه‌ها در ایران پیوسته متهمان را به شلاق محکوم می‌کنند. این مجازات در مورد بعضی جرایم عمومی از جمله نوشیدن مشروب الکلی، بعضی موارد دزدی، و بعضی جرایم جنسی اجرا می‌شود. در عین حال، زندانیان عقیدتی نیز به خاطر «توهین به ریاست جمهوری»، «توهین به رهبری» و اتهام‌های دیگر به این مجازات محکوم می‌شوند.

- سمیه توحیدلو، وبلاگ‌نگار و دانش‌جوی دکترای جامعه‌شناسی، در روز ۲۳ شهریور ۱۳۹۰، ۵۰ ضربه شلاق خورد. او در تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۸۸ دستگیر شده و پیش از آزادی با وثیقه ۷۰ روز را به خاطر مبارزه برای حق رای در بازداشت گذرانده بود.
- پیمان عارف، دانش‌جوی حقوق، به خاطر «توهین به ریاست جمهور» ۷۴ ضربه شلاق خورد.<sup>۵۰</sup>
- امین نیایی‌فر، دانش‌جوی مهندسی، پس از گذراندن حکم زندان ۱/۵ سال در اواخر مهر ۱۳۹۰ به خاطر «توهین به ریاست جمهور» ۷۴ ضربه شلاق خورد.

<sup>45</sup> <http://www.tabnak.ir/fa/news/126844>

<sup>46</sup> <http://www.aftabnews.ir/vdcewe8zejh8zni.b9bj.html>;

[http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2010/10/101012\\_l38\\_iran\\_mashhad\\_amputated.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2010/10/101012_l38_iran_mashhad_amputated.shtml)

<sup>47</sup> <http://www.aftabnews.ir/vdcjttevouqeyaz.fsfu.html>

<sup>48</sup> [http://zamaaneh.com/news/2010/02/\\_38.html](http://zamaaneh.com/news/2010/02/_38.html)

<sup>49</sup> <http://www.aftabnews.ir/vdcgqz9qqak9tx4.rpra.html>

<sup>50</sup> در مورد حکم محکومیت و وضعیت او نگاه کنید به: جبهه‌ی ملی ایران در بخش احزاب و گروه‌های سیاسی

## معافیت از مجازات

پرسش ۱۱ کمیته‌ی حقوق بشر از جمهوری اسلامی ایران درباره‌ی اظهارات مربوط به شکنجه و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز به دست ماموران پلیس یا مسئولان زندان و پرسش ۱۶ درباره‌ی نظارت بر بازداشتگاه‌ها است.

در پاسخ، جمهوری اسلامی ایران در بندهای ۶۴ و ۷۶ اعلام کرده است:

از سال ۲۰۰۷ به بعد، ۱۳ شکایت از بدرفتاری و توهین ماموران اجرای قانون دریافت شده و آن‌ها دستگیر شده‌اند. دادستان ویژه‌ی کارکنان دولت به موارد مربوطه رسیدگی کرده و در تمام مواردی که متهمان مجرم شناخته شده‌اند، از جمله در مورد کسانی که در ناآرامی‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری دچار خسارت شده‌اند، اقدام لازم برای اعاده‌ی حقوق شهروندی شاکیان و پرداخت غرامت به عمل آمده است... بر اساس قانون اساسی و قوانین عمومی کشور، از جمله قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، شکنجه و بدرفتاری با زندانیان ممنوع است...

در پی انتخابات ریاست جمهوری، عده‌یی از زنان و مردان در بازداشتگاه مورد تجاوز نیروهای امنیتی قرار گرفتند. بعضی از قربانیان تجاوز بعداً نزد کمیته‌یی که دو تن از نامزدهای انتخابات تشکیل داده بودند و سپس نزد سازمان‌های معتبر حقوق بشری شهادت دادند. بعضی از این قربانیان به خارج از ایران پناهنده شده‌اند. این اظهارات هرگز مورد تحقیق قرار نگرفته و عدالت در مورد مجرمان اجرا نشده است.

هاله سحابی، عضو «مادران صلح»، در خرداد ۱۳۹۰ در اثر ضربه‌های نیروهای امنیتی که به مراسم تشییع جنازه‌ی پدرش حمله کردند درگذشت. این موضوع هنوز مورد تحقیق قرار نگرفته است.

بر اساس گزارش‌هایی درباره‌ی بدرفتاری، نبود مراقبت پزشکی و خشونت عمدی، از سال ۱۳۸۲ به بعد، چندین زندانی عقیدتی در زندان اوین در تهران و نیز زندان‌های دیگر درگذشته‌اند. فهرست ناکاملی از این قربانیان شامل ۱۹ نفر به شرح زیر است:

- زهرا کاظمی، عکاس خبری، در اثر ضربه‌هایی به جمجمه در زندان اوین / تهران، تیر ۱۳۸۲
- اکبر محمدی، فعال دانش‌جویی، زندان اوین، تیر ۱۳۸۵
- ولی‌الله فیض مهدوی، زندانی سیاسی، زندان اوین، شهریور ۱۳۸۵
- زهرا بنی‌یعقوب، پزشکی که در بازداشت موقت وزارت اطلاعات در همدان گویا «خودکشی» کرد، ۱۳۸۶
- ابراهیم لطف‌اللهی، دانش‌جوی جوان گُرد، زندان سنندج، دی ۱۳۸۶
- عبدالرضا رجبی، زندانی سیاسی، زندان رجایی‌شهر، مهر ۱۳۸۷

- امیرحسین حشمت‌ساران، فعال سیاسی، پس از انتقال به بیمارستان از زندان رجایی‌شهر، اسفند ۱۳۸۷
- امیدرضا میرصیافی، وبلاگ‌نگار، زندان اوین، اسفند ۱۳۸۷
- حداقل سه بازداشتی، به نام‌های امیر جوادی‌فر، محسن روح‌الامینی و محمد کامرانی، در تابستان ۱۳۸۸ در بازداشتگاه به‌شدت غیراستاندارد کهریزک درگذشتند. دو تن دیگر، به نام‌های رامین آقازاده قهرمانی و احمد نجاتی کارگر، در اثر پی‌آمدهای شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر که در همان بازداشتگاه متحمل شده بودند پس از آزادی درگذشتند.<sup>۵۱</sup>
- البرز قاسمی، زندان اوین، بهمن ۱۳۸۸
- غلامرضا بیات، جوان گرد، پس از ضرب‌وشتم در بازداشت در کامیاران، مرداد ۱۳۸۹
- محسن دگمه‌چی، زندان رجایی‌شهر، فروردین ۱۳۹۰
- حسن ناهید، زندان اوین، فروردین ۱۳۹۰
- هدی صابر، زندانی عقیدتی، زندان اوین، خرداد ۱۳۹۰<sup>۵۲</sup>
- ناصر خانی زاده، زندان ارومیه، تیر ۱۳۹۰

هیچ‌یک از این پرونده‌ها مورد رسیدگی قرار نگرفته و قوه‌ی قضاییه ایران حتی یک نفر از مجرمان را به خاطر خشونت و تعدی ارتكابی به دست عدالت نسپرده است. قوه‌ی قضاییه تنها زمانی ناگزیر از انجام نوعی رسیدگی به پرونده‌های فوت در کهریزک شد که معلوم شد پسر یکی از مسئولان (محسن روح‌الامینی) در میان قربانیان بوده است. با وجود این، تردیدهای زیادی درباره‌ی تحقیقات وجود دارد.<sup>۵۳</sup> سعید مرتضوی، دادستان پیشین تهران، که به‌طورمشخص در چندین مورد از جمله در جریان درگذشت زهرا کاظمی در سال ۱۳۸۲ نیز شرکت داشت، هرگز به دست عدالت سپرده نشده است.

### خشونت و تجاوز در بازداشتگاه کهریزک

محاكمه‌ی نیروهای امنیتی که در پی اعتراض‌های عمومی سال ۱۳۸۸ در بازداشتگاه کهریزک مرتکب نقض حقوق بشر شده بودند پوشش خبری گسترده‌ی یافت. بر اساس گزارش‌های رسمی، چندین نفر در اثر ضرب‌وشتم، شکنجه، تجاوز و خشونت‌های دیگر در بازداشتگاه موقت کهریزک در شرایط به‌شدت غیرانسانی جان خود را از دست دادند. دولت‌مردان به مرگ سه مرد جوان اذعان کردند. حداقل دو نفر دیگر نیز پس از آزادی از این بازداشتگاه درگذشتند. به علاوه، دو پزشک که در آن زمان در این بازداشتگاه کار و بازداشت شدگان را درمان می‌کردند، بعداً جان سپردند. دکتر رامین پوراندراجانی در آبان ۱۳۸۸ در شرایط به‌شدت مشکوکی درگذشت و دکتر نام عبدالرضا سودبخش در شهریور ۱۳۸۹ به ضرب گلوله کشته شد.

در تیر ۱۳۸۹، دادگاه نظامی ۱۲ نفر را مورد محاکمه قرار داد و بدون این‌که نام، سمت و درجه‌ی آن‌ها یا جریان محاکمه و پرونده را اعلام کند یا به مقامات بلندپایه‌ی که دستور بدرفتاری با بازداشت‌شدگان را صادر کرده بودند، اشاره کند، حکم خود را صادر کرد. بر اساس اتهام «ضرب‌وجرح منتهی به فوت»، دو تن از متهمان به اعدام و بقیه

<sup>۵۱</sup> اشخاص دیگری هم در شرایط مشکوکی در ارتباط با بازداشتگاه کهریزک درگذشتند. نگاه کنید به خشونت و تجاوز در بازداشتگاه کهریزک

<sup>۵۲</sup> درباره‌ی جزئیات این مورد نگاه کنید به: ائتلاف ملی مذهبی در بخش احزاب و گروه‌های سیاسی

<sup>۵۳</sup> نگاه کنید به خشونت و تجاوز در بازداشتگاه کهریزک

به «حبس، انفصال از خدمت، جزای نقدی و شلاق محکوم» شدند. متهمان درخواست تجدیدنظر کردند و از آن پس هیچ خبری از پیگیری پرونده منتشر نشده است. دادستان پیشین تهران، سعید مرتضوی، که در گزارش کمیسیون ویژه‌ی مجلس به عنوان مقام قضایی مسئول متهم شد، هنوز در هیچ دادگاهی محاکمه نشده است. او بدون سروصدا از قوه‌ی قضاییه به سمتی دیگر در قوه‌ی مجریه منتقل شده است.

## محرومیت زندانیان از درمان پزشکی

پرسش ۱۶ کمیته‌ی حقوق بشر از جمهوری اسلامی ایران به  
«محرومیت بسیاری از زندانیان از رسیدگی پزشکی» می‌پردازد.

جمهوری اسلامی در بند ۷۶ پاسخ‌هایش مدعی شده است:

درعین حال، در زندان اوین، از جمله در بند ۳۵۰، بهداری و نیز بیمارستانی وجود دارد که خدمات مناسب پزشکی ارائه می‌کند.

به‌رغم این ادعا، بسیاری از زندانی عقیدتی در ایران به‌شدت نیازمند امکانات درمان پزشکی مناسب هستند که در زندان‌های مختلف وجود ندارد. جمهوری اسلامی از شرایط بد جسمانی آن‌ها برای فشار بیش‌تر و وادارکردن آن‌ها به اعتراف ساختگی یا طرح اتهام‌های تازه و افزایش حکم زندان آن‌ها استفاده می‌کند. این رفتار در تضاد شدید با ماده‌ی ۲۲(۲) اصول استاندارد حداقل برای رفتار با زندانیان است که در تاریخ ۱۳ مه ۱۹۷۷ در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل تصویب شد و مقرر می‌دارد که زندانیان بیمار نیازمند به درمان تخصصی باید به مؤسسه‌های تخصصی یا بیمارستان‌های غیرنظامی منتقل شوند. با وجود این، جمهوری اسلامی پیوسته از رعایت حق زندانیان عقیدتی به دست‌رسی به درمان مناسب و منظم پزشکی سر باز زده است.

زندانیان عقیدتی زیر تنها بعضی از زندانیانی هستند که در حال حاضر به‌شدت به درمان نیاز دارند، اما مقامات دولتی آن‌ها را از حق درمان پزشکی در بیرون از زندان محروم کرده‌اند.

حسین رونقی ملکی یک وبلاگ‌نگار و کارشناس کامپیوتر است. او به علت خون‌ریزی کلیه در تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۹۰ برای معاینه به بیمارستان منتقل شد ولی او را پس از چند ساعت به زندان اوین بازگرداندند. رونقی ملکی از اردیبهشت ۱۳۹۰ تاکنون چهار بار تحت عمل کلیه قرار گرفته است. مقامات دولتی بدون این‌که اجازه دهند او از زمان سه‌ماهه‌ی لازم برای معالجه بهره‌مند شود، هر بار او را بلافاصله به زندان بازگردانده‌اند. آخرین عمل جراحی بر روی او در اوایل آبان انجام شد، ولی او در روز ۹ آبان به زندان بازگشت. برخلاف نظریه‌ی پزشکان متخصص که معتقدند او باید تحت درمان مناسب قرار بگیرد، مقامات جمهوری اسلامی گویا شرط این کار را اعتراف ساختگی به جرم در برابر دوربین تلویزیون قرار داده‌اند.

رونقی ملکی در ۲۲ آذر ۱۳۸۸ دستگیر شد، تحت شکنجه‌های مختلف جسمانی و روانی قرار گرفت و ۱۳ ماه در بازداشتگاه سپاه پاسداران در بازداشت انفرادی ماند. در نتیجه، هر دو کلیه‌ی او عفونی شد و یکی از کلیه‌ها

۸۰٪ و کلیه دیگر ۲۰٪ آسیب دید. او بعداً به اتهام عضویت در گروه اینترنتی ایران پروکسی، تبلیغ علیه نظام، توهین به مقام رهبری و رییس‌جمهور به ۱۵ سال زندان محکوم شد.

محمد صدیق کبودوند در آذر ۱۳۸۷ دچار سکته‌ی قلبی و در اردیبهشت ۱۳۸۷ و تیر و آبان ۱۳۸۹ سه بار دچار حمله‌ی مغزی شد. او از ناراحتی‌های مربوط به پروستات و کلیه و نیز سرگیجه و بی‌هوشی نیز در رنج بوده است. در خرداد ۱۳۹۰، یک پزشک مستقل توصیه کرد که او تحت عمل جراحی پروستات و قلب قرار بگیرد. مقامات دولتی او را از امکان درمان پزشکی مناسب محروم کرده‌اند. او روزنامه‌نگار و موسس و رییس سازمان حقوق بشر کردستان و گیرنده‌ی جایزه هلمن - همت دیده‌بان حقوق بشر در سال ۲۰۰۹ است.<sup>۵۴</sup>

مهدی محمودیان، روزنامه‌نگار، در اوایل آبان ماه اجازه‌ی عمل جراحی بر روی ریه‌هایش را یافت. ریه‌های او که پس از بازداشت در اثر شکنجه آسیب دیده‌اند به علت ۷ ماه تاخیر مقامات دولتی در صدور اجازه‌ی درمان بخشی از کارکرد خود را از دست داده‌اند. آقای محمودیان افشاگر فجایع بازداشتگاه کهریزک بود که چند تن از معترضان در تابستان ۱۳۸۸ در آن جا درگذشتند. او در ۲۵ شهریور ۱۳۸۸ بازداشت و به ۵ سال زندان محکوم شد و در زندان دورافتاده‌ی رجایی‌شهر به سر می‌برد. او در اردیبهشت ۱۳۹۰ به خاطر نوشتن نامه‌ی سرگشاده به مقام رهبری که در آن رواج تجاوز و مواد مخدر را در میان زندانیان عادی و استفاده‌ی گسترده‌ی شکنجه و رفتار غیرانسانی علیه زندانیان سیاسی را افشا کرده بود به مدت ۱۰ روز به سلول انفرادی افتاد.<sup>۵۵</sup>

عیسی سحرخیز، روزنامه‌نگار، در تاریخ ۱۶ تیر ۱۳۸۸ بازداشت شد و به اتهام توهین به رهبری و تبلیغ علیه نظام حکم سه سال زندان خود را در زندان دورافتاده‌ی رجایی‌شهر می‌گذراند. دنده‌های او در زمان دستگیری شکست. در اواخر آبان ۱۳۸۹، پس از خون‌ریزی داخلی، یک تیم پزشکی از بیرون زندان در بهداری زندان او را مورد عمل جراحی قرار داد.

کیوان صمیمی بهبهانی، روزنامه‌نگار با سابقه و مدافع حقوق بشر که در ۲۳ خرداد ۱۳۸۸ بازداشت شد دچار بیماری خطرناک کبدی است.<sup>۵۶</sup>

محمدحسین کاظمینی بروجردی، یک رهبر مذهبی که معتقد به جدایی دین از سیاست است، گویا دچار بیماری پارکینسون، دیابت، فشار خون بالا و مشکلات قلبی و کلیه و کاهش بینایی یکی از چشمان خود است.<sup>۵۷</sup>

حامد روحی‌نژاد، دانش‌جو، در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۸، بیش‌تر از یک ماه پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری دستگیر شد، در اثر فریب‌خوردن از بازجویانش در مورد نقش خود در ناآرامی‌های پس از انتخابات دست به اقرارهای ساختگی زد و سپس به مرگ محکوم شد. حکم محکومیت او در تجدیدنظر به ۱۱ سال زندان در تبعید در شهر زنجان کاهش پیدا کرد. روحی‌نژاد دچار بیماری ام اس است و در اثر آن یکی از دست‌هایش از

<sup>۵۴</sup> در مورد حکم محکومیت و وضعیت او نگاه کنید به: مدافعان حقوق جوامع قومی

<sup>۵۵</sup> نگاه کنید به شکنجه

<sup>۵۶</sup> در مورد حکم محکومیت و وضعیت او نگاه کنید به: دیگر مدافعان حقوق بشر

<sup>۵۷</sup> در مورد حکم محکومیت و وضعیت او نگاه کنید به: گروه‌های دیگر مذهبی

کار افتاده و بینایی و شنوایی‌اش دچار مشکلات جدی شده است.

ابوالفضل قدیانی، فعال سیاسی، که اخیراً تحت عمل جراحی قلب قرار گرفت، در زندان اوین در شرایط بدی به سر می‌برد و در خطر سکتته‌ی قلبی است.<sup>۵۸</sup>

معصوم فردیس، فعال سیاسی، دچار آسیب نخاعی و نیازمند عمل جراحی است. بنا به گزارش‌ها او که در زندان اوین به سر می‌برد قادر به راه‌رفتن نیست. آقای فردیس به ۶ سال زندان محکوم شده و گرچه دادگاه تجدیدنظر حکم او را نقض کرده، هنوز در زندان مانده است.

سعید متین‌پور، فعال فرهنگی آذری ایرانی و روزنامه‌نگار، از سال ۱۳۸۶ حکم محکومیت ۸ سال زندان را می‌گذراند و از دی ۱۳۸۹ دچار عفونت ریه است.

زهرا جباری، معترض خیابانی، از شهریور ۱۳۸۸ حکم ۴ سال زندان را می‌گذراند. او دچار بیماری رماتیسم قلبی است و تحت عمل جراحی قرار گرفته است.

احمد زیدآبادی، روزنامه‌نگار، از خرداد ۱۳۸۸ حکم محکومیت ۶ سال زندان را می‌گذراند و دچار کاهش شدید وزن به دلایل ناروشن است.<sup>۵۹</sup>

حشمت‌الله طبرزدی، فعال سیاسی، از آذر ۱۳۸۸ حکم محکومیت ۸ سال زندان را می‌گذراند و دچار مشکلات قلبی و فشار خون بالا است.

مجید دری، فعال دانش‌جویی، از تیر ۱۳۸۸ حکم محکومیت ۶ سال زندان در تبعید را در زندان بهبهان در جنوب کشور می‌گذراند و دچار میگرن است و چند بار در اثر آن بیهوش شده است.

کوروش کوهکن، فعال سیاسی، از دی ۱۳۸۸ حکم محکومیت ۳/۵ سال زندان را می‌گذراند. او به علت پارگی مینسک زانو که در دوره بازجویی ایجاد شده بود تحت عمل جراحی قرار گرفته است اما محل جراحی بعداً عفونی شده و خطر قطع پا او را تهدید می‌کند.

عبدالله مومنی، فعال سیاسی، دچار مشکلات کلیوی و بیماری پوستی است.<sup>۶۰</sup>

قاسم شعله‌سعدی، وکیل دادگستری، گویا در اثر شکنجه دچار آسیب نخاعی شده است.<sup>۶۱</sup>

محسن امین‌زاده، فعال سیاسی، در خرداد ۱۳۸۸ دستگیر شد و حکم محکومیت پنج سال زندان را می‌گذراند. او دچار ناراحتی قلبی است و مدتی را در بیمارستان بستری بود. با وجود این، در اواخر آبان ۱۳۹۰ وادار به بازگشت به زندان شد.

رضا شهبابی، فعال سندیکایی زندانی، نیازمند رسیدگی پزشکی فوری است.<sup>۶۲</sup>

---

<sup>۵۸</sup> در مورد حکم محکومیت و وضعیت او نگاه کنید به: جبهه مشارکت ایران اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در بخش احزاب و گروه‌های سیاسی

<sup>۵۹</sup> در مورد حکم محکومیت و وضعیت او نگاه کنید به: سازمان دانش‌آموختگان، در بخش احزاب و گروه‌های سیاسی

<sup>۶۰</sup> در مورد حکم محکومیت و وضعیت او نگاه کنید به: سازمان دانش‌آموختگان و شکنجه

<sup>۶۱</sup> در مورد حکم محکومیت و وضعیت او نگاه کنید به: وکلای دادگستری

<sup>۶۲</sup> نگاه کنید به فعالان کارگری و سندیکایی

## ۶ - محرومیت از حقوق بر پایه‌ی تبعیض مذهبی

مواد ۲، ۱۸، ۲۶ و ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی  
تبعیض در موارد مختلف از جمله دین، اندیشه و عقیده را منع  
کرده‌اند. پرسش‌های ۲۲ و ۳۴ کمیته‌ی حقوق بشر از جمهوری  
اسلامی ایران به آزار و تعقیب مسیحیان و بهاییان پرداخته‌اند.

### آیین بهایی

پیروان این آیین پیوسته دستگیر می‌شوند و مدت‌های طولانی در بازداشت می‌مانند یا این که به زندان محکوم می‌گردند. بر اساس گزارشی که جامعه بین‌المللی بهایی منتشر کرده، در اوایل آبان ۱۳۹۰، ۱۱۲ پیرو آیین بهایی در زندان بودند که بعضی از آن‌ها حکم طولانی زندانی را سپری می‌کردند.<sup>۶۳</sup> از جمله این عده هفت مدیر جامعه‌ی بهایی در ایران هستند که هر یک از آن‌ها در سال ۱۳۸۹ به ۲۰ سال زندان محکوم شدند و حکم محکومیتشان در فروردین ۱۳۹۰ تأیید شد. بر اساس همان گزارش، پنج مرد و دو زن نیز به خاطر تدریس در دوره‌های اینترنتی به دانش‌جویان بهایی محروم از تحصیل در دانشگاه‌ها به حکم‌های زندان ۴ و ۵ سال محکوم شده‌اند. پرونده‌های قضایی در حدود ۳۰۰ نفر از پیروان این آیین در جریان رسیدگی است.

پیروان آیین بهایی از حق آموزش عالی، ارث، بازنشستگی و حقوق دیگر محروم هستند. نهادهای دولتی آن‌ها را استخدام نمی‌کنند و حاضر نیستند گواهی کسب برای آن‌ها صادر کنند. گورستان‌ها، خانه‌ها و اموال دیگرشان در شهرهای مختلف مرتب مورد حمله قرار می‌گیرد، تخریب یا مصادره می‌شود. با وجود این، گزارش جمهوری اسلامی ایران در بند ۱۱۶ از پاسخ‌هایش به پرسش ۳۴ کمیته‌ی حقوق بشر مدعی است:

*ما یلیم تاکید کنیم که در جمهوری اسلامی ایران هیچ کس صرفاً به خاطر پیروی  
از بهائیت دستگیر نشده یا تحت پیگرد قرار نگرفته است.*

### مسیحیان

مسیحیان با محدودیت‌هایی مثل بسته‌شدن کلیساهایشان در تهران و شهرهای کرمانشاه و ارومیه در غرب ایران روبه‌رو بوده‌اند. آن‌ها تنها در یک نقطه از تهران اجازه‌ی پخش کتاب‌هایشان را دارند. به علاوه، مسلمانانی که از اسلام به مسیحیت گرویده‌اند پیوسته مورد اذیت و آزار و بدرفتاری قرار می‌گیرند، به خاطر باورهایشان محاکمه می‌شوند و به‌طورمنظم به ارتداد متهم می‌گردند. تعدادی از نوکیشان مسیحی در طول

<sup>۶۳</sup> نام تعدادی از زنان بهایی زندانی در پیوست ۱ آمده است. برای بحث مشروعی درباره‌ی تعقیب و آزار اقلیت‌های مختلف دینی در ایران، نگاه کنید به گزارش مشترک فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر و جامعه‌ی دفاع از حقوق بشر در ایران در:

[http://www.fidh.org/IMG/pdf/FIDH\\_LDDHI.pdf](http://www.fidh.org/IMG/pdf/FIDH_LDDHI.pdf)

سالیان جان خود را در قتل‌های فراقضایی از دست داده‌اند.



یوسف ندرخانی

کشیش‌ها و مبلغان تبشیری (پروتستان) نیز به خاطر تبلیغ آیین خود مورد تعقیب و آزار قرار دارند. مورد ویژه در حال حاضر محکومیت کشیش یوسف ندرخانی به اتهام ارتداد به مجازات اعدام است. دادگاه تجدید نظر به جای قانون مجازات اسلامی به استناد احکام اسلامی در شهریور ۱۳۸۹ حکم اعدام را تأیید کرد. در تیر ۱۳۹۰، دیوان عالی کشور ظاهراً حکم اعدام را نقض کرد. اما، پرونده به دادگاه اولیه ارجاع شد با این نظر که در صورت توبه آقای ندرخانی حکم محکومیت او لغو شود.

در فروردین ۱۳۹۰، کشیش بهروز صادق خانجانی و پنج عضو دیگر کلیسا در شهر شیراز به یک سال زندان محکوم شدند. به‌رغم این خبرها و موارد متعدد دستگیری، آزار و اذیت،<sup>۶۴</sup> جمهوری اسلامی در بند ۹۲ پاسخ خود به پرسش ۲۲ کمیته‌ی حقوق بشر ادعا می‌کند:

*درحقیقت، دولت جمهوری اسلامی ایران از نکات طرح شده از طرف کمیته‌ی محترم شگفت‌زده شد چون تاکنون هیچ مسیحی به خاطر پیروی از دین خود دستگیر نشده است.*

## مسلمانان اهل سنت

مسلمانان اهل سنت، با وجود این که در ۱۶ استان ایران دارای جمعیت قابل‌توجهی هستند، از اجازه‌ی ساختن مسجد در شهرهای بزرگ مثل تهران، مشهد، اصفهان و غیره محروم هستند. نمازخانه‌های آن‌ها در این شهرها به‌زور تعطیل می‌شود. نمازخانه‌ی اهل سنت در سعادت‌آباد تهران پس از حمله به آن در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۹۰ بسته و امام جماعت آن نیز دستگیر شد. مسجد فیض، تنها مسجد اهل سنت در شهر مشهد، در شمال شرقی ایران، در سال ۱۳۷۲ تخریب شد.

مسلمانان اهل سنت در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ حتا از برگزاری نماز جماعت سالانه عید فطر در منازل خصوصی خود در تهران منع شده‌اند. طی دو دهه‌ی گذشته چندین روحانی اهل سنت در قتل‌های فراقضایی در بلوچستان و کردستان جان خود را از دست داده‌اند. ده‌ها نفر دیگر نیز بازداشت و به زندان محکوم شده‌اند. حداقل ۴ روحانی اهل سنت در فروردین ۱۳۸۷ و اسفند ۱۳۸۷ در بلوچستان پس از محکومیت اعدام شدند. امام جمعه‌ی اهل سنت در زاهدان و رهبر مذهبی مسلمانان سنی بلوچ، مولوی عبدالحمید، حق خروج از کشور ندارد و داماد او در شهریور ۱۳۹۰ به ۱۰ سال زندان محکوم شد.

## دراویش

عبادتگاه‌های سلسله‌های مختلف دراویش مورد حمله قرار گرفته و تخریب شده است. بسیاری از اعضای آن‌ها

<sup>64</sup> [http://www.fidh.org/IMG/pdf/FIDH\\_LDDHI.pdf](http://www.fidh.org/IMG/pdf/FIDH_LDDHI.pdf)



به‌ویژه اعضای سلسله‌ی نعمت‌اللہی گنابادی مورد تعقیب قرار گرفته و زندانی شده‌اند. سلسله‌ی نعمت‌اللہی گنابادی در فروردین ۱۳۹۰ فهرستی از ۱۸۹ نفر پیروان خود را منتشر کرد که تحت پیگرد قضایی قرار دارند.<sup>۶۵</sup>

بعضی از وکلای مدافع ایشان — که خود نیز عضو سلسله هستند — از وکالت محروم و زندانی شده‌اند. یکی از وکلای مدافع این دراویش، مصطفی دانش‌جو، که به ۷ ماه زندان محکوم شده بود، در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۰ دستگیر شد. بنا به گزارش‌هایی در خرداد ۹۰، مقامات او را در بند معتادان زندان ساری زندانی کرده‌اند. دو وکیل دادگستری دیگر، فرشید یداللہی و امیر اسلامی، به شش ماه زندان محکوم شده‌اند. این دو و دو وکیل مدافع دیگر به نام‌های افشین کرمپور و امید بهروزی، و ۱۰ تن از نویسندگان و ویراستاران وبگاه سلسله‌ی گنابادی از جمله ۸۰ نفری هستند که در پی حمله به پیروان این سلسله در شهر کوار در استان جنوبی فارس در شهریور ۱۳۹۰ دستگیر شدند. ۱۰ نویسنده و ویراستار وبگاه در آبان ۱۳۹۰ با وثیقه آزاد شدند.

### گروه‌های دیگر مذهبی

پیروان اهل حق و آل یاسین نیز قربانی سرکوب بوده‌اند و بعضی از آن‌ها اعدام شده‌اند.<sup>۶۶</sup> حتا گروه‌های شیعه منتقد از سرکوب در امان نبوده‌اند. برای مثال، حسینیه‌ی آیت‌الله سید محمدحسین کاظمینی بروجردی، از طرفداران جدایی دین از سیاست، در پی حمله‌ی خشونت‌آمیزی در سال ۱۳۸۵ تعطیل شد. آیت‌الله کاظمینی بروجردی و تعدادی از هواداران او دستگیر شدند. او ابتدا به اعدام محکوم شد ولی این حکم بعداً به ۱۱ سال زندان کاهش پیدا کرد و او هنوز این حکم را می‌گذراند.

احمد قابل، پژوهشگر دینی، پس از ۳ بار بازداشت، در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۹۰ حکم محکومیت ۲۰ ماه زندان خود را شروع کرد.

<sup>۶۵</sup> نگاه کنید به: <http://121tajalli121.blogfa.com/post-27.aspx>

<sup>۶۶</sup> نگاه کنید به: [http://www.fidh.org/IMG/pdf/Death\\_Penalty\\_report-full062009.pdf](http://www.fidh.org/IMG/pdf/Death_Penalty_report-full062009.pdf) و

[http://www.fidh.org/IMG/pdf/FIDH\\_LDDHI.pdf](http://www.fidh.org/IMG/pdf/FIDH_LDDHI.pdf)

## ۷ - منع آزادی بیان

ماده‌ی ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی درباره‌ی حق داشتن عقیده و آزادی بیان است. پرسش ۲۳ کمیته‌ی حقوق بشر از جمهوری اسلامی ایران درباره‌ی تعداد مدافعان حقوق بشر و وکلای دادگستری زندانی است.

وضع آزادی بیان، گردهم‌آیی و تشکل چندین سال بود که پیوسته و به‌ویژه پس از ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴ رو به وخامت می‌رفت، اما پس از انتخابات مورد اختلاف ریاست‌جمهوری خرداد ۱۳۸۸ این وضع بسیار بدتر شد. مقامات دولتی جنگ خود علیه رسانه‌های به نسبت منقد، روزنامه‌نگاران، نویسندگان و مدافعان حقوق بشر را شدت بخشیدند. سانسور از طریق واحد مبارزه با جرایم اینترنتی، مسدود کردن وبگاه‌ها و وبلاگ‌ها و پارازیت فرستادن روی برنامه‌های رسانه‌های بین‌المللی برقرار شد. موانع جدی بر سر راه آزادی تشکل با ادامه‌ی تعطیلی چندین سازمان حقوق بشری ادامه یافت. سازمان‌های سیاسی و اتحادیه‌های مستقل کارگری سرکوب شدند<sup>۶۷</sup> و فعالان آن‌ها پیوسته بازداشت و به زندان محکوم شده‌اند.

### لایحه سازمان‌های غیردولتی در مجلس

در فروردین ۱۳۹۰، مجلس شورای اسلامی شور نهایی درباره‌ی «طرح تأسیس، فعالیت و نظارت سازمان‌های مردم‌نهاد» (به‌اصطلاح قانون سازمان‌های غیردولتی) را شروع کرد ولی بعداً آن را کنار گذاشت. در صورت تصویب این لایحه، سازمان‌های جامعه‌ی مدنی با محدودیت‌های بسیار زیادی روبه‌رو خواهند شد، زیرا مقررات آن استقلال این سازمان‌ها را به‌شدت تهدید می‌کند.<sup>۶۸</sup>

آزار و اذیت منظم و بازداشت خودسرانه و طولانی‌مدت مدافعان حقوق بشر به خاطر عضویت در سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری ادامه یافته است.

### مدافعان حقوق بشر

جمهوری اسلامی در بند ۹۴ پاسخ‌هایش به پرسش ۲۳ کمیته‌ی حقوق بشر درباره‌ی تعداد مدافعان حقوق بشر و وکلای دادگستری زندانی از دادن جواب طفره رفته است.

### کانون مدافعان حقوق بشر

کانون مدافعان حقوق بشر را خانم شیرین عبادی، گیرنده‌ی جایزه‌ی صلح نوبل سال ۲۰۰۳ و چهار نفر از هم‌کارانش در سال ۱۳۸۳ تشکیل دادند. هر پنج عضو موسس و دیگر اعضای این کانون پیوسته در طی این

<sup>۶۷</sup>نگاه کنید به فعالان کارگری و سندیکایی

<sup>۶۸</sup>البته برای احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها و کانون و کلا قوانین دیگری وجود دارد

سال‌ها مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند.

خانم شیرین عبادی، که پس از انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۸ ناگزیر از اقامت در خارج از کشور شده بود در آذر ۱۳۸۹ به دادگاه انقلاب اسلامی احضار شد. کیفرخواستی که در محاکمه‌های نمایشی دسته‌جمعی در مرداد و شهریور ۱۳۸۸ علیه حدود ۱۰۰ متهم صادر شد شامل اتهام‌های سنگینی علیه خانم عبادی بود. دولت حساب‌های بانکی او و تمام دارایی‌هایش را مصادره و به بهای ناچیزی حراج کرد. همسر و خواهر او در سال ۱۳۸۸ به مدت یک ماه بازداشت شدند و همسر خانم عبادی وادار به انجام مصاحبه‌ی تلویزیونی و زدن اتهام به او شد.

خانم نرگس محمدی، سخن‌گو و نایب‌رییس کانون مدافعان حقوق بشر، در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۸۹ در خانه‌اش دستگیر شد و ۲۲ روز در حبس انفرادی ماند. محاکمه‌ی او در بهمن ۱۳۸۹ و خرداد ۱۳۹۰ برگزار شد. شعبه‌ی ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی در تاریخ ۵ مهر ۱۳۹۰ او را به اتهام گردهم‌آیی و تبانی علیه امنیت ملی، عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر و تبلیغ علیه جمهوری اسلامی به ۱۱ سال زندان محکوم کرد. به عنوان مدرک اثبات اتهام‌ها، حکم دادگاه از جمله به کوشش‌های او برای تشکیل شورای ملی صلح، کمیته انتخابات آزاد، سالم و عادلانه، کمپین اعدام بس کودکان، ملاقات وی با زندانیان سیاسی و نیز ملاقاتش با مهدی کروبی، اهدای تندیس تلاشگر حقوق بشر از سوی کانون مدافعان حقوق بشر به مرحوم آیت‌الله منتظری در آذر سال ۱۳۸۸، هم‌کاری با شیرین عبادی و تهیه‌ی گزارش از موارد نقض حقوق بشر در ایران استناد کرد. در این حکم، فعالیت‌های او به عنوان تلاش برای براندازی قلمداد شده است. در تاریخ ۹ آذر ۱۳۹۰ خانم محمدی هنوز با وثیقه آزاد بود اما در خطر دستگیری خودسرانه به سر می‌برد.

سه عضو موسس دیگر کانون مدافعان حقوق بشر بازداشت یا محاکمه و زندانی شده‌اند:

۱. محمد سیف‌زاده، وکیل دادگستری، ابتدا به ۹ سال زندان و ۱۰ سال منع از حرفه‌ی وکالت محکوم شد، اما این حکم به دو سال زندان کاهش پیدا کرد. در تاریخ ۹ آذر ۱۳۹۰ او هنوز در زندان بود.
۲. محمدعلی دادخواه، وکیل دادگستری، در تیر ۱۳۹۰ به ۹ سال زندان و ۱۰ سال منع از حرفه‌ی وکالت و تدریس در دانشگاه محکوم شد.
۳. عبدالفتاح سلطانی، وکیل دادگستری، که بارها دستگیر شده و ماه‌ها در بازداشت مانده، دوباره در ۱۹ شهریور ۱۳۹۰ بازداشت شد. در مهر ۱۳۹۰، بازجویان او را تهدید کردند که به اتهام مشارکت در تأسیس کانون مدافعان حقوق بشر، تبلیغ علیه نظام، گردهم‌آیی و تبانی علیه امنیت ملی و کسب مال نامشروع از طریق دریافت جایزه‌ی حقوق بشر شهر نورنبرگ در سال ۲۰۰۹ به ۲۰ سال زندان محکوم خواهد شد. در تاریخ ۹ آذر ۱۳۹۰، او هنوز در بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات در زندان اوین در بازداشت انفرادی به سر می‌برد.

اعضا و هم‌کاران دیگر کانون مدافعان حقوق بشر نیز مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند:<sup>۶۹</sup>

<sup>۶۹</sup> به علاوه نگاه کنید به نسرین ستوده در وکلای دادگستری

خانم مهناز پراکند، وکیل دادگستری، از بیم تعقیب در فروردین ۱۳۹۰ ناگزیر از ترک کشور شد. محمد شریف، یک وکیل دادگستری دیگر و استاد دانشگاه، در فروردین ۱۳۹۰ از دانشگاه اخراج شد. هادی اسماعیل زاده، وکیل دادگستری و استاد دانشگاه، در تیر ۱۳۹۰ به گردهم‌آیی و تبنانی به قصد ارتکاب جرایم امنیتی، عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر و تبلیغ علیه نظام متهم شد. او از دانشگاه نیز اخراج شد.

عبدالرضا تاجیک، روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر و هم‌کار کانون مدافعان حقوق بشر، در ۲۶ اسفند ۱۳۸۹، به اتهام تبلیغ علیه نظام، هم‌کاری با کانون مدافعان حقوق بشر، و هم‌کاری با گروه‌های مخالف به ۶ سال زندان محکوم شد. دادگاه تجدیدنظر در ۲۸ مهر ۱۳۹۰ حکم محکومیت او را تأیید کرد. در ۹ آذر ۱۳۹۰، او هنوز آزاد بود ولی در خطر دستگیری خودسرانه به سر می‌برد. او پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ سه بار دستگیر و بار سوم بیش از شش ماه در بازداشت مانده است. تاجیک در سال ۲۰۱۰ جایزه‌ی آزادی مطبوعات گزارشگران بدون مرز را دریافت کرد.

### کمیته گزارشگران حقوق بشر

کوهیار گودرزی، عضو کمیته‌ی گزارشگران حقوق بشر، در ۸ مرداد ۱۳۹۰ در تهران دستگیر و ناپدید شد و محل نگهداری او حداقل تا سه ماه نامعلوم بود. در اوایل آذر ۱۳۹۰ او گویا در بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات در زندان اوین به سر می‌برد. در ۹ آذر ۱۳۹۰، او به گردهم‌آیی و تبنانی برای ضربه‌زدن به امنیت ملی از طریق عضویت در کمیته‌ی گزارشگران حقوق بشر و تبلیغ علیه نظام از طریق مصاحبه با [مجله آلمانی] اشپیگل متهم شد. او پیش‌تر (آذر ۱۳۸۹ - ۱۳۸۸) یک سال در زندان بود. مادر او، خانم پروین مخترع، را چهار مامور امنیتی لباس شخصی، بدون نشان‌دادن برگ بازداشت خودسرانه در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۹۰ در خانه‌اش در کرمان دستگیر کردند. بنا به گزارش‌ها، او در شهریور ۱۳۹۰ محاکمه شده، اما در ۹ آذر ۱۳۹۰ هنوز در بازداشت به سر می‌برد.

سعید جلالی‌فر در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۹۰ دستگیر و در ۶ شهریور ۱۳۹۰ به سه سال زندان محکوم شد.



شیوا نظرآهاری

شیوا نظرآهاری در سال ۱۳۸۸ دو بار دستگیر شد و چندین ماه را در بازداشت گذراند. سپس به ۶ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد ولی دادگاه تجدیدنظر حکم محکومیت زندان او را به ۴ سال کاهش داد. او در ۹ آذر ۱۳۹۰ هنوز با وثیقه آزاد است اما در خطر دستگیری خودسرانه به سر می‌برد. نظرآهاری در عین حال عضو کمپین یک میلیون امضا است.<sup>۷۰</sup> نوید خانجانی در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۳۸۸ در اصفهان دستگیر شد و دو ماه در بازداشت و برای مصاحبه تلویزیونی زیر فشار قرار گرفت. پس از آن وی به ۱۲ سال زندان محکوم شد و این محکومیت در مرداد ۱۳۹۰ تأیید شد. در ۹ آذر ۱۳۹۰ او هنوز آزاد بود اما در خطر بازداشت خودسرانه به سر می‌برد.

<sup>۷۰</sup> نگاه کنید به نفی حق برابری زنان

## «مجموعه فعالان حقوق بشر» و «خانه‌ی حقوق بشر ایران»

۴۶ تن از فعالان این دو گروه در اسفند ۱۳۸۸ دستگیر شدند و تحت پیگرد قرار گرفتند. بعضی از آن‌ها حکم زندان خود را گذراندند یا حکم‌های تعلیقی دریافت کردند. بعضی دیگر با وثیقه آزاد هستند. برخی از این افراد که در ۹ آذر ۱۳۹۰ هنوز در حال گذراندن حکم محکومیت زندان بودند از این قرار هستند: ابوالفضل عابدینی نصر (۱۲ سال)؛<sup>۷۱</sup> محبوبه کرمی (۳ سال)؛ مهدی خدایی (۳ سال).

عبدالرضا احمدی، روزنامه‌نگار، فعال حقوق بشر و حقوق زنان، در خرداد ۱۳۹۰ به سه سال زندان محکوم شد و این حکم تأیید شد. او در خطر دستگیری خودسرانه به سر می‌برد. او در اسفند ۱۳۸۸ دستگیر شده و چهار ماه در بازداشت به سر برده بود.

### دیگر مدافعان حقوق بشر



عمادالدین باقی

عمادالدین باقی، مؤسس انجمن حمایت از حقوق زندانیان، از ۶ دی ۱۳۸۸ تا ۱ تیر ۱۳۸۹ در بازداشت بود. سپس در ۲۶ مرداد ۱۳۸۹ به ۶ سال زندان محکوم شد که در مرحله‌ی تجدیدنظر به ۱ سال کاهش پیدا کرد. او در تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۸۹ به زندان رفت اما در خرداد ۱۳۹۰ با حکم ۴ سال محرومیت از روزنامه‌نگاری و فعالیت سیاسی آزاد شد. باقی در دهه‌ی گذشته چندین بار به زندان رفته و در مجموع ۴/۵ سال در زندان به سر برده است. انجمن حمایت از حقوق زندانیان در شهریور ۱۳۸۸ بسته شد.

کیوان صمیمی بهبهانی، عضو انجمن دفاع از آزادی مطبوعات، عضو شورای ملی صلح، عضو کمیته‌ی تحقیق درباره‌ی بازداشت‌های خودسرانه و کمیته دفاع از حق تحصیل، در ۲۳ خرداد ۱۳۸۸ دستگیر شد. او به اتهام تبلیغ علیه نظام، گردهم‌آیی و تبانی برای اختلال در امنیت ملی، شرکت در تظاهرات و صدور اعلامیه در نفی سلامت انتخابات به شش سال زندان و ۱۵ سال محرومیت از فعالیت حرفه‌ی محکوم شده است. در ۹ آذر ۱۳۹۰ او هنوز در زندان دورافتاده‌ی رجایی‌شهر در بازداشت به سر می‌برد.

### وکلا‌ی دادگستری

در چند سال گذشته، جمهوری اسلامی به حمله به وکلای دادگستری ادامه داده است، به‌ویژه به وکلایی که از فعالان حقوق بشر و حقوق زنان، فعالان سندیکایی و دانش‌جویی و زندانیان عقیدتی دفاع می‌کنند، تا از تعداد وکلایی که حاضرند از قربانیان رویه‌های خودسرانه قوه قضاییه دفاع کنند، بکاهد. این وضعیت در عمل دفاع قانونی از فعالان حقوق بشر را تبدیل به جرم کرده است.<sup>۷۲</sup> چندین وکیل دادگستری خودسرانه بازداشت شده‌اند؛ وکلای دیگری با زندان و محرومیت از اشتغال به حرفه‌شان روبه‌رو شده‌اند؛ و عده‌بی نیز ناگزیر از کشور و از آزار و اذیت و بازداشت گریخته‌اند.

<sup>۷۱</sup> عابدینی نصر، فعال حقوق بشر و روزنامه‌نگار، ابتدا به ۱۱ سال زندان محکوم شد، اما در آبان ۱۳۹۰ به اتهام تبلیغ علیه نظام یک سال به حکم زندان او اضافه شد.

<sup>۷۲</sup> نگاه کنید به بیانیه‌ی مشترک فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر و جامعه‌ی دفاع از حقوق بشر در ایران، ۱۹ فروردین ۱۳۹۰

در طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۰، حداقل ۴۸ وکیل دادگستری<sup>۷۳</sup> به خاطر انجام حرفه‌ی‌شان با آزار و اذیت روبه‌رو بوده‌اند، از جمله بازداشت و محکومیت به زندان.

این عده عبارتند از: شیرین عبادی، نسرين ستوده، محمد سیف‌زاده، محمدعلی دادخواه، عبدالفتاح سلطانی، محمد شریف، هادی اسماعیل‌زاده، مهناز پراکند، مهدی معتمدی‌مهر، شادی صدر، کامبیز نوروزی، بهاره دولو، امیر ریسیان، اردشیر امیرارجمند، فرامرز عبدالهی‌نژاد، مصطفی شعبانی، محمدرضا عظیمی، فروغ میرزایی، وحید احمد فخرالدین، محمد اولیایی‌فر، محمد مصطفایی، محمدرضا رزاقی، جاوید هوتن‌کیان، سارا (هاجر) صباغیان، مریم کیان‌ارثی، مریم کرباسی، زرا قراچورلو، شهرانگیز ابوطالبی کهنه‌شهری، حسن سرچاهی، آرش کیخسروی، فرشید یداللهی، امیر اسلامی، مصطفی دانش‌جو، امید بهروزی، افشین کرم‌پور، احسان‌الله حیدری، مریم قنبری، خلیل بهرامیان، حسن یونسی، مائده قادری، باقر فرهادی، قاسم شعله‌سعدی، فاطمه تمیمی، علی‌رضا صفرزاده، شهره اسفندیارپور، نسیم غنوی، منیژه محمدی، هوشنگ پوربابایی.

### وکلاي دادگستري زنداني

علاوه بر ۲ وکیل دادگستری عضو کانون مدافعان حقوق بشر<sup>۷۴</sup> و ۵ وکیل مدافع درویشان،<sup>۷۵</sup> حداقل پنج وکیل دادگستری دیگر در حال حاضر در زندان به سر می‌برند:

- نسرين ستوده، وکیل سرشناس حقوق بشری که با دفاع از نوجوانان محکوم به مرگ، زندانیان عقیدتی، فعالان حقوق بشر از جمله شیرین عبادی (گیرنده‌ی جایزه‌ی صلح نوبل ۲۰۰۳) و کودکان قربانی تعدی شناخته شده است در ۱۳ شهریور ۱۳۸۹ خودسرانه بازداشت و در اوین زندانی شد. وی چند ماه در سلول‌های انفرادی بند ۲۰۹ در بازداشت بود. ستوده و خانواده‌اش مرتب در ملاقات‌های زندان مورد آزار قرار گرفته‌اند. او به علت استفاده‌نکردن از چادر در زندان از ۲۴ مهر ۱۳۹۰ سه هفته از ملاقات با خانواده‌اش محروم شد گرچه هیچ قانونی برای الزام زندانیان به استفاده از چادر وجود ندارد.
- ستوده در دی ۱۳۸۹ به اتهام «تبلیغ علیه نظام»، «تبانی و گردهم‌آیی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» و «عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر» به ۱۱ سال زندان و ۲۰ سال محرومیت از اشتغال به حرفه‌ی وکالت و ۲۰ سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد، اما این حکم در شهریور ۱۳۹۰ به ۶ سال زندان و ۱۰ سال محرومیت از اشتغال به حرفه‌ی وکالت کاهش یافت.
- به علاوه، او در ۳۰ فروردین ۱۳۹۰ به اتهام «رعایت‌نکردن حجاب» به ۵۰۰ هزار ریال جریمه‌ی نقدی محکوم شد چون در یک پیام ویدئویی خطاب به مراسم اعطای جایزه‌ی حقوق بشر در ایتالیا بدون روسری ظاهر شده بود.
- جاوید هوتن‌کیان، وکیل مدافع سکینه محمدی آشتیانی — متهم محکوم به سنگسار — در مهر

<sup>۷۳</sup> جزئیات مربوط به این عده در گزارش مشترک فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر و جامعه‌ی دفاع از حقوق بشر در ایران به تاریخ ۸ شهریور ۱۳۹۰ در اختیار گزارشگر ویژه‌ی حقوق بشر قرار گرفت.

<sup>۷۴</sup> نگاه کنید به کانون مدافعان حقوق بشر

<sup>۷۵</sup> نگاه کنید به دروایش

۱۳۸۹ بازداشت و به ۱۱ سال زندان محکوم شد.

- حسن سرچاهی در ۲۵ آذر ۱۳۸۹ به اتهام اقدام علیه امنیت ملی در تهران بازداشت و به ۲ سال زندان محکوم شد.
- حسن یونسی در بهمن ۱۳۸۹ در تهران بازداشت و پس از دو ماه آزاد شد؛ سپس به یک سال زندان و جریمه‌ی نقدی و ۵ سال محرومیت از اشتغال به وکالت محکوم شد. او در ۱۸ تیر ۱۳۹۰ برای گذراندن حکم محکومیت خود به زندان رفت.
- قاسم شعله‌سعدی در ۱۴ فروردین ۱۳۹۰ در فرودگاه تهران برای گذراندن حکم محکومیت یک سال زندان دستگیر شد. او چند سال پیش به خاطر نوشتن نامه‌ی انتقادی به رهبر محکوم شده بود. شعله‌سعدی پس از دستگیری مطلع شد که به اتهام تبلیغ علیه نظام، اهانت به رهبری و ریاست جمهوری به یک سال دیگر در زندان و ۱۰ سال محرومیت از اشتغال به وکالت و تدریس در دانشگاه محکوم شده است. شعله‌سعدی در سال ۱۳۸۲ برای گذراندن حکم محکومیت زندان دستگیر شده و پس از ۳۷ روز به علت فلج ناقص بدن آزاد شده بود. او به علت شکنجه در زندان دچار آسیب نخاعی شده است.

حداقل دو وکیل دادگستری نیز بازداشت شدند، اما اطلاع بیش‌تری درباره‌ی آن‌ها در دست نیست.

- محمدرضا عظیمی در تاریخ ۲۸ تیر ۱۳۸۸ در تهران بازداشت شد.
- باقر فرهادی در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۹۰ در نزدیکی شیراز به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و مجروح و پس از آن بازداشت شد.

## نویسندگان

نویسندگان<sup>۷۶</sup> پیوسته از آزادی بیان، گردهم‌آیی و تشکل محروم بوده و در چند دهه‌ی اخیر همواره به خاطر نوشته‌هایشان مورد آزار و پیگرد قرار گرفته‌اند. چندین نویسنده، از جمله جعفر پوینده، محمد مختاری و مجید شریف، در قتل‌های زنجیره‌ی روشنفکران به دست ماموران وزارت اطلاعات در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ جان خود را از دست دادند. در ظرف دهه اخیر، چند تن از نویسندگان، از جمله چندین عضو کانون نویسندگان ایران، ناگزیر از خروج از ایران شدند. نویسندگان دیگری تحت پیگرد قضایی یا از طریق محرومیت از انتشار کتاب‌هایشان تحت فشار قرار گرفتند. یعقوب یادعلی در ۲۴ اسفند ۱۳۸۵ در شهر یاسوج دستگیر شد و به اتهام توهین، افترا و اشاعه‌ی اکاذیب در دو اثر داستانی خود ۴۱ روز در بازداشت به سر برد. دادستان در کیفرخواست خود بخش‌هایی از رمان او را نقل کرد. یادعلی در تاریخ ۱ شهریور ۱۳۸۶ محاکمه و سپس به اتهام نشر اکاذیب و توهین به قصد تشویش اذهان به یک سال زندان محکوم شد و دادگاه ۹ ماه از این یک سال را به مدت ۲ سال با شرط انتشار ۴ مقاله

<sup>۷۶</sup> نگاه کنید به کانون نویسندگان ایران

به هزینه‌ی نویسنده درباره‌ی شخصیت‌های فرهنگی هنری محلی در نشریه‌های استان تعلیق کرد.

هوشنگ مظاهری، نویسنده، به خاطر کتابی با عنوان «اصفهان، شهر چهره‌های جهانی» در اوایل آبان ۱۳۸۶ در اداره‌ی اطلاعات اصفهان بازداشت شد. این کتاب که با اجازه‌ی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده بود چند ماه پیش از آن جمع‌آوری و خمیر شده بود. او با اتهام‌هایی از جمله تبلیغ علیه نظام، اهانت به مقدسات، توهین به امام و رهبری، نشر اکاذیب و هجو و انتقاد از روحانیت روبه‌رو بود. مظاهری در فروردین ۱۳۸۷ با وثیقه آزاد شد.

یوسف عزیزی بنی طرف، نویسنده، روزنامه‌گار و مترجم از اقلیت عرب‌زبان در جنوب ایران، پس از این که در مرداد ۱۳۸۷ به ۵ سال زندان محکوم و محکومیت او در آبان ۱۳۸۸ در دادگاه تجدیدنظر تأیید شد، به انگلستان پناهنده شد. جواد ماهزاده، نویسنده، در ۲۹ مهر ۱۳۸۸ به دلایل نامعلوم دستگیر و به ۴ سال زندان محکوم شد که دادگاه تجدیدنظر آن را تأیید کرد. با وجود این، او در ۳ آذر ۱۳۸۹ آزاد شد.<sup>۷۷</sup>

## مطبوعات، روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نگاران

کمیته‌ی حقوق بشر در پرسش ۲۴ از جمهوری اسلامی ایران درباره‌ی تعداد روزنامه‌های تعطیل‌شده پس از سال ۲۰۰۸، تعداد روزنامه‌نگاران، هنرمندان و سینماگران بازداشت و دستگیر شده در پی انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۸ سوال کرده است.

قانون مطبوعات تنها قانونی است که به‌صراحت از اتهام ارتداد نام می‌برد و اعلام می‌کند که «حکم ارتداد در حق [مجرم] صادر و اجرا» خواهد شد (ماده‌ی ۲۶). ارتداد و مجازات آن در قانون مجازات اسلامی و قوانین دیگر وجود ندارد. اما متن‌های فقهی مجازات ارتداد را مرگ می‌دانند.

### روزنامه‌های توقیف‌شده

در پاسخ به پرسش ۲۴، جمهوری اسلامی ایران در بند ۹۴ پاسخ‌هایش تنها به بسته‌شدن ۸ نشریه و روزنامه از سال ۲۰۰۸ اشاره کرده است.

در ده سال گذشته، ده‌ها روزنامه و مجله سراسری یا محلی توقیف شده‌اند. بنا به گزارش‌ها، ۲۴ نشریه در سال ۱۳۸۷ بسته شدند. ۳۴ نشریه در سال ۱۳۸۵ و ۲۸ نشریه در سال ۱۳۸۶ ممنوع شده بودند. در غالب موارد، بعضی از روزنامه‌نگاران این نشریات بازداشت و بعداً محاکمه شدند. در این جا به چند نمونه روزنامه‌ها و نشریه‌های تعطیل‌شده در دهه‌ی گذشته اشاره می‌کنیم:

<sup>۷۷</sup> نیز نگاه کنید به قانون نویسندگان ایران



روزنامه: جامعه، نشاط، صبح امروز، خرداد، فتح، نوروز، یاس نو، دوران، وقایع اتفاقیه، بنیان، اخبار اقتصادی، مشارکت، اعتماد ملی، سرمایه، کارگزاران، هم‌میهن، صدای عدالت، آینده‌ی نو، اندیشه‌ی نو.

نشریات ادواری: آدینه، دنیای سخن، جامعه‌ی سالم، پیام امروز، صنعت حمل‌ونقل، زنان، آفتاب، شهروند امروز، ایراندخت، فرهنگ آشتی، راه آینده، آسو (گردی)، پیام مردم کردستان (گردی)، روزه هلات (گردی)، دیلماج (ترکی آذری)، تمدن هرمزگان، حدیث قزوین، سلام جنوب، سفیر دشتستان، عصر پنج‌شنبه.

## روزنامه‌نگاران

جمهوری اسلامی ایران از جواب مشخص به پرسش ۲۴ درباره‌ی روزنامه‌نگاران دستگیر شده طفره رفته است (بند ۹۵ پاسخ‌های جمهوری اسلامی ایران).

در پی انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۸، صدها روزنامه‌نگار، وبلاگ‌نگار و نویسنده دستگیر، بازداشت و زندانی شدند یا ناگزیر کشور را ترک کردند. یک روزنامه‌نگار به نام علی‌رضا افتخاری در اثر ضرباتی به جمجمه اش در روز ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ کشته شد. روزنامه‌نگاران دیگری خودسرانه بازداشت شدند و مورد بدرفتاری قرار گرفتند و ماه‌ها بدون اتهام در بازداشت ماندند.

در ۹ آذر ۱۳۹۰، حداقل ۴۳ روزنامه‌نگار و وبلاگ‌نگار به علت اشتغال به حرفه‌شان در زندان به سر می‌بردند. بعضی از آن‌ها به زندان‌های طولانی مدت و محرومیت از اشتغال به حرفه محکوم شده‌اند و بعضی دیگر بدون محاکمه در بازداشت به سر می‌برند.<sup>۷۸</sup>

- در رویدادی اندوه‌بار، سیامک پورزند، روزنامه‌نگار و منقد فرهنگی قدیمی، در سن ۸۰ سالگی در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۹۰ پس از هفت سال حبس و انزوای خانگی در تهران خودکشی کرد. پورزند در ۲ آذر ۱۳۸۰ دستگیر و پس از شکنجه‌های جسمانی و روانی به اتهام به‌خطرانداختن امنیت ملی به ۱۱ سال زندان محکوم شد. او در سال ۱۳۸۳، پس از مرخصی از زندان برای درمان، اجازه‌ی سفر به خارج برای رسیدگی پزشکی و پیوستن به خانواده‌اش را نیافت.

## نشر کتاب

نشر کتاب با سانسور شدیدی روبه‌رو بوده است. بعضی از کتاب‌ها چندین سال برای دریافت اجازه‌ی نشر در انتظار به سر می‌برند و سرانجام نیز این اجازه دریغ می‌شود. بعضی کتاب‌های دیگر، به‌ویژه رمان‌ها، تنها به شرط حذف فصل‌ها یا بندها و جمله‌های متعدد اجازه‌ی نشر می‌یابند و این کار اغلب باعث نامفهوم‌شدن داستان‌ها می‌شود.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نه تنها اجازه‌ی نشر به بسیاری از کتاب‌ها نمی‌دهد بلکه در سال‌های اخیر برای چاپ دوم یا سوم تعدادی از کتاب‌ها از جمله بسیاری از آثار ترجمه‌شده از زبان‌های دیگر اجازه صادر نکرده است. جمهوری اسلامی در بهمن ۱۳۸۹ رسماً ۱۰ ناشر مستقل و خصوصی را ممنوع اعلام کرد.

<sup>۷۸</sup> نگاه کنید به پیوست ۲: فهرست ناکاملی از روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نگاران زندانی

## هنرمندان

با وجود پرسش مشخص شماره ۲۴ کمیته‌ی حقوق بشر، در پاسخ‌های جمهوری اسلامی ایران هیچ اشاره‌ی به هنرمندان یا سینماگران به چشم نمی‌خورد. در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۸، سینماگران و بازیگران و نیز عکاسان بازداشت یا زندانی شده‌اند. افراد زیر از این جمله هستند:

- جعفر پناهی، سینماگر سرشناس بین‌المللی که جوایزی نیز دریافت کرده، در اسفند ۱۳۸۸ دستگیر شد و سه ماه در بازداشت به سر برد و سپس در آذر ۱۳۸۹ به ۶ سال زندان و ۲۰ سال محرومیت از تمام فعالیت‌های حرفه‌یی، عمومی و اجتماعی شامل ساختن فیلم، نوشتن فیلم‌نامه، سفر به خارج و مصاحبه با رسانه‌های داخلی و خارجی محکوم شد. بنا به گزارش‌ها، دادگاه تجدیدنظر حکم محکومیت او را در اواخر مهر ۱۳۹۰ تأیید کرد.
- محمد رسول‌اف، سینماگر برجسته‌ی دیگر، نیز در اسفند ۱۳۸۸ دستگیر شد و سه ماه در بازداشت به سر برد و سپس به ۶ سال زندان محکوم شد. بنا به گزارش‌ها، حکم محکومیت زندان او در اواخر مهر ۱۳۹۰ به یک سال کاهش یافت.
- محمد نوری‌زاد، کارگردان و روزنامه‌نگار، در آذر ۱۳۸۹ دستگیر و به سه سال و نیم زندان و ۵۰ ضربه شلاق محکوم شد. او در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۰ آزاد شد.
- محمدعلی شیرزادی، فیلم‌ساز مستند، در آذر ۱۳۸۸ دستگیر و در ۴ تیر ۱۳۸۹ آزاد شد.
- مهرانه آتشی، عکاس شناخته‌شده‌ی بین‌المللی، در دی ۱۳۸۸ دستگیر و در اسفند ۱۳۸۸ با وثیقه آزاد شد.
- مهناز محمدی، فیلم‌ساز مستند، در ۵ تیر ۱۳۹۰ بازداشت و در ۵ تیر ۱۳۹۰ با وثیقه آزاد شد.
- مریم مجد، عکاس ورزشی، در ۲۷ خرداد ۱۳۹۰ در راه آلمان برای عکاسی در جام جهانی فوتبال زنان بازداشت و در ۲۷ تیر ۱۳۹۰ با وثیقه آزاد شد.
- پگاه آهنگرانی، بازیگر، در راه آلمان برای نوشتن وبلاگی برای دویچه وله درباره‌ی جام جهانی فوتبال زنان در ۱۹ تیر ۱۳۹۰ بازداشت و در ۵ مرداد ۱۳۹۰ با وثیقه آزاد شد.
- مرضیه وفامهر، بازیگر و فیلم‌ساز مستند، به اتهام ایفای نقش بدون بر سر داشتن روسری در سال ۱۳۸۷ در فیلمی که دارای مجوز قانونی بود (تهران من حراج) در اواسط تیر ۱۳۹۰ خودسرانه بازداشت شد. بر اساس گزارش‌ها در تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۹۰، او به یک سال زندان و ۹۰ ضربه شلاق محکوم شد، در ۱ آبان ۱۳۹۰ با وثیقه آزاد شد و در انتظار نتیجه‌ی تجدیدنظر به سر می‌برد.
- چندین فیلم‌ساز مستند به اتهام هم‌کاری با بی بی سی در شهریور ۱۳۹۰ بازداشت شدند. این عده عبارت هستند از: مجتبی میرطهماسب، هادی آفریده، کتایون شهابی، ناصر صفاریان، محسن شهرنازدار و مهران زینت‌بخش. در نیمه‌ی دوم آبان ۱۳۹۰ همه‌ی آن‌ها با وثیقه آزاد شده بودند، به استثنای مجتبی میرطهماسب که در ۹ آذر هنوز در بازداشت بود.
- رامین پرچمی، بازیگر، در ۲۵ بهمن ۱۳۸۹ دستگیر شد و از آن پس حکم محکومیت ۲ سال زندان را می‌گذراند.

## ۱ - منع آزادی گردهم‌آیی و تشکل

مواد ۲۱ و ۲۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آزادی گردهم‌آیی مسالمت‌آمیز و آزادی تشکل را به رسمیت می‌شناسند.

### گردهم‌آیی و تشکل

کارنامه‌ی جمهوری اسلامی در زمینه‌ی آزادی گردهم‌آیی و تشکل سیاه است.<sup>۷۹</sup> برای تظاهرات و گردهم‌آیی‌های غیردولتی باید از وزارت کشور درخواست مجوز کرد که هرگز چنین اجازه‌یی را صادر نمی‌کند.

### کانون نویسندگان ایران

نویسندگان پیوسته از آزادی گردهم‌آیی و تشکل محروم بوده‌اند. کانون نویسندگان ایران ۴۰ سال پیش تشکیل شد. جمهوری اسلامی همواره از ثبت آن خودداری کرده است و این کانون در ۸ سال گذشته از برگزاری گردهم‌آیی محروم بوده و نتوانسته مجمع عمومی خود را برگزار کند.

منیژه نجم عراقی، نویسنده و مترجم و منشی هیأت دبیران کانون نویسندگان ایران، در ۲۴ مهر ۱۳۸۹ به مدت سه روز بازداشت و سپس در اردیبهشت ۱۳۹۰ به ۱ سال زندان محکوم شد.

فریبرز رئیس‌دانا، عضو هیات دبیران کانون نویسندگان، در ۲۷ آذر ۱۳۸۹ تنها یک ساعت پس از مصاحبه با بخش فارسی بی بی سی و انتقاد شدید از سیاست‌های اقتصادی دولت بازداشت و در ۲۷ دی ۱۳۸۹ با وثیقه آزاد شد. او در خرداد ۱۳۸۹ به اتهام عضویت در کانون نویسندگان، مصاحبه با بی بی سی و صدای امریکا و تبلیغ علیه نظام به یک سال زندان محکوم شد.

### فعالان کارگری و سندیکایی

پرسش ۲۷ کمیته‌ی حقوق بشر از جمهوری اسلامی ایران درباره‌ی به کارگیری زور علیه اعتراض‌های عمومی کارگران بود، اما جمهوری اسلامی ایران جوابی به این سوال نداده است.

از سال ۱۳۵۷ که رژیم اسلامی به قدرت رسیده است، کارگران پیوسته از حق تشکیل اتحادیه‌های آزاد و مستقل محروم بوده‌اند و رفتار با فعالان سندیکایی مستقل خشونت‌آمیز بوده است. در سال‌های اخیر، تعدادی از فعالان سندیکایی به تشکیل اتحادیه‌های مستقل از دولت پرداخته و برای این فعالیت‌های خود بهای سنگینی پرداخت کرده‌اند.

<sup>۷۹</sup> نگاه کنید به گروه‌های زنان در نفی حق برابری زنان

## سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

- منصور اسالو (نیز مشهور به اسالو / اصالو)، رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در تیر ۱۳۸۶ به اتهام «تبلیغ» و «فعالیت علیه نظام» حکم محکومیت ۵ سال زندان خود را در رجایی‌شهر که زندانی دورافتاده با شرایط بسیار بد است، شروع کرد. در ۱۰ مرداد ۱۳۸۹، شعبه ۱ دادگاه انقلاب اسلامی او را به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال زندان دیگر محکوم کرد. اسالو در زندان سلامتی خود را از دست داد و بنا به گزارش‌ها چند بار دچار حمله قلبی و به بیمارستان منتقل شد، اما بازجویان وزارت اطلاعات هر بار از ادامه‌ی معالجه او جلوگیری کردند و او را به زندان بازگرداندند. علاوه‌براین، اسالو پس از سخنرانی در جمع زندانیان عقیدتی حاضر در مجلس ترحیم یکی از زندانیان سیاسی اعدام‌شده به نام علی صارمی یک هفته به سلول انفرادی افتاد.

در تاریخ ۱ تیر ۱۳۸۹، عروس باردار اسالو در پی حمله‌ی ماموران وزارت اطلاعات در خیابان که آشکارا به قصد تلافی فعالیت‌های حقوق بشری پدر شوهرش بود، سقط جنین کرد. برادر او، افشین اسالو، که هیچ‌گاه در فعالیت‌های سندیکایی یا سیاسی شرکت نداشته، در اوایل دی ۱۳۸۹ دستگیر شد و پس از شکنجه شدید به پنج سال زندان محکوم شد که در آبان ۱۳۹۰ مورد تأیید قرار گرفت. منصور اسالو از خرداد ۱۳۹۰ در مرخصی از زندان به سر می‌برد.

- ابراهیم مددی، نایب‌رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی، که در آذر ۱۳۸۷ به ۳/۵ سال زندان محکوم شد در ۹ آذر از زندان به مرخصی رفت.

- رضا شهابی، خزانه‌دار و عضو هیات مدیره‌ی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی، در ۲۲ خرداد ۱۳۸۹ بدون اتهام به دستور وزارت اطلاعات دستگیر شد. در ۹ آذر ۱۳۹۰، او هنوز بدون محکومیت به زندان در بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات در زندان اوین به سر می‌برد. او دچار مشکلات قلبی و کبدی و انحراف مهره‌های گردن است که باید مورد عمل جراحی قرار گیرد؛ در غیر این صورت ممکن است از طرف چپ بدن دچار فلج ناقص شود. او در اعتراض به محرومیت از درمان و تداوم بازداشت بدون محاکمه پس از ۱۸ ماه، از ۳۰ آبان ۱۳۹۰ دست به اعتصاب غذا زد. بازجویان شهابی نشان داده‌اند که با ادامه‌ی بازداشت بدون محاکمه و محرومیت از درمان قصد دارند او را در هم بشکنند.

- غلام‌رضا غلام‌حسینی، عضو دیگر سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی، در ۱۲ آبان ۱۳۸۹ دستگیر و پس از چند ماه در ۷ اردیبهشت ۱۳۹۰ با وثیقه آزاد شد و در انتظار محاکمه به سر می‌برد.

## سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

- رضا رخشان، رئیس این سندیکا، پس از گذراندن ۶ ماه زندان در خرداد ۱۳۹۰ آزاد شد.
- علی نجاتی، رئیس پیشین سندیکا، در ۲۱ آبان ۱۳۹۰ برای گذراندن حکم محکومیت یک سال زندان به خاطر فعالیت‌های سندیکایی به زندان دزفول رفت، گرچه در سال‌های گذشته به همان

اتهام شش ماهه را در زندان گذرانده و پس از ۲۵ سال از کار اخراج شده بود. او اخیراً تحت عمل جراحی قلب قرار گرفته است و به عقیده پزشکان برای گذراندن حبس از شرایط جسمانی لازم برخوردار نیست.

- چندین عضو دیگر سندیکا، به نام‌های جلیل احمدی، فریدون نیکوفر، قربان علی‌پور و محمد حیدری‌مهر، از آبان ۱۳۸۸ به بعد محکومیت‌هایی به مدت چهار تا شش ماه را در زندان گذراندند.

### دیگر فعالان کارگری

پنج فعال سندیکایی به عنوان یک گروه بدون داشتن وکیل مدافع به اتهام‌های «تبلیغ علیه نظام و عضویت در گروه مخالف نظام» در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۹۰ در دادگاه انقلاب اسلامی تبریز مورد محاکمه قرار گرفتند. تنها یکی از آن‌ها به نام بیوک سیدلر تبرئه شد. چهار نفر دیگر در مرداد و مهر ۱۳۹۰ با وثیقه آزاد شدند. حکم‌های محکومیت این عده به تاریخ ۳۰ آبان ۱۳۹۰ در دادگاه تجدیدنظر به شرح زیر تأیید شد و اکنون آن‌ها در خطر بازداشت خودسرانه به سر می‌برند.

- شاهرخ زمانی، عضو هیات موقت بازگشایی سندیکای نقاشان که در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۹۰ دستگیر شده بود، محکوم به ۱۱ سال زندان؛
- محمد جراحی، فعال سندیکایی و عضو «کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل‌های کارگری» که در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۹۰ دستگیر شد، محکوم به ۵ سال زندان؛
- نیما پور یعقوب و ساسان واهی‌وش، فعالان دانش‌جویی، به ترتیب محکوم به ۶ سال و ۶ ماه زندان.
- بهنام ابراهیم‌زاده، فعال سندیکایی و عضو «کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل‌های کارگری» و فعال حقوق کودک، در ۲۲ خرداد ۱۳۸۹ دستگیر و بعداً به اتهام گردهم‌آیی و تبانی علیه نظام به ۲۰ سال زندان محکوم شد. در اوایل آبان ۱۳۹۰ دادگاه تجدیدنظر حکم او را به پنج سال زندان کاهش داد.

### کانون‌های معلمان

- هاشم خواستار، یکی از اعضای برجسته‌ی کانون معلمان مشهد، پس از گذراندن حکم محکومیت دو سال زندان به اتهام «اقدام علیه امنیت کشور» در زندان وکیل آباد مشهد، در شهریور ۱۳۹۰ آزاد شد.
- رسول بُداغی (یا بُدافی)، یکی از رهبران کانون مستقل معلمان، در شهریور ۱۳۸۸ دستگیر و به ۶ سال زندان و ۵ سال محرومیت از فعالیت‌های مدنی محکوم شد که در دی ۱۳۸۹ تأیید گردید. در ۹ آذر ۱۳۹۰ او هنوز حکم محکومیت خود را در زندان رجایی‌شهر می‌گذراند.
- عبدالرضا قنبری، یکی از فعالان کانون معلمان، که در تاریخ ۶ دی ۱۳۸۸ در محل کار خود دستگیر شد، به اتهام ارتباط با گروه‌های مخالف در خارج به مرگ محکوم شد و در ۹ آذر ۱۳۹۰ هنوز در انتظار نتیجه تجدیدنظر به سر می‌برد.
- یکی دیگر از اعضای این کانون، معلمی کُرد به نام فرزاد کمانگر، به هم‌کاری با گروه‌های مخالف کُرد

متهم و در اردیبهشت ۱۳۸۹ اعدام شد.

### انجمن صنفی روزنامه‌نگاران

این انجمن به ثبت قانونی رسیده است، اما مقامات جمهوری اسلامی پس از انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۸۸ آن را ممنوع کردند. علاوه بر تعداد زیادی از اعضا آن، چندین نفر از اعضای هیات مدیره آن نیز بازداشت، محاکمه و به زندان‌های طولانی مدت محکوم شده‌اند.

- بدرالسادات مفیدی، روزنامه‌نگار با سابقه و دبیر انجمن، در روز ۸ دی ۱۳۸۸ بازداشت و در ۱۶ خرداد ۱۳۸۹ با وثیقه آزاد شد. او که به اتهام اقدام علیه امنیت و تبلیغ علیه نظام محاکمه و به ۶ سال زندان و ۵ سال محرومیت از کار روزنامه‌نگاری محکوم شد، در حال حاضر آزاد است و در انتظار نتیجه تجدیدنظر به سر می‌برد.
- ماشاءالله شمس‌الواعظین، نایب‌رئیس انجمن و نیز سخن‌گوی انجمن دفاع از آزادی مطبوعات، در ۸ دی ۱۳۸۹ بازداشت شد و دو ماه در زندان ماند. سپس به اتهام تبلیغ علیه نظام و توهین به ریاست‌جمهوری به ۱۶ ماه زندان محکوم شد. بر اساس گزارش‌هایی در نیمه‌ی دوم تیر ماه ۱۳۹۰، او برای گذراندن حکم محکومیت خود به زندان احضار شد. شمس‌الواعظین در دهه‌ی اخیر پنج بار زندانی شده است.

### دانش‌جویان

پرسش ۲۹ کمیته‌ی حقوق بشر از جمهوری اسلامی ایران به طور مشخص این بود: «لطفا توضیح بدهید چرا در ظرف دو سال و نیم پیش از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸، در حدود ۲۰۰ دانش‌جو بازداشت شدند و حداقل ۱۶۰ دانش‌جو از تحصیل معلق یا از دانشگاه اخراج شدند. لطفا اطلاع دهید چه تعداد دانش‌جو در زمان انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ و پس از آن دستگیر و بازداشت شده‌اند.»

جمهوری اسلامی ایران در بند ۱۰۳ پاسخ‌ها مدعی شد:

پرسش‌های کمیته خیلی کلی است و در بعضی موارد نکات مبهمی مطرح شده است.

### حمله به خوابگاه‌ها

ماموران لباس‌شخصی امنیتی، اعضای یگان‌های ویژه‌ی نیروی انتظامی و نیز یگان‌های ویژه‌ی سپاه پاسداران در پی انتخابات ریاست‌جمهوری در خرداد ۱۳۸۸ با خشونت به بعضی از خوابگاه‌های دانش‌جویی در تهران، اصفهان و شیراز حمله و آن‌ها را تخریب کردند. در نتیجه‌ی این حمله، ۵ دانش‌جو در تهران، دو دانش‌جو در اصفهان و دو دانش‌جو نیز در شیراز کشته شدند. در خوابگاه دانشگاه تهران، ۱۰۰ دانش‌جو دستگیر شدند. اما دادگاه‌های نظامی به جای تحقیق درباره‌ی حمله‌ها و قتل‌ها، ۴۰ نفر از دانش‌جویان شاکی را محاکمه و در

اردیبهشت ۱۳۹۰ آن‌ها را به مجازات‌هایی از جریمه‌ی نقدی تا شلاق و حکم‌های محکومیت به زندان بین ۳ تا ۱۰ ماه محکوم کردند. چند تن از دانش‌جویان در تظاهرات اعتراضی یا بازداشت جان خود را از دست داده‌اند. صدها دانش‌جو در سراسر کشور از دانشگاه‌ها اخراج و از ادامه‌ی تحصیل محروم شده‌اند.

### فعالان دانش‌جویی

گروه‌های مستقل دانش‌جویی، مثل دفتر تحکیم وحدت، و فعالان دانش‌جویی به‌ویژه پس از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ با تعقیب و سرکوب شدید روبه‌رو بوده‌اند.

گستره‌ی مخالفت جنبش دانش‌جویی با رژیم و سرکوب شدید این جنبش، کار گردآوری تمام جزییات را بسیار مشکل کرده است. افراد زیر تنها چند تن از دانش‌جویانی هستند که در حال حاضر حکم محکومیت زندان خود را می‌گذرانند:

- بهاره هدایت، دانش‌جو و فعال حقوق زن، ۱۰ سال، از ۱۰ دی ۱۳۸۸
- مجید توکلی، که در سال‌های اخیر چند بار بازداشت شده است، ۸/۵ سال، از دی ۱۳۸۸
- فرزاد مددزاده و خواهرش شبینم مددزاده، ۵ سال به اتهام محاربه، از ۲ اسفند ۱۳۸۷
- ضیا نبوی، عضو شورای دفاع از حق تحصیل، ۱۰ سال به اتهام محاربه، از ۲۴ خرداد ۱۳۸۸، پس از بازداشت طولانی و شکنجه
- عاطفه نبوی (دخترعموی ضیا نبوی)، ۴ سال به اتهام محاربه، از ۲۴ خرداد ۱۳۸۸
- یاسر گلی، دانش‌جوی گُرد، ۱۵ سال
- حسین رونقی ملکی، ۱۵ سال
- حامد روحی‌نژاد، ۱۱ سال
- مجید دری، ۶ سال
- حسن اسدی زیدآبادی، ۵ سال
- علی‌رضا آشوری، ۵ سال
- پویا قربانی، ۶ سال
- مهدی خدایی، ۴ سال
- علی عجمی، ۴ سال
- مهدیه گلرو، ۲/۵ سال
- علی‌اکبر محمدزاده، ۶ سال
- امید کوبی، از ۱۰ بهمن ۱۳۸۹ در بازداشت

### احزاب و گروه‌های سیاسی

بسیاری از احزاب و سازمان‌های سیاسی مخالف بیش از سه دهه است که ممنوع شده‌اند، اما دولت‌مردان ایرانی حتا سازمان‌ها و احزاب منتقد را که به صورت نیمه‌رسمی فعالیت می‌کردند تحمل نکرده‌اند. این سازمان‌ها و احزاب سرکوب شده‌اند، اعضای آن‌ها نیز مورد اذیت و آزار قرار گرفته، بازداشت یا زندانی شده‌اند.

## نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری

ماموران امنیتی آقایان میرحسین موسوی و مهدی کروبی، نامزدهای پیشین ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸، و همسران آنها خانم‌ها زهرا رهنورد و فاطمه کروبی را در تاریخ ۹ اسفند ۱۳۸۹ در اقدامی که ناپدیدشدن قهری محسوب می‌شود، به مکان نامعلومی منتقل کردند. در اواسط مرداد ۱۳۹۰، آقای کروبی را از همسرش جدا و به آپارتمان کوچکی با نگهبانان امنیتی بردند. از آن پس تا اوایل آذر ۱۳۹۰، به استثنای ملاقاتی کوتاه، از وضعیت و محل نگهداری او اطلاعی در دست نبوده است. در اوایل آذر، هنوز از وضعیت و محل آقای موسوی و خانم رهنورد اطلاعی در دست نبود.

سلامت جسمانی هر دو نامزد ریاست جمهوری و فشار روزافزون بر آنها برای 'اعتراف به اشتباهاتشان در برابر دوربین تلویزیون باعث نگرانی‌هایی شده است. فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران در اسفند ۱۳۸۹ در این زمینه شکایتی را به گروه تحقیق سازمان ملل درباره‌ی ناپدید شدن‌های قهری یا ناخواسته تسلیم کردند. این گروه تحقیق در پاسخی به تاریخ ۴ سپتامبر ۲۰۱۱ (۱۳ شهریور ۱۳۹۰) اظهار کرد که پس از مکاتبه با دولت ایران در تاریخ ۴ آوریل ۲۰۱۱ (۱۵ فروردین ۱۳۹۰) هنوز جوابی از دولت دریافت نکرده است.

## نهضت آزادی ایران

رهبر نهضت آزادی ایران، ابراهیم یزدی، ۷۸ ساله و وزیر خارجه‌ی پیشین، است که در خرداد ۱۳۸۸ از روی تخت بیمارستان به مدت ۷۲ ساعت به بازداشت‌گاه منتقل شد. او سپس در دی ۱۳۸۸ به مدت دو ماه بازداشت و برای عمل جراحی قلب آزاد شد. او برای بار سوم در مهر ۱۳۸۹ بازداشت شد و شش ماه در بازداشت ماند تا این که در اسفند ۱۳۸۹ آزاد شد. وی در ۱۱ آبان ۱۳۹۰ به اتهام گردهم‌آیی و تبانی علیه امنیت کشور، فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و تأسیس و هدایت نهضت آزادی ایران در دادگاه حاضر شد، اما صلاحیت قانونی دادگاه را رد کرد و حاضر نشد از خود دفاع کند.

چندین عضو نهضت آزادی ایران هم اکنون در زندان هستند و چندتن از آنها به حکم زندان محکوم شده اند، از جمله عماد بهاور (۱۰ سال)، محسن محقق (۴ سال)، فرید طاهری (۳ سال)، امیر خرم (۶ سال) و لیلا توسلی (۲ سال). سارا توسلی نیز به ۶ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده است. محمد توسلی، یکی دیگر از اعضای ارشد نهضت آزادی، و غفار فرزندی، از اعضای ارشد نهضت آزادی در منطقه‌ی آذربایجان، در تاریخ‌های ۱۲ آبان و ۳ آذر ۱۳۹۰ بازداشت شدند.

## ائتلاف ملی مذهبی

این ائتلاف یکی دیگر از گروه‌هایی است که اعضای آن پیوسته مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. رهبر این گروه، عزت‌الله سبحانی (که در خرداد ۱۳۸۹ درگذشت)، تقی رحمانی،<sup>۸۰</sup> رضا علیجانی و هدی صابر در طی دهه گذشته چندین بار بازداشت و پس از گذراندن دوره‌های طولانی — از چند ماه تا ۲ سال — آزاد شده‌اند.

<sup>۸۰</sup> تقی رحمانی، همسر نرگس محمدی (سخن‌گوی کانون مدافعان حقوق بشر) هم‌کاری نزدیکی با این کانون داشته است و بنا بود در سال ۱۳۸۷ جایزه‌ی کانون را به مناسبت شصتمین سال گشت اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر دریافت کند که کانون در همان زمان بسته شد.



هدی صابر پس از یک هفته اعتصاب غذا در روز ۲۰ خرداد ۱۳۹۰ در زندان اوین تهران درگذشت. در شهادت‌نامه‌یی که در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۹۰ منتشر شد، ۶۴ تن از زندانیان سیاسی که همگی از هم‌بندان هدی صابر بودند، اعلام کردند که هدی صابر پس از احساس درد در ناحیه‌ی سینه و اختلال در سیستم گوارشی «در ساعت چهار بامداد جمعه ۲۰ خردادماه به بهداری مستقر در زندان اوین جنب بند ۳۵۰ منتقل شد اما دو ساعت بعد درحالی‌که از درد به خود می‌پیچید به بند بازگردانده شد و گفت در بهداری مورد ضرب و شتم و توهین قرار گرفته» است.

از اعضای دیگر این ائتلاف، امیرخسرو دلیرثانی حکم ۴ سال زندان خود را می‌گذراند و علی‌رضا رجایی، روزنامه‌نگار، به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از تاریخ ۴ اردیبهشت ۱۳۹۰ در بازداشت خودسرانه به سر می‌برد.

### جبهه‌ی ملی ایران

چندین عضو این سازمان ملی‌گرا حکم زندان خود را می‌گذرانند از جمله حمیدرضا خادم (۴ سال زندان). پیمان عارف، یک عضو دیگر، پس از گذراندن حکم یک سال زندان و اجرای حکم ۷۴ ضربه شلاق در تاریخ ۱۸ مهر آزاد و دوباره در ۱۰ آبان ۱۳۹۰ بازداشت شد.<sup>۸۱</sup> دکتر علی رشیدی (اقتصاددان برجسته و معاون پیشین بانک مرکزی) که عضو جبهه‌ی ملی ایران است، از تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۹۰ در بازداشت بوده است.

### جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی دو سازمان سیاسی به‌ثبت‌رسیده و دارای پروانه‌ی فعالیت هستند، اما در پی انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۸ ممنوع شده‌اند. بسیاری از اعضای این دو سازمان از جمله چند وزیر و معاون وزیر پیشین و نمایندگان پیشین مجلس اکنون حکم زندان را می‌گذرانند. اکثر آن‌ها عضو هر دو سازمان هستند.

- بهزاد نبوی، وزیر و نماینده‌ی مجلس پیشین، ۶ سال زندان
- مصطفی تاج‌زاده، معاون وزیر پیشین، ۶ سال زندان و ۱۰ سال محرومیت از فعالیت سیاسی
- عبدالله رمضان‌زاده، معاون رئیس‌جمهور پیشین، ۵ سال زندان
- محسن میردامادی، دبیرکل جبهه‌ی مشارکت اسلامی، ۶ سال زندان و ۱۰ سال محرومیت از فعالیت سیاسی.
- فیض‌الله عرب‌سرخی، معاون وزیر پیشین، ۶ سال زندان
- ابوالفضل قدیانی حکم یک سال زندان خود را می‌گذراند که در اوایل آذر ۱۳۹۰ تمام می‌شود، اما مقامات دولتی اتهام‌های تازه‌یی شامل «اهانت به مقام رهبری و ریاست‌جمهوری» را به او تفهیم کرده‌اند که می‌تواند به حکم زندان دیگری منجر شود.
- جواد امام، معاون وزیر پیشین، ۱ سال زندان
- داود سلیمانی، نماینده‌ی مجلس پیشین، ۳ سال زندان

<sup>۸۱</sup>نگاه کنید به شلاق

## مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم

این سازمان به وسیله روحانیون طرفدار رئیس جمهور اصلاح طلب پیشین خاتمی تشکیل شده است. جمهوری اسلامی آن را در اسفند ۱۳۸۹ ممنوع کرد.

### سازمان دانش آموختگان

سازمان دانش آموختگان ادوار تحکیم وحدت به وسیله دانش جویان پیشین که در زمان تحصیل در دانشگاه در دفتر تحکیم وحدت<sup>۸۲</sup> فعالیت می کردند تشکیل شده و یک سازمان سیاسی طرفدار اصلاحات با بعضی فعالیت‌های حقوق بشری است. پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸، تعداد قابل توجهی از اعضای آن و به ویژه اعضای رهبری آن دستگیر شده، مورد آزار قرار گرفته و به زندان محکوم شده‌اند. به بعضی از آن‌ها در زیر اشاره می‌شود:



احمد زیدآبادی

- احمد زیدآبادی، دبیر کل سازمان و روزنامه‌نگار سرشناس، از ۲۳ خرداد ۱۳۸۸ در زندان بوده است. او که به ۶ سال زندان، ۵ سال تبعید و محرومیت تا پایان عمر از فعالیت‌های حرفه‌ای و سیاسی محکوم شده، در سال ۲۰۱۱ جایزه آزادی مطبوعات یونسکو را دریافت کرد.
- عبدالله مومنی، سخنگوی سازمان، از ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ در زندان بوده است. او به ۴ سال و ۱۱ ماه زندان محکوم شده و به خاطر نگارش نامه‌ای سرگشاده به رهبر جمهوری اسلامی درباره‌ی شکنجه‌ها با اتهام تازه‌ای روبه‌رو است.<sup>۸۳</sup>
- حسن اسدی زیدآبادی، مسئول حقوق بشر این سازمان، از ۳۱ مرداد ۱۳۸۹ با حکم محکومیت ۵ سال در زندان به سر می‌برد.
- علی جمالی، دبیر امور سیاسی، از ۳۱ مرداد ۱۳۸۹ با حکم محکومیت ۴ سال در زندان به سر می‌برد.
- علی ملیحی، مسئول روابط عمومی، از ۲۰ بهمن ۱۳۸۸ با حکم محکومیت ۴ سال در زندان به سر می‌برد.

<sup>۸۲</sup>نگاه کنید به دانش جویان

<sup>۸۳</sup>نگاه کنید به منع شکنجه و مجازات‌ها و رفتار خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز

## ۹- محرومیت از حقوق به خاطر منشا قومی

ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به اقلیت‌های قومی و زبانی می‌پردازد. در پرسش ۳۳ کمیته‌ی حقوق بشر از جمهوری اسلامی ایران درباره‌ی «محدودیت‌ها یا شرط‌های خاص تحمیل شده بر... آزادی‌های فرهنگی، زبانی و مذهبی اقلیت‌ها، مثل کردها، آذری‌ها و بلوچ‌ها، از جمله استفاده از زبان اقلیت‌ها در مدارس، انتشار نشریات و روزنامه‌ها به زبان‌های اقلیت... تعداد فعالانی که از سال ۲۰۰۵ به تروریسم، اقدام علیه امنیت ملی یا خیانت متهم شده‌اند و حکم‌های محکومیتی که در این پرونده‌ها صادر شده» سوال شده است.

جمهوری اسلامی بخش آخر پرسش را کاملاً نادیده گرفت و ادعا کرد:

... استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است (بند ۱۱۰ پاسخ‌های جمهوری اسلامی ایران).

بنابراین، اعضای گروه‌های قومی دیگر و گروه‌های غیرفارسی زبان نه تنها در سخن‌گفتن به زبان خود آزاد هستند، بلکه می‌توانند به زبان‌های خود نشریه منتشر کنند و آن‌ها را در مدارس تدریس نمایند (بند ۱۱۱ پاسخ‌های جمهوری اسلامی ایران).

برخلاف این ادعای جمهوری اسلامی، قانون اساسی ایران یادگیری و آموزش به زبان‌های غیرفارسی را در مدارس و مؤسسه‌های آموزشی دیگر مجاز نکرده است. ماده ۱۵ قانون اساسی، که جمهوری اسلامی آن را عیناً در بند ۱۱۰ پاسخ‌هایش نقل کرده، از پیچش خاصی برخوردار است. بر اساس این ماده تنها تدریس ادبیات غیرفارسی در مدارس آزاد است که با «آموزش و تدریس زبان‌های غیرفارسی در مدارس» کاملاً متفاوت است.

در عمل، جوامع قومی، شامل ترک‌های آذری، عرب‌زبانان در جنوب، کردها، بلوچ‌ها و ترکمن‌ها از دیگر حقوق فرهنگی خود نیز محروم هستند. به‌رغم مقررات قانون اساسی ایران، کتاب‌ها و نشریات غیرفارسی به‌ندرت اجازه‌ی انتشار یافته‌اند یا این‌که پس از انتشار چند شماره ممنوع شده‌اند.<sup>۸۴</sup>

جوامع قومی اساساً از حق آزادی بیان، تشکل و گردهم‌آیی محروم هستند. سازمان‌های سیاسی و فرهنگی و احزاب ترک‌های آذری، بلوچ‌ها، کردها و ترکمن‌ها سه دهه است که ممنوع شده‌اند. تنها حزب سیاسی قومی که

<sup>۸۴</sup> سرکوب جوامع قومی را در این گزارش مورد بحث مشروح قرار نداده ایم. برای بحث مشروح در باره تبعیض علیه اقلیت‌های دینی و جوامع قومی در ایران، نگاه کنید به گزارش مشترک فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر [http://www.fidh.org/IMG/pdf/FIDH\\_LDDHI.pdf](http://www.fidh.org/IMG/pdf/FIDH_LDDHI.pdf)

در سال‌های اخیر به فعالیت می‌پرداخت لجنه الوفاق الاسلامی (حزب وحدت اسلامی) به رهبری جاسم شدیدزاده التمیمی، نماینده‌ی پیشین مجلس، از اقلیت عرب ایرانی در خوزستان بود. این حزب در سال ۱۳۸۵ ممنوع شد. اکثر گروه‌ها، بلوچ‌ها و ترکمن‌ها اهل سنت هستند و از تبعیض مذهبی نیز رنج می‌برند.<sup>۸۵</sup>

## مدافعان حقوق جوامع قومی

مدافعان حقوق قومی در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ نیز به خاطر فعالیت‌های حقوق بشری خود تحت آزار قضایی قرار داشته‌اند.

کاوه قاسمی کرمانشاهی، روزنامه‌نگار و عضو سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان، در بهمن ۱۳۸۸ در کرمانشاه در غرب ایران دستگیر شد. در بهمن ۱۳۸۹، او را به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق عضویت در سازمان حقوق بشر کردستان، تبلیغ علیه نظام به واسطه‌ی انتشار اخبار و گزارش‌ها و ارتباط با خانواده زندانیان و جان‌باختگان سیاسی به ۵ سال زندان محکوم شد. دادگاه تجدید نظر این حکم را به ۴ سال زندان کاهش داد.

علاوه بر این، چند نفر از مدافعان حقوق جوامع قومی، در ۹ آذر ۱۳۹۰ هنوز در بازداشت خودسرانه به سر می‌بردند، از جمله:



محمد صدیق کبودوند

- محمد صدیق کبودوند، رئیس سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان و سردبیر هفته‌نامه‌ی توقیف‌شده‌ی پیام مردم کردستان، در تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۸۶ دستگیر شد و از آن پس در زندان اوین به سر برده است. او در اردیبهشت ۱۳۸۷ به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی از طریق تشکیل سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان» به ۱۰ سال زندان و به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال زندان محکوم شد.<sup>۸۶</sup> پس از تجدیدنظر، در مهر ۱۳۸۷، حکم محکومیت او به ۱۰/۵ سال کاهش پیدا کرد. سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان در سال ۱۳۸۳ تشکیل شد اما اجازه فعالیت آزادانه نیافته است.

- عدنان حسن‌پور، عضو انجمن روزنامه‌نگاران کردستان و گزارشگر روزنامه‌ی آسو، و عبدالواحد (هیوا) بوتیمار، عضو فعال سازمان غیردولتی محیط‌زیستی «سبزچیا» در آذر و دی ۱۳۸۵ دستگیر و پس از چند ماه بازداشت انفرادی در تیر ۱۳۸۶ به اعدام محکوم شدند. این حکم‌ها بعداً به ترتیب به ۱۵ سال و ۸ سال زندان کاهش یافت.

- سعید متین‌پور، روزنامه‌نگار و فعال فرهنگی آذری اهل زنجان، که به خاطر خواست رعایت حقوق سیاسی، فرهنگی و زبانی مردم آذری در ایران در نوشته‌هایش شناخته شده است، به اتهام «تبلیغ علیه نظام اسلامی» و «ارتباط با بیگانگان» به ۸ سال زندان محکوم شد و در حال حاضر حبس خود را می‌گذراند. او در سال ۱۳۸۶ دستگیر و در خرداد ۱۳۸۷ محکوم شد.

<sup>85</sup> [http://www.fidh.org/IMG/pdf/FIDH\\_LDDHI.pdf](http://www.fidh.org/IMG/pdf/FIDH_LDDHI.pdf)

<sup>۸۶</sup> نگاه کنید به محرومیت زندانیان از درمان پزشکی

## پیوست ۱: فهرست ناکاملی از ۷۳ زندانی عقیدتی زن

۹ آذر ۱۳۹۰<sup>۸۷</sup>

نام	حکم	تاریخ شروع، زندان	وضع / وابستگی / اتهام
روناک صفازاده (نیز مشهور به صفارزاده)	۶ سال و ۹ ماه	۱ مهر ۱۳۸۴؛ سنندج	کمپین تغییر برای برابری؛ فعال حقوق کرد
زینب جلالیان	اعدام	بازداشت از سال ۱۳۸۶؛ سنندج	فعال سیاسی کرد
رها ثابت	۴ سال	۲۸ آبان ۱۳۸۶؛ شیراز	پیرو آیین بهایی؛ تشکیل گروه‌های غیرقانونی؛ تبلیغ به نفع گروه‌های مخالف نظام اسلامی
مهوش ثابت	۲۰ سال	۱۴ اسفند ۱۳۸۶؛ اوین/تهران	پیرو آیین بهایی
فریبا کمال آبادی	۲۰ سال	۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۷؛ اوین/تهران	پیرو آیین بهایی
معصومه کعبی	۴/۵ سال	۶ مهر ۱۳۸۷؛ زندان سپیدار اهواز	عرب ایرانی؛ همسر او در خارج از ایران فعال است، دولت سوریه او و فرزندش را در ۱۹ شهریور ۱۳۸۷ به ایران تحویل داد
زینب بایزیدی	۴ سال تبعید در زندان	۲۵ آبان ۱۳۸۷؛ زنجان	کمپین تغییر برای برابری
کبریا بنازاده امیرخیزی	۵ سال زندان در تبعید	۲۷ دی ۱۳۸۷؛ فعلا اوین/تهران	گویا به خاطر خویشاوندان فعال مخالف در خارج از ایران محکوم شده
عالیه اقدام دوست	۳ سال	۱۰ بهمن ۱۳۸۷؛ اوین/تهران	کمپین تغییر برای برابری
شبیم مددزاده	۵ سال زندان در تبعید	۲ اسفند ۱۳۸۷؛ فعلا اوین/تهران	فعال دانش جویی؛ محاربه
نازیلا دشتی	۳ سال	۶ خرداد ۱۳۸۸؛ اوین/تهران	گویا به خاطر خویشاوندان فعال مخالف در خارج از ایران محکوم شده
عاطفه نبوی	۴ سال	۲۵ خرداد ۱۳۸۸؛ اوین/تهران	فعال دانش جویی؛ محاربه
فاطمه رهنما	۱۰ سال تبعید در زندان	۷ مرداد ۱۳۸۸؛ سپیدار اهواز	زندانی سیاسی دهه ۱۳۶۰؛ گویا به علت نسبت خانواده‌گی با آقای موسوی (نامزد انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸) زندانی شده است
معصومه یآوری	۷ سال زندان در تبعید	۲۷ شهریور ۱۳۸۸؛ فعلا اوین/تهران	معترض خیابانی
هنگامه شهیدی	۶ سال	۱۱ آذر ۱۳۸۸؛ اوین/تهران	روزنامه‌نگار
مهديه گلرو	۲/۵ سال	۱۱ آذر ۱۳۸۸؛ اوین/تهران	فعال دانش جویی
ریحانه حاج‌ابراهیم دباغ	۱۵ سال زندان در تبعید	۶ دی ۱۳۸۸؛ فعلا اوین/تهران	متهم به ارسال فیلم‌های اعتراض‌های خیابانی به گروه‌های مخالف
مطهره بهرامی حقیقی	۱۰ سال زندان در تبعید	۶ دی ۱۳۸۸؛ فعلا اوین/تهران	گویا به خاطر خویشاوندان فعال مخالف در خارج از ایران محکوم شده؛ شوهر و یک پسرش به اعدام محکوم شده‌اند
کفایت ملک‌محمدی	۵ سال	۶ دی ۱۳۸۸؛ اوین/تهران	معترض خیابانی

<sup>۸۷</sup> پرسش ۲۸ کمیته‌ی حقوق بشر از جمهوری اسلامی ایران درباره‌ی تعداد زنان زندانی بود. باید توجه داشت که نام بعضی از زندانیان در این جدول در پیوست ۲ تکرار می‌شود.

فرح واضحان	۱۷ سال زندان در تبعید	۸ دی ۱۳۸۸؛ فعلا اوین/تهران	معترض خیابانی
مریم اکبری منفرد	۱۵ سال زندان در تبعید	۱۰ دی ۱۳۸۸؛ فعلا اوین/تهران	متهم به محاربه
بهاره هدایت	۱۰ سال	۱۰ دی ۱۳۸۸؛ اوین/تهران	فعال دانش جویی و کمپین تغییر برای برابری
منیژه منزویان (نصراللهی)	۳ سال و ۴ ماه	۸ اسفند ۱۳۸۸؛ اوین/تهران	پیرو آیین بهایی
رزیتا واثقی	۵ سال	۲۴ اسفند ۱۳۸۸؛ وکیل آباد مشهد	پیرو آیین بهایی
ناهید قدیری	۵ سال	۷ تیرماه ۱۳۸۹؛ مشهد	پیرو آیین بهایی؛ تبلیغ علیه نظام با فعالیت در تشکیلات بهائیت، ارتباط با بیگانگان در خارج، گردهم آیی غیرقانونی
سونیا طعامی	۵ سال	مشهد	پیرو آیین بهایی
نورا نبیل زاده	۵ سال	مشهد	پیرو آیین بهایی
سیما رجبیان	۲ سال	۲۴ تیر ماه ۱۳۸۹؛ مشهد	پیرو آیین بهایی؛ تبلیغ علیه نظام با فعالیت در تشکیلات بهائیت، ارتباط با بیگانگان در خارج، گردهم آیی غیرقانونی
نسرین قدیری	۲ سال	۲۴ تیر ماه ۱۳۸۹؛ مشهد	پیرو آیین بهایی؛ تبلیغ علیه نظام با فعالیت در تشکیلات بهائیت، ارتباط با بیگانگان در خارج، گردهم آیی غیرقانونی
هانیه فرشی شتربان	۷ سال	۲۷ تیر ۱۳۸۹؛ اوین/تهران	وبلاگ نگار؛ توهین به رهبری و مقدسات
لادن مستوفی مآب	۵ سال	۲۷ تیر ۱۳۸۹؛ اوین/تهران	وبلاگ نگار؛ توهین به رهبری و مقدسات
نسرین ستوده	۶ سال زندان؛ ۱۰ سال محرومیت از اشتغال به وکالت	۱۳ شهریور ۱۳۸۹؛ اوین/تهران	وکیل حقوق بشری
سیما اشراقی	بازداشت	۲ آبان ۱۳۸۹؛ مشهد	پیرو آیین بهایی؛ «تبلیغ علیه نظام، اقدام علیه امنیت ملی و توهین به مقدسات»
الناز رحیم زاده	۵ سال حبس تعزیری حکم بدوی	آبان ماه ۸۹ (فعلاً بازداشت)	وبلاگ نویس و از حامیان مادران پارک لاله؛ تبلیغ علیه نظام و تشویق به گردهم آیی و تبانی علیه امنیت ملی در شبکه های اجتماعی
لیلا توسلی	۲ سال	۱۴ آذر ۱۳۸۹؛ اوین/تهران	معترض خیابانی؛ دختر یکی از فعالان سیاسی
طره تقی زاده	۲۲ ماه	۱۸ دی ماه ۱۳۸۹؛ زندان کجویی ساری	پیرو آیین بهایی؛ «تبلیغ علیه نظام از طریق تبلیغ پیرو آیین بهائیت»
فریبا ابتهاج	نامعلوم	۲۱ بهمن ۱۳۸۹؛ تهران	منشی و مسئول دفتر معصومه ابتکار (معاون رییس جمهور پیشین)

روزنامه‌نگار	۲۲ بهمن ۱۳۸۹؛ تهران	نامعلوم	نزهت امیرآبادیان
دانش جوی دانشگاه تهران؛ فعال سیاسی	۲۳ بهمن ۱۳۸۹؛ تهران	نامعلوم	زهرا افتخاری
فعال دانش جویی - دانشگاه تهران	۲۳ بهمن ۱۳۸۹؛ تهران	نامعلوم	زهرا شریف
پیرو آیین بهایی؛ تبلیغ به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران	۲۴ بهمن ۸۹؛ دستگرد اصفهان	بازداشت	انیسا مطهر
دانش جوی دانشگاه شریف؛ اعتراض دانش جویی	۲۶ بهمن ۱۳۸۹؛ تهران	بازداشت	شیمای وزوایی
دانش جو - دانشگاه امیرکبیر؛ اعتراض دانش جویی	۱ اسفند ۱۳۸۹؛ تهران	بازداشت	فوزان شفایی
فعال دانش جویی - نوشیروانی بابل؛ اعتراض دانش جویی	۱ اسفند ۱۳۸۹؛ بابل	بازداشت	سارا باقری
همسر آقای موسوی (نامزد انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸)	۹ اسفند ۱۳۹۰؛ نامعلوم	ناپدید شده	زهرا رهنورد
شهروند معترض	اسفند ماه سال ۱۳۸۹	نامعلوم	سارا پورکاظمی
پیرو آیین بهایی؛ شرکت در یک جلسه مذهبی	۱۳ اسفند ۱۳۸۹؛ اصفهان	بازداشت	مینا احراری
پیرو آیین بهایی؛ شرکت در یک جلسه مذهبی	۱۳ اسفند ۱۳۸۹؛ اصفهان	بازداشت	ثمن گلشنی
زندانی سیاسی پیشین؛ دارای خویشاوند فعال مخالف در خارج از ایران	۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰؛ نامعلوم	بازداشت	طاهره پوررستم (سوداگری)
زندانی سیاسی پیشین؛ دارای خویشاوند فعال مخالف در خارج از ایران	۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰؛ نامعلوم	بازداشت	صدیقه مرادی
زندانی سیاسی پیشین؛ دارای خویشاوند فعال مخالف در خارج از ایران	۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰؛ نامعلوم	بازداشت	آریا حائری
زندانی سیاسی پیشین؛ دارای خویشاوند فعال مخالف در خارج از ایران	۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰؛ نامعلوم	بازداشت	فاطمه (حوری) ضیایی
پیرو آیین بهایی؛ مدرس دانشگاه آنلاین پیرو آیین بهایی	۱ خرداد ۱۳۹۰؛ اوین/تهران	بازداشت	نوشین خادم
وبلاگ‌نگار	۳ خرداد ۱۳۹۰؛ اوین/تهران	۳ سال	اشرف علی خانی
کمپین تغییر برای برابری و فعال حقوق بشر	۱۰ خرداد ۱۳۹۰؛ اوین/تهران	۳ سال	محبوبه کرمی
دستگیری قبلی در روز زن (۸ مارس) که با وثیقه آزاد شده بود	۲۳ خرداد ۱۳۹۰	۱۴ ماه و ۷۵ ضربه شلاق	نگار منظمی
کمپین تغییر برای برابری	۳۰ تیر ۱۳۹۰؛ قم	۶ ماه	مریم بیدگلی
نامعلوم	نامعلوم؛ اوین/تهران	نامعلوم	شعله طائب
نامعلوم	نامعلوم؛ اوین/تهران	نامعلوم	مریم حاجیلویی
مادر فعال حقوق بشر کوهیار گودرزی؛ توهین به رهبری	۹۰/۵/۱۰ - زندان مرکزی کرمان	بازداشت	پروین مخترع
فعال دانش جویی - دانشگاه آزاد	۹۰/۵/۲۰ - تهران	نامعلوم	خاطره دانش توکل

فعال دانش‌جویی - دانشگاه تهران؛ توزیع و انتشار فیلم‌ها و جزواتی پیرامون انقلاب‌های رنگی و نرم و هم‌چنین ارتباط با برخی فعالان خارج از کشور	تهران - ۹۰/۵/۲۲	بازداشت	ملینا بختیارنژاد
پیرو آیین بهایی - فعال حقوق کودک	تهران؛ ۹۰/۵/۲۶	بازداشت	ثمین احسانی
پیرو آیین بهایی؛ اعتراض به مجازات تحقیرآمیز همسرش	۲۹ مرداد ۱۳۹۰؛ ساری	بازداشت	وجیهه ناشری
فعال سیاسی و زیست‌محیطی	۹۰/۵/۳۱؛ ارومیه	بازداشت	مهسا مهدی‌زاده
فعال حقوق زنان؛ کمپین تغییر برای برابری	۱۳ شهریور ۱۳۹۰؛ آمل	۳ سال	فرشته شیرازی
مادر یکی از مدیران وبگاه درویشان گنابادی	۲۰ شهریور ۱۳۹۰؛ شیراز	بازداشت	فرزانه نوری
پیرو آیین بهایی؛ مدرس دانشگاه آنلاین پیرو آیین بهایی	۲۲ شهریور ۱۳۹۰؛ اوین/تهران	بازداشت	فران حسامی
گرویدن به مسیحیت	۱۳۹۰؛ اوین	۲/۵ سال	مریم جلیلی
گرویدن به مسیحیت	۱۳۹۰؛ اوین	۲/۵ سال	شهلا رحمتی
گرویدن به مسیحیت	۱۳۹۰؛ اوین	۲/۵ سال	میترا زحمتی
پیرو آیین بهایی	۱۲ آبان ۱۳۹۰؛ زندان ساری	بازداشت	پریسا بابایی
وبلاگ‌نگار؛ اقدام علیه امنیت ملی؛ تبلیغ علیه نظام و فعالیت‌های حقوق بشری	۳۰ آبان ۱۳۹۰؛ بازداشتگاه ۲ الف سپاه پاسداران در زندان اوین	بازداشت	رژین محمدی



## پیوست ۲: فهرست ناکاملی از ۴۳ روزنامه‌نگار و وبلاگ‌نگار زندانی

۹ آذر ۱۳۹۰<sup>۸۸</sup>

نام	تاریخ دستگیری/زندان	حکم زندان (سال)	اتهام/دلیل دستگیری
حسین درخشان		۱۹/۵ سال	وبلاگ‌نگار؛ سفر به اسرائیل
محمدصدیق کبودوند		۱۰/۵؛ در وضعیت بد جسمانی	روزنامه‌نگار و مدافع حقوق بشر کرد
عدنان حسن پور		۱۵	روزنامه‌نگار کرد
سعید متین پور		۸	روزنامه‌نگار ترک آذری
عبدالواحد (هیوا) بوتیمار		۸	روزنامه‌نگار و فعال محیط زیست کرد
ابوالفضل عابدینی نصر		۱۲	
احمد زیدآبادی	۲۳ خرداد ۱۳۸۸؛ رجایی شهر	۶ سال زندان؛ محرومیت تا پایان عمر از فعالیت‌های حرفه‌یی و ۵ سال تبعید به شهر گناباد در جنوب شرقی ایران	دبیر کل سازمان دانش‌آموختگان؛ نامه‌ی انتقادی سرگشاده به رهبر جمهوری اسلامی
کیوان صمیمی بهبهانی	۲۳ خرداد ۱۳۸۸؛ رجایی شهر	۶ سال زندان؛ ۱۵ سال محرومیت از فعالیت‌های حرفه‌یی؛ در شرایط بد جسمانی و نیازمند مراقبت پزشکی	اقدام علیه امنیت ملی از طریق گردهم‌آیی و تباری، تشویش اذهان عمومی
سخی ریگی	۲۸ خرداد ۱۳۸۸؛ زاهدان/یلوچستان	۲۰	وبلاگ‌نگار
امیر اصلانی	مرداد ۱۳۸۸	۵	وبلاگ‌نگار
حسین رونقی ملکی	۲۲ آذر ۱۳۸۸؛ اوین	۱۵	وبلاگ‌نگار؛ دانش‌جو؛ تبلیغ علیه نظام؛ توهین به رهبر و رییس جمهور
هنگامه شهیدی	۱۴ بهمن ۱۳۸۸؛ اوین	۶	تبلیغ علیه نظام؛ اقدام علیه امنیت ملی؛ توهین به رییس جمهور
مسعود باستانی	۱۴ مرداد ۱۳۸۸	۶	

<sup>۸۸</sup> پرسش ۲۴ کمیته‌ی حقوق بشر از جمهوری اسلامی ایران درباره‌ی تعداد روزنامه‌نگاران زندانی پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ بود. باید توجه داشت که نام بعضی از زندانیان در این جدول در پیوست ۱ تکرار می‌شود.

	۶		علی بهزادیان نژاد
توهین به رییس جمهور؛ تبلیغ علیه نظام؛ تبانی برای اخلال در امنیت ملی؛ اختلال در نظم عمومی	۵	۳۰ خرداد ۱۳۸۸؛ اوین	بهمن احمدی امویی
گزارش درباره‌ی شکنجه و تجاوز؛ فیلم از مصاحبه‌شوندگان	۵	۱۷ شهریور ۱۳۸۸	محمد داوری
شرکت در تظاهرات معلمان در ۱۳۸۵	۱		
تبانی علیه نظام	۵	۲۵ شهریور ۱۳۸۸؛ رجایی شهر	مهدی محمودیان
گردهم‌آبی و تبانی علیه نظام؛ تبلیغ علیه نظام؛ توهین به رییس جمهور؛ اشاعه اکاذیب	۴	۲۰ بهمن ۱۳۸۸	علی ملیحی
توهین به رهبر؛ تبلیغ علیه نظام؛ اشاعه‌ی اکاذیب در مصاحبه‌های خارجی	۳ سال زندان؛ ۵ سال محرومیت از فعالیت‌های حرفه‌یی؛ نیازمند مراقبت پزشکی	۱۲ تیر ۱۳۸۸؛ رجایی شهر	عیسی سحرخیز
اقدام علیه امنیت ملی؛ جاسوسی برای ترکمنستان	۵	۱ آذر ۱۳۸۸	آرش سفر
	۲		علی اکبر عجمی
	۵	فروردین ۱۳۸۹	علی رضا بهشتی شیرازی
ارتباط با بیگانگان	۵	اردیبهشت ۱۳۸۹؛ اوین	احمد رضا یوسفی
وبلاگ‌نگار	در انتظار محاکمه	بازداشت در ۲۸/۲۷ تیر ۱۳۸۹	ایمان مسجدی؛ امیر لطیفی محمد رضا گلی‌زاده لادن مستوفی‌مآب هانیه صانع فرشی شتربان؛ حجت نیکویی سپهر ابراهیمی
تبلیغ علیه نظام؛ تشویش اذهان عمومی؛ اشاعه‌ی اکاذیب	۴ سال زندان؛ جریمه نقدی و ۶۰ ضربه شلاق	۱۷ مرداد ۱۳۸۹	سیامک قادری
روحانی وبلاگ‌نگار	۴ سال زندان؛ ۵۰ ضربه شلاق؛ خلع لباس	بازداشت در ۶ آبان ۱۳۸۹ در قم	آرش هنرور شجاعی

الناز رحیمزاده	بازداشت/آبان ۱۳۸۹	۵ سال	وبلاگ‌نگار
نزهت امیرآبادیان	۲۲ بهمن ۱۳۸۹	بازداشت	
پارسا بهمنی	۱۰ اسفند ۱۳۸۹؛ شیراز	بازداشت	
محمدجواد مظفر	۲۰ فروردین ۱۳۸۹؛ اوین	۱ سال	روزنامه‌نگار و ناشر
علی‌رضا رجایی	۴ اردیبهشت ۱۳۹۰	بازداشت	اقدام علیه امنیت ملی
مهرداد سرجویی	تیر ۱۳۹۰	بازداشت	اتهام نامعلوم
هادی احمدی		بازداشت	اتهام نامعلوم
امیرعلی علامه‌زاده	۲۷ شهریور ۱۳۹۰؛ بند ۲ الف سپاه پاسداران در زندان اوین	بازداشت	اتهام نامعلوم
حسن فتحی	۲۲ آبان ۱۳۹۰	بازداشت	روزنامه‌نگار؛ پس از مصاحبه با بخش فارسی بی بی سی بازداشت شد
داود خداکریمی	۲۷ آبان ۱۳۹۰؛ زنجان	بازداشت	روزنامه‌نگار و فعال فرهنگی آذری
رژین محمدی	۳۰ آبان ۱۳۹۰؛ بازداشتگاه ۲ الف سپاه پاسداران در زندان اوین	بازداشت	وبلاگ‌نگار؛ اقدام علیه امنیت ملی؛ تبلیغ علیه نظام و فعالیت‌های حقوق بشری

## پیوست ۳: ملاحظات پایانی کمیته‌ی حقوق بشر

### کمیته‌ی حقوق بشر

#### نشست ۱۰۳

ژنو، ۱۷ اکتبر - ۴ نوامبر ۲۰۱۱ (۲۵ مهر - ۱۳ آبان ۱۳۹۰)

رسیدگی به گزارش‌های دولت‌های عضو بر اساس ماده ۴۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی:

۱. کمیته‌ی گزارش ادواری سوم جمهوری اسلامی ایران (CCPR/C/IRN/3) را در جلسه‌های ۲۳۸۴، ۲۳۸۵ و ۲۳۸۶ (CCPR/C/SR/2834, CCPR/C/SR/2835 and CCPR/C/SR/2836) خود در روزهای ۱۷ و ۱۸ اکتبر ۲۰۱۱ (۲۵ و ۲۶ مهر ۱۳۹۰) مورد بررسی قرار داد و ملاحظات پایانی را به شرح زیر به تصویب رساند.

#### الف: مقدمه

۲. کمیته از گزارش ادواری سوم جمهوری اسلامی ایران و اطلاعات موجود در آن استقبال می‌نماید. کمیته از فرصت به‌دست‌آمده برای ازسرگرفتن گفت‌وگوی سازنده با هیات نمایندگی دولت عضو درباره‌ی اقدام‌های آن در دوره شمول گزارش برای اجرای مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی خوشنود است. کمیته از دولت عضو به خاطر پاسخ‌های کتبی (CCPR/C/IRN/Q/3/Add.1) به «فهرست مسایلی که باید در رسیدگی به سومین گزارش جمهوری اسلامی ایران مطرح شود» (CCPR/C/IRN/Q/3) که با پاسخ‌های شفاهی هیات نمایندگی تکمیل شد سپاس‌گزار است.

۳. کمیته با تأسف ملاحظه می‌کند که بین زمان رسیدگی به گزارش‌های ادواری دوم و سوم دولت عضو ۱۸ سال فاصله افتاده است و امیدوار است ارتباط کاری سازنده‌ی دولت عضو با کمیته در نشست ۱۰۳ از طریق اجرای مؤثر توصیه‌های جاری و ارائه گزارش ادواری چهارم ادامه یابد.

#### ب: جنبه‌های مثبت

۴. کمیته از موارد زیر استقبال می‌نماید:

الف) امضای پروتکل الحاقی کنوانسیون حقوق کودک در زمینه‌ی شرکت کودکان در درگیری‌های مسلحانه، در سپتامبر ۲۰۱۰؛

ب) پیوستن به کنوانسیون حقوق اشخاص معلول در اکتبر ۲۰۰۹؛

پ) پیوستن به پروتکل الحاقی کنوانسیون حقوق کودک در زمینه‌ی فروش کودکان، فحشای کودکان و هرزه‌نگاری درباره‌ی کودکان در سپتامبر ۲۰۰۷؛

ت) تصویب کنوانسیون حقوق کودک در ژوئیه ۱۹۹۴

#### پ: نگرانی‌های اساسی و توصیه‌ها

۵. کمیته با نگرانی ارجاع به بعضی اصول مذهبی به عنوان معیارهای اساسی در نظام دولت عضو را مورد ملاحظه قرار داد.

دولت عضو باید از رعایت کامل تمام تعهدات ناشی از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اطمینان حاصل کند و به مقررات داخلی این دولت به عنوان توجیه عمل نکردن به تعهدات ناشی از میثاق استناد نکند.

۶. کمیته از این مساله نگران است که جایگاه معاهده‌های بین‌المللی حقوق بشر در نظام حقوقی ملی مشخص نشده

است و این مانع اجرای کامل حقوق پیش‌بینی شده در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است. دولت عضو باید اجرا و کاربرد مؤثر مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را، صرف‌نظر از جایگاه میثاق در نظام حقوق داخلی، تضمین کند.

۷. کمیته از این مساله نگران است که دولت عضو هنوز نهاد ملی با صلاحیتی برای زمینه‌ی حقوق بشر بر اساس اصول پاریس (قطع‌نامه‌ی ۴۸/۱۳۴ مجمع عمومی) (ماده‌ی ۲ میثاق) تأسیس نکرده است. دولت عضو باید تأسیس نهاد ملی حقوق بشر را با اختیارات گسترده‌ی حقوق بشری مد نظر قرار دهد و در راستای اصول پاریس (قطع‌نامه‌ی ۴۸/۱۳۴ مجمع عمومی - پیوست) منابع کافی مالی و انسانی در اختیار آن قرار دهد.

۸. با وجود تحول در زمینه‌ی آموزش زنان، کمیته از تعداد کم زنان در سمت‌های تصمیم‌گیری در بخش دولتی نگران است. کمیته هم‌چنین از این نگران است که زنان هرگز در تعدادی از پست‌های دولتی از جمله شورای نگهبان یا پست‌های بالا در مجمع تشخیص مصلحت حضور نداشته‌اند و از بعضی پست‌های دولتی، مثل قضاوت (ماده‌های ۲ و ۲۶ میثاق) کنار گذاشته شده‌اند.

دولت عضو باید اقداماتی را برای افزایش تعداد زنان در مجامع تصمیم‌گیرنده و قضایی در تمام سطوح و زمینه‌ها انجام دهد. دولت عضو باید در این زمینه برنامه‌های آموزش ویژه و آگاهی‌بخشی برای زنان به اجرا بگذارد.

۹. کمیته از تداوم نابرابری زنان در زمینه‌های ازدواج، خانواده و ارث نگران است (ماده‌های ۲ و ۲۶).

دولت عضو باید قانون مدنی و به علاوه لایحه قانون حمایت خانواده را اصلاح کند تا الف) ضرورت اجازه پدر یا جد پدری برای ثبت ازدواج را ملغا کند؛ ب) به زنان در طلاق حق برابر بدهد؛ پ) برابری حق حضانت مادر بر فرزند را، از جمله پس از سن ۷ سالگی فرزند یا ازدواج دوباره مادر، تضمین کند؛ ت) در صورت فوت پدر، ولایت فرزند را به مادر بدهد؛ ث) حقوق زنان در ارث را با مردان برابر قرار دهد؛ ج) شرط قانونی تمکین زن از مرد را حذف کند؛ چ) شرط اجازه مرد برای سفر زن به خارج را حذف کند؛ ح) چند همسری را ممنوع کند؛ خ) اختیار مرد برای منع زن از اشتغال را لغو کند. دولت عضو باید قانونی را برای دادن حق به زنان ایرانی برای انتقال ملیت خویش به فرزندان به تصویب برساند.

۱۰. کمیته از این نگران است که هم‌جنس‌گرایان زن و مرد، دو‌جنس‌گرایان، و دگرجنس‌گونه‌ها با آزار و تعقیب، مجازات‌های ظالمانه و حتا مجازات اعدام روبه‌رو هستند. کمیته هم‌چنین از این نگران است که این اشخاص به خاطر گرایش جنسی خود با تبعیض روبه‌رو هستند از جمله در زمینه‌ی استخدام، مسکن، آموزش و رسیدگی درمانی و نیز حذف از زندگی اجتماعی (ماده‌های ۲ و ۲۶).

دولت عضو باید تمام قوانینی را که درباره‌ی افراد به خاطر گرایش جنسی یا هویت جنسی تبعیض قایل می‌شوند، آن‌ها را مورد پیگرد و مجازات قرار می‌دهند و یا ممکن است منجر به تبعیض، پیگرد و مجازات آن‌ها شوند، ملغا یا اصلاح کند. دولت عضو باید اطمینان حاصل کند که هر شخصی که تنها به خاطر عملکرد آزاد و رضایتی جنسی یا گرایش جنسی خود در بازداشت است فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود. دولت عضو باید تمام اقدام‌های لازم در زمینه قانون‌گذاری و مرحله اجرا و نیز اقدام‌های دیگر را برای حذف و منع تبعیض بر پایه گرایش جنسی را انجام دهد، از جمله در زمینه دسترسی به اشتغال، مسکن، آموزش و رسیدگی درمانی، و حمایت از افراد دارای گرایش جنسی یا هویت جنسی متفاوت را در مقابل خشونت و حذف اجتماعی تضمین نماید. کمیته باز تأکید می‌کند که تمام این امور به طور کامل در گستره حقوق ناشی از میثاق قرار می‌گیرد و بنابراین در محدوده اختیارات کمیته است. کمیته به تأکید از دولت عضو می‌خواهد اطلاعات مشروح درباره‌ی بهره‌مندی هم‌جنس‌گرایان زن و مرد، دو جنس‌گرایان، دگرجنس‌گونه‌ها از حقوق ناشی از میثاق را در

## گزارش ادواری بعدی خود بگنجانند.

۱۱. کمیته از نبود مقررات مشخص درباره‌ی خشونت خانگی در قانون مجازات و نیز نبود تحقیقات، پیگرد و مجازات برای مرتکبان خشونت خانگی نگران است. کمیته هم‌چنین از معافیت شوهر از مجازات به خاطر قتل عمد همسر در صورت سوءظن به زنا نگران است.

دولت عضو باید قوانینی را برای جرم انگاشتن خشونت خانگی به تصویب برساند و اقداماتی را برای مبارزه مؤثر با خشونت خانگی به اجرا بگذارد. دولت عضو باید تضمین کند که قربانیان به امکان غرامت و حمایت دسترسی فوری داشته باشند، از جمله از طریق تأسیس تعداد کافی خانه‌های امن برای قربانیان. دولت عضو باید اطمینان حاصل کند که در مورد اعمال خشونت خانگی به طور مؤثری تحقیق شود و مرتکبان آن مورد پیگرد و مجازات قرار بگیرند. دولت عضو باید اطمینان حاصل کند که شوهر همسر در صورت قتل همسر به خاطر سوءظن به زنا، از مجازات به خاطر قتل عمد معاف نشود.

۱۲. کمیته هنوز از تعداد بسیار زیاد و رو به افزایش حکم‌های اعدام که در کشور دولت عضو صادر و اجرا می‌شود، دامنه‌ی گسترده جرایم اغلب مبهمی که به اجرای مجازات اعدام می‌انجامد، و تعداد زیاد جرایم مستوجب اعدام و شیوه‌های اعدام، به‌شدت نگران است. کمیته هم‌چنین از تداوم اجرای مجازات اعدام در انتظار عمومی، و سنگسار به عنوان شیوه‌ی اعدام، نگران است. کمیته با نگرانی تعداد زیاد اعدام‌های دولتی در مناطق اقلیت‌نشین را مورد ملاحظه قرار داد (ماده‌های ۶ و ۷).

دولت عضو باید الغای مجازات اعدام یا حداقل بازنگری در قانون مجازات را به قصد محدودکردن مجازات اعدام تنها به «مهم‌ترین جرایم»، به مفهوم مذکور در ماده‌ی ۶، بند ۲، میثاق و نظر عمومی شماره‌ی ۶ (۱۹۸۲) کمیته درباره‌ی حق زندگی مد نظر قرار دهد. دولت عضو باید اطمینان حاصل کند که همواره در صدور مجازات اعدام، الزام‌های ماده‌های ۶ و ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی کاملاً رعایت شود. دولت عضو باید تضمین نماید که هر شخص محکوم به اعدام، پس از استفاده از تمام راه‌های قانونی فرجام‌خواهی، از فرصت مؤثر برای استفاده از حق درخواست عفو یا کاهش مجازات از مقامات مربوط برخوردار باشد. به علاوه، دولت عضو باید اجرای مجازات اعدام در انتظار عمومی و نیز سنگسار به عنوان شیوه‌ی اعدام را ممنوع نماید.

۱۳. کمیته از تداوم اعدام کودکان و صدور حکم اعدام برای کسانی که پیش از ۱۸ سالگی مرتکب جرم شده‌اند، و در ماده‌ی ۶، بند ۵، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی منع شده است، به‌شدت نگران است (ماده ۶).

دولت عضو باید فوری به اعدام کودکان پایان دهد و به علاوه قانون رسیدگی به جرایم نوجوانان و لایحه قانون مجازات اسلامی را با هدف الغای مجازات اعدام برای کسانی که پیش از ۱۸ سالگی مرتکب جرم شده‌اند، اصلاح کند. دولت عضو باید تمام حکم‌های اعدام کنونی برای محکومان به اعدام را که پیش از ۱۸ سالگی مرتکب جرم شده‌اند، کاهش دهد.

۱۴. کمیته از گزارش‌های مربوط به استفاده‌ی گسترده از شکنجه و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز در بازداشتگاه‌ها، به‌ویژه در مورد کسانی که به جرایم مرتبط با امنیت ملی متهم یا در دادگاه‌های انقلاب محاکمه شده‌اند و به مرگ بعضی از بازداشت‌شدگان منجر شده، به‌شدت نگران است. کمیته هم‌چنین از به‌کارگیری اقرارهای اجباری به عنوان مدرک اصلی در صدور حکم محکومیت در دادگاه نگران است.

دولت عضو باید از انجام تحقیقات درباره‌ی همه‌ی موارد ادعای شکنجه و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز در بازداشتگاه‌ها، و پیگرد و مجازات متناسب مرتکبان این اقدامات اطمینان حاصل کند. دولت عضو باید جبران خسارت متناسب به هر قربانی را تضمین کند. دولت عضو باید اطمینان حاصل کند که هیچ‌کس وادار به دادن شهادت علیه خود یا دیگران یا اعتراف به جرم نشود و این‌گونه «اعتراف‌ها» در دادگاه به عنوان دلیل پذیرفته نشود، مگر علیه اشخاص متهم به شکنجه یا بدرفتاری‌های دیگر برای اثبات این‌که چنین «اعتراف» یا

اظهارات دیگری صورت گرفته است.

۱۵. کمیته از این نگران است که تحقیق کامل، غیرجانبدارانه و مستقلاً درباره‌ی ادعاهای مربوط به قتل، شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر پیرو انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ انجام نشده و مسئولان بلندپایه به پاسخ‌گویی فراخوانده نشده‌اند (ماده‌های ۶ و ۷).

دولت عضو باید فوراً تحقیق کامل، غیرجانبدارانه و مستقلاً درباره‌ی ادعاهای مربوط به قتل، شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر پیرو انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ انجام دهد و مقاماتی را که مسئول تشخیص داده می‌شوند مورد پیگرد قرار دهد.

۱۶. کمیته از ادامه اجرای مجازات‌های بدنی به وسیله‌ی مقامات قضایی و اجرایی، به‌ویژه قطع عضو و شلاق در مورد طیف گسترده‌ی از جرایم، شامل دزدی، محاربه و بعضی روابط جنسی نگران است. دولت عضو هم‌چنین از قانونی‌بودن تنبیه بدنی کودکان در خانه، به عنوان حکم دادگاه و در مؤسسه‌های مراقبتی نگران است (ماده ۷).

دولت عضو باید قانون مجازات را به قصد الغای مجازات بدنی به وسیله‌ی مقامات قضایی و اجرایی اصلاح نماید. دولت عضو باید به‌صراحت هر شکلی از تنبیه بدنی را در بخش پرورش کودک و آموزش ممنوع کند، از جمله با الغای توجیه قانونی آن در ماده‌ی ۱۱۷۹ قانون مدنی، ماده‌های ۴۹ و ۵۹ قانون مجازات و ماده‌ی ۷ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان.

۱۷. کمیته از گزارش‌های مربوط به استفاده از برگ بازداشت کلی و سفیدامضا، بدون اسم متهم و بدون نیاز به بررسی مدارک توسط قاضی نگران است (ماده ۱۷).

دولت عضو باید اطمینان حاصل کند که برگ بازداشت حاوی نام متهم و بر پایه بررسی مدارک به وسیله قاضی باشد. دولت عضو باید تمام افرادی را که براساس برگ بازداشت کلی و سفیدامضا و بدون مدرک بازداشت شده‌اند، آزاد نماید.

۱۸. کمیته از طول میانگین مدت بازداشت‌های پیش از محاکمه و محدودنبودن مدت بازداشت به دستور دادگاه به وسیله‌ی ماموران اجرای قانون در ماده‌ی ۳۳ آیین دادرسی کیفری نگران است. کمیته هم‌چنین از گزارش‌های مربوط به بازداشت در انزوای کامل اشخاص در بازداشتگاه‌های غیررسمی نگران است (ماده‌های ۷ و ۹).

دولت عضو با رعایت کامل ماده‌ی ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، باید تمام اقدامات لازم را انجام دهد تا مطمئن شود که مدت بازداشت پیش از محاکمه در قانون و عمل، به‌ویژه از طریق نظارت مستقل قضایی و دسترسی فوری به وکیل، بیش از حد طولانی نشود. دولت عضو باید برای حذف بازداشت انفرادی دست به اقدام فوری بزند و برای رعایت آن در عمل مراقبت لازم را انجام دهد.

۱۹. کمیته از وضع بد بازداشتگاه‌ها، به‌ویژه در زندان اوین، بندهای ۳۵۰، ۲ الف، ۲۰۹ و ۲۴۰، نگران است. کمیته هم‌چنین از استفاده از سلول انفرادی، محدودیت غیرمنطقی ملاقات‌های خانواده‌گی و به قرار گزارش محرومیت بسیاری از زندانیان بند ۳۵۰ / اندرگاه شماره‌ی ۳ زندان اوین از رسیدگی پزشکی، نگران است (ماده‌های ۷ و ۱۰).

دولت عضو باید برای ایجاد یک سیستم منظم و واقعاً مستقل نظارت بر بازداشتگاه‌ها اقدام فوری انجام دهد و اطمینان حاصل کند که شرایط بازداشت با ماده‌های ۷ و ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز اصول حداقل سازمان ملل برای رفتار با زندانیان سازگار هستند. دولت عضو باید در آموزش ماموران اجرای قانون، مسئولان قضایی و ماموران زندان، به‌طورمنظم آموزش حقوق بشر شامل منع شکنجه، شیوه‌های مؤثر بازجویی، شرایط بازداشت و رفتار با بازداشت‌شدگان را به عنوان بخش استاندارد برنامه‌ی آموزشی آن‌ها قرار دهد.

۲۰. کمیته از قاچاق مداوم زنان و کودکان، به‌ویژه دختران جوان در مناطق روستایی، که اغلب از طریق ازدواج

موقت («صیغه») تسهیل می‌شود، نگران است (ماده ۸).

دولت عضو باید برای مبارزه با قاچاق و فروش نوجوانان از ۱۸ سال و پیشگیری از آن دست به اقدام بزند. از دولت عضو همچنین درخواست می‌شود در گزارش ادواری بعدی خود آمار سالانه‌ی دستگیری‌ها و محکومیت‌ها بر اساس قانون مبارزه با قاچاق سال ۱۳۸۳ را ارائه نماید.

۲۱. کمیته از نقض پیوسته تضمین‌های محاکمه‌ی عادلانه که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ارائه شده، به‌ویژه در دادگاه‌های انقلاب و دادگاه زندان اوین نگران است. کمیته همچنین از استناد مسئولان قضایی به مفهوم «مهدورالدم» (مستحق مرگ) در حکم‌ها نگران است.

دولت عضو باید اطمینان حاصل کند که تمام فرایندهای قانونی با رعایت کامل ماده‌ی ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی انجام شود، از جمله با تضمین الف) حق داشتن مشاور حقوقی انتخابی در تمام مدت بازداشت پیش از محاکمه؛ ب) حق اطلاع فوری از ماهیت و دلیل اتهام کیفری؛ پ) دخالت و حضور وکلا در تمام پرونده‌ها، از جمله در مرحله‌ی تحقیقات؛ ت) اصل برائت؛ ث) حق محاکمه‌ی علنی؛ و ج) حق درخواست تجدیدنظر. دولت عضو باید مفهوم «مهدورالدم» (مستحق مرگ) را در توصیف قربانیان حذف کند تا مرتکبان این جنایت‌ها مورد پیگرد واقع شوند و عدالت دربارهی آن‌ها اجرا شود. کمیته نظریه‌ی عمومی شماره‌ی ۳۲ (۲۰۰۷) خود دربارهی حق برابری در دادگاه‌ها و دیوان‌ها و حق محاکمه عادلانه را به دولت عضو یادآوری می‌نماید.

۲۲. کمیته نگران است که استقلال قوه‌ی قضاییه کاملاً تضمین نشده و در اثر فشار نابه‌جا از سوی قوه‌ی مجریه، از جمله واحد نظارت و ارزشیابی قضات، و روحانیون ارشد و مسئولان بلندپایه‌ی دولتی، پیش از محاکمه‌ها در خطر می‌افتد. کمیته همچنین از این نگران است که قضات از قانون شرع و فتواها برای صدور حکم‌هایی استفاده کرده‌اند که منافی با حقوق و اصول مشروح در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است (ماده‌ی ۱۴).

دولت عضو باید برای کسب اطمینان استقلال و جانبدار نبودن قوه‌ی قضاییه و حمایت از آن دست به اقدام‌های فوری بزند و کارکرد آن را کاملاً آزاد از فشار و دخالت قوه‌ی مجریه و روحانیت تضمین کند. دولت عضو باید اطمینان حاصل کند که قضات، در تفسیر قوانین و نیز اتکا به اصول مذهبی، حکم‌هایی صادر نکنند که در نقض حقوق و اصول مشروح در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی باشد.

۲۳. کمیته از تبعیض علیه اعضای اقلیت مسیحی، از جمله دستگیری به اتهام تبلیغ مذهبی و ممنوعیت انجام مراسم مسیحی به زبان فارسی نگران است. کمیته همچنین با نگرانی ملاحظه کرده که افرادی که از اسلام به مسیحیت گرویده‌اند دستگیر شده‌اند و ماده‌ی ۲۲۵ لایحه‌ی قانون مجازات، مجازات اعدام را برای مردان محکوم به ارتداد الزامی خواهد کرد (ماده ۱۸).

دولت عضو باید دست به اقدام‌هایی بزند که آزادی دین یا اعتقاد را تضمین نماید، از جمله اطمینان از سازگاری کامل قوانین و عمل‌کردها با ماده‌ی ۱۸ میثاق. این مساله تضمین حق همگان را برای تغییر دین به اختیار خود، بدون قید و شرط و کامل در بر می‌گیرد. کمیته دولت عضو را به تاکید فرا می‌خواند تا ماده‌ی ۲۲۵ لایحه‌ی قانون مجازات را حذف کند. کمیته نظریه‌ی عمومی شماره‌ی ۲۲ (۱۹۹۳) خود دربارهی آزادی اندیشه، عقیده و دین یادآوری می‌نماید.

۲۴. کمیته از این نگران است که نفی آزادی اعضای جامعه بهایی در داشتن یا پذیرش دین یا اعتقاد ادامه دارد. کمیته همچنین نگران است که نقض حقوق اعضای جامعه‌ی بهایی، از جمله بازداشت خودسرانه، زندان بی‌مورد، مصادره و تخریب اموال، محرومیت از اشتغال و مزایای دولتی و محرومیت از آموزش عالی ادامه دارد (ماده‌های ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۷).

دولت عضو باید احترام کامل به آزادی همگان، از جمله اعضای جامعه‌ی بهایی را، در داشتن یا پذیرش دین یا



اعتقاد به انتخاب خود، و آزادی عمل به دین یا اعتقاد خود در عبادت، مراسم، اعمال و آموزش، به‌طورفردی یا دسته‌جمعی به همراه دیگران و به‌طورخصوصی یا علنی، تضمین نماید. دولت عضو باید دست به اقدام‌های فوری بزند تا اطمینان حاصل کند که از اعضای جامعه‌ی بهایی در مقابل تبعیض در هر زمینه‌ی حمایت می‌شود، نقض حقوق آن‌ها فوری مورد تحقیق می‌گیرد، افراد مسئول نقض حقوق آن‌ها مورد پیگرد قرار گیرند و به آن‌ها غرامت مؤثر عرضه شود.

۲۵. کمیته نگران است که تبعیض در عمل و قانون علیه مسلمانان اهل سنت ادامه دارد و آن‌ها از آزادی برای عمل کامل به مذهبشان منع می‌شوند (ماده‌های ۱۸ و ۱۹).

دولت عضو باید آزادی عمل به دین یا اعتقاد را تضمین نماید و این کار می‌تواند به‌طورفردی یا دسته‌جمعی به همراه دیگران و به‌طورخصوصی یا علنی انجام شود. کمیته به دولت عضو یادآوری می‌نماید که این حق ساختن عبادتگاه را نیز در بر می‌گیرد.

۲۶. کمیته از محدودیت شدید بر آزادی گردهم‌آیی و تشکل نگران است و متوجه شده که برگزاری گردهم‌آیی‌های عمومی و راه‌پیمایی و تأسیس تشکل‌ها مشروط به رعایت «موازین اسلام» است که در قوانین ملی تعریف نشده است. کمیته هم‌چنین از تداوم گزارش‌ها درباره‌ی آزار و ارباب، منع و به‌هم‌زدن خشونت‌بار تظاهرات، و دستگیری و بازداشت خودسرانه‌ی مدافعان حقوق بشر نگران است. کمیته با نگرانی ملاحظه می‌کند که مدافعان حقوق بشر و وکلای دادگستری اغلب به اتهام‌های مبهمی مثل محاربه یا تبلیغ علیه نظام در زندان هستند. کمیته هم‌چنین ملاحظه می‌کند که تعداد فعالان حقوق زن که دستگیر و بازداشت شده‌اند به‌ویژه زیاد است، از جمله هواداران و اعضای کمپین یک میلیون امضا (ماده‌های ۱۹، ۲۱، و ۲۲).

دولت عضو باید آزادی گردهم‌آیی و تشکل را برای تمام افراد بدون تبعیض تضمین کند و تمام کسانی را که تنها به خاطر استفاده مسالمت‌آمیز از این حق در بازداشت هستند فوراً و بدون قیدوشرط آزاد نماید، از جمله دانش‌جویان، معلمان، مدافعان حقوق بشر (شامل فعالان حقوق زن)، وکلای دادگستری و فعالان سندیکایی. دولت عضو باید از انجام تحقیقات مؤثر و غیرجانبدارانه درباره‌ی تهدیدها، آزار و حمله به اعضای این گروه‌ها اطمینان حاصل کند و، به تناسب موضوع، مرتکبان این‌گونه اقدامات را مورد پیگرد قرار دهد. دولت عضو باید لایحه‌ی قانونی تأسیس، فعالیت و نظارت سازمان‌های مردم‌نهاد را که به تشکیل یک شورای عالی نظارت بر فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی به ریاست وزارت کشور با نمایندگانی از وزارت اطلاعات، پلیس، بسیج و سپاه پاسداران خواهد انجامید، پس بگیرد.

۲۷. کمیته از بسته‌شدن تعداد زیادی روزنامه، مجله و نیز انجمن صنفی روزنامه‌نگاران از سال ۲۰۰۸ به بعد به دست مقامات دولتی و بازداشت بسیاری از روزنامه‌نگاران، سردبیران روزنامه‌ها، سینماگران و کارکنان رسانه‌ها در پی انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۸ نگران است. کمیته هم‌چنین از نظارت بر کاربرد و محتوای اینترنت، فیلترکردن وبگاه‌های خبری و تحلیل سیاسی، کاهش سرعت اینترنت و ارسال پارازیت روی فرستنده‌های ماهواره‌ی خارجی، به‌ویژه پس از انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۸، نگران است (ماده ۱۹).

دولت عضو باید آزادی بیان و عقیده‌ی رسانه‌های مستقل را کاملاً تضمین نماید و برای روزنامه‌نگاران امکان انجام حرفه‌شان را بدون ترس از دادگاه فراهم کند. دولت عضو باید روزنامه‌نگارانی را که در مغایرت با ماده‌های ۹ و ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی زندانی شده‌اند آزاد و از آن‌ها اعاده‌ی حیثیت نماید و امکان جبران مؤثر قضایی و جبران خسارت در اختیار آن‌ها بگذارد. دولت عضو باید اطمینان حاصل کند که نظارت بر اینترنت آزادی بیان و امور شخصی را که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تعریف شده نقض ننماید. کمیته نظریه‌ی عمومی شماره‌ی ۳۴ (۲۰۱۱) خود را درباره‌ی ماده ۱۹ به دولت عضو یادآوری می‌نماید.

۲۸. کمیته از پایین بودن شدید حداقل سن ازدواج و متفاوت بودن آن بر اساس جنسیت نگران است. کمیته هم‌چنین از رویه‌ی ازدواج‌های اجباری، زودهنگام و موقت دختران جوان نگران است (ماده‌های ۲۳ و ۲۴).

دولت عضو باید تبعیض بر اساس جنسیت را در مورد حداقل سن ازدواج از میان بردارد. دولت عضو باید اطمینان حاصل نماید که حداقل سن با موازین بین‌المللی سازگار باشد و اقدام‌های فعالی را برای جلوگیری از ازدواج‌های اجباری، زودهنگام و موقت دختران جوان در پیش بگیرد.

۲۹. کمیته از الزام به ثبت‌نام در مبارزه‌های انتخاباتی (به‌ویژه ماده‌ی ۲۸، بخش‌های ۱ و ۳ قانون انتخابات مجلس) و حق شورای نگهبان در رد صلاحیت نامزدهای انتخابات مجلس (طبق ماده‌ی ۳ اصلاحیه‌ی قانون انتخابات مجلس) نگران است. کمیته با نگرانی موارد زیر را درباره‌ی انتخابات ریاست جمهوری دهم در ۱۳۸۸ ملاحظه نموده است: (۱) از میان ۴۵۰ نامزد احتمالی تنها چهار نفر مورد تأیید قرار گرفتند؛ (۲) ناظران بین‌المللی اجازه‌ی ورود و نظارت بر نتایج انتخابات نیافتند؛ (۳) سیگنال تلفن‌های همراه و دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و وبگاه‌های مخالف قطع شده بود؛ (۴) فعالان سیاسی، اعضای اقلیت‌های دینی و قومی کشور، دانش‌جویان، فعالان سندیکایی حقوق زنان مورد آزار قرار گرفتند و خودسرانه بازداشت شدند؛ (۵) نتایج انتخابات پیش از تأیید شورای نگهبان مورد تأیید آیت‌الله خامنه‌ای قرار گرفت؛ و (۶) در دو استان تعداد رای‌دهندگان بیش از ۱۰۰ درصد بود. کمیته دستگیری ده‌ها نفر از مخالفان سیاسی را در بهمن ۱۳۹۰ و نیز انحلال دو حزب سیاسی طرفدار اصلاحات را با رای دادگاه با نگرانی ملاحظه کرده است (ماده‌ی ۲۵).

دولت عضو باید اصلاحاتی در قوانین انجام دهد که سازگاری ماده‌های ۳ و ۲۸، بخش‌های ۱ و ۳، قانون انتخابات مجلس را با حقوق تضمین شده در ماده‌ی ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین نماید. دولت عضو باید اقدامات لازم را برای تضمین انجام انتخابات به روش آزاد و شفاف، در سازگاری با میثاق، از جمله از طریق تشکیل یک کمیسیون مستقل نظارت بر انتخابات انجام دهد.

۳۰. کمیته از محدودیت‌ها و شروطی که بر بهره‌مندی از آزادی‌های فرهنگی، زبانی و مذهبی اقلیت‌های کشور عضو مثل کردها، عرب‌ها، آذری‌ها و بلوچ‌ها برقرار شده، از جمله استفاده از زبان‌های اقلیت‌ها در مدارس، انتشار مجله و روزنامه به زبان‌های اقلیت، نگران است (ماده‌ی ۲۷).

دولت عضو باید تضمین کند که اعضای اقلیت‌های قومی، دینی و زبانی از حمایت مؤثر در مقابل تبعیض برخوردار باشند و بتوانند از فرهنگ خود بهره ببرند و زبان‌شان را در رسانه‌ها و مدارس به کار ببرند، در امور عمومی مشارکت نمایند و امکان چاره‌جویی مؤثر در مقابل تبعیض به آن‌ها عرضه شود.

۳۱. دولت عضو باید میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، گزارش ادواری سوم، پاسخ‌های خود به فهرست مسایلی که کمیته مطرح کرده و ملاحظات پایانی حاضر را به منظور افزایش آگاهی در میان مقامات قضایی، مقننه و اجرایی، جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی فعال در کشور و نیز عموم مردم در سطح گسترده‌ی منتشر نماید. کمیته هم‌چنین پیشنهاد می‌نماید که گزارش و ملاحظات پایانی به زبان رسمی کشور عضو ترجمه شود. کمیته هم‌چنین از دولت عضو درخواست می‌نماید که در هنگام ارائه‌ی گزارش ادواری چهارم خود با جامعه‌ی مدنی و سازمان‌های غیردولتی در سطح گسترده‌ی مشورت نماید.

۳۲. طبق اصل ۷۱، بند ۵، آیین‌نامه‌ی کمیته، دولت عضو باید ظرف یک سال اطلاعات مربوط به اجرای توصیه‌های کمیته در بندهای ۹، ۱۲، ۱۳ و ۲۲ بالا را ارائه نماید.

۳۳. کمیته از دولت عضو درخواست می‌نماید که در گزارش ادواری بعدی خود که بناست در ۲ نوامبر ۲۰۱۴ (۱۱ آبان ۱۳۹۵) تسلیم شود، درباره‌ی تمام توصیه‌ها و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به‌طور کلی اطلاعات مشخص و به‌روز نماید.

## چشم‌ها را باز نگه داریم

### بررسی وقایع:

هیئت‌های تحقیق و نظارت قضایی با فعالیت‌هایی مثل اعزام ناظر قضایی به جلسه محاکمه یا سازماندهی یک هیأت تحقیق بین‌المللی، فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر به شکلی قاطع و بی‌طرف به بررسی وقایع و تعیین مسؤلیت هیأت‌ها می‌پردازد کارشناسان به صورت داوطلب اعزام می‌شوند. فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر طی ۲۵ سال گذشته حدود ۱۵۰۰ هیأت به ۱۰۰ کشور اعزام داشته و این اقدامات، کارزارها و دادخواهی‌های فدراسیون را تقویت می‌کند.

### حمایت از جامعه‌ی مدنی:

برنامه‌های کارآموزی و تبادل اطلاعات فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر در راستای همکاری با سازمان‌های عضو، سمینارها و کنفرانس‌هایی را در کشورهای آن‌ها برگزار می‌کند. هدف از این برنامه‌ها، تقویت کارایی مدافعان حقوق بشر و نفوذ و اعتبار آنان نزد مقامات محلی است.

### بسیج جامعه‌ی بین‌المللی:

تماس مداوم با مراجع دولتی بین‌المللی فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر از اقدامات جامعه‌های عضو و وابسته‌اش نزد مراجع دولتی بین‌المللی حمایت می‌کند، درباره‌ی وضعیت حقوق بشر و موارد نقض آن‌ها هشدار می‌دهد و در تدوین موازین حقوقی بین‌المللی مشارکت می‌نماید.

### آگاهانیدن و گزارش‌دهی:

بسیج افکار عمومی فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر به آگاه‌سازی و بسیج افکار عمومی می‌پردازد و با برگزاری کنفرانس‌های مطبوعاتی، صدور اطلاعیه، نامه‌های سرگشاده خطاب به دولت‌مردان، گزارش‌های تحقیق، درخواست‌های فوری، شکوائیه‌ها، فراخوان‌ها و ... افکار عمومی را در جریان موارد نقض حقوق بشر قرار می‌دهد.

# LDDHI

جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران

(عضو فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر)

Iranian League for the Defence of Human Rights  
(FIDH Member)

**جامعه‌ی دفاع از حقوق بشر در ایران**، پس از بسته‌شدن جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر (تاسیس ۱۳۵۶) در ایران در سال ۱۳۶۰ و تبعید رهبران آن به خارج، در فروردین ۱۳۶۲ در پاریس تاسیس شد. اهداف این جامعه عبارتند از:

- افشای نقض حقوق بشر در ایران و مبارزه با آن
- ترویج فرهنگ حقوق بشر در میان ایرانیان از طریق نشر کتاب‌ها، نشریات و مقالات به فارسی و زبان‌های دیگر برای ایرانیان ساکن خارج از کشور و مصاحبه با رسانه‌های بین‌المللی
- برگزاری کنفرانس و سخنرانی در کشورهای مختلف، به‌ویژه درباره‌ی الغای مجازات اعدام در ایران، حقوق زنان، زندانیان سیاسی و اقلیت‌های قومی و دینی
- برگزاری کنفرانس با سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و موسسه‌های سازمان ملل

جامعه‌ی دفاع از حقوق بشر در ایران در سال ۱۹۸۶ به عضویت فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر درآمد.

رییس: عبدالکریم لاهیجی (نایب‌رییس فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر)

پست‌الکترونیکی: [lddhi@fidh.net](mailto:lddhi@fidh.net)

### فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر:

FIDH  
Passage de la Main d'Or, ۷۵-۱۱ Paris, France, ۱۷  
CCP Paris : ۷۶ ۷۶ Z  
Tel: +۳۳-۱-۴۳ ۵۵ ۲۵ ۱۸  
Fax: +۳۳-۱-۴۳ ۵۵ ۱۸ ۸۰

مدیر نشریه: سوهیر بالحسن  
ویراستار: آنتوان برنار  
زیرنظر: عبدالکریم لاهیجی  
نویسنده: بیژن بهاران  
طرح: سی.بی. تی

# فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر (FIDH) نمایندگی ۱۶۴ سازمان حقوق بشر در ۵ قاره است.



ماده‌ی ۵: هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتاری ظالمانه، ضدانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد. ماده‌ی ۶: هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی اش در همه جا در برابر قانون به رسمیت شناخته شود. ماده‌ی ۷: همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بی هیچ تبعیضی از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه‌ی حاضر باشد، و بر ضد هر تحریمی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، از حمایت یکسان قانون بهره مند گردند. ماده‌ی ۸: در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و آن حقوق به وسیله‌ی قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع به محاکم ملی صالحه دارد. ماده‌ی ۹: هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید نمود.

- **فدراسیون** برای حمایت از قربانیان نقض حقوق بشر، جلوگیری از تعدیات و اجرای عدالت در مورد مرتکبان نقض حقوق بشر فعالیت می‌کند.
- اختیارات گسترده:
- **فدراسیون** برای رعایت کلیه‌ی حقوق تصریح شده در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر فعالیت می‌کند: حقوق مدنی و سیاسی و نیز حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- یک جنبش جهانی:
- **فدراسیون** فدراسیون در سال ۱۹۲۲ تأسیس شد و امروزه ۱۶۴ سازمان عضو را در بیش از ۱۰۰ کشور جهان متحد می‌سازد. فدراسیون فعالیت‌های آن‌ها را هم‌آهنگ و از این فعالیت‌ها حمایت می‌کند و در سطح بین‌المللی صدای آن‌ها به شمار می‌رود.
- یک سازمان مستقل:
- **فدراسیون** فدراسیون همانند سازمان‌های عضو خود با هیچ حزب یا مذهبی مرتبط نیست و از تمام دولت‌ها مستقل است.

در باره‌ی فدراسیون بین‌المللی  
جامعه‌های حقوق بشر (FIDH)

**fidh**